

شکنجه، انتقال توقیف شدگان و سلب حق مراحل قانونی: رفتار با توقیف شدگان مرتبط با منازعه در افغانستان

بدرفتاری و موارد نقض حق طی مراحل قانونی توقیف شدگان مرتبط با منازعه در افغانستان



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

بنیاد جامعه باز

17 مارچ 2012 مطابق 27 حوت 1390



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان



کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بنیاد جامعه باز

شکنجه، انتقال توقیف شدگان و سلب حق مراحل قانونی: رفتار با توقیف شدگان مرتبط با منازعه در افغانستان

بدرفتاری و موارد نقض حق طی مراحل قانونی توقیف شدگان مرتبط با منازعه در افغانستان

خلاصه گزارش

اداره استخبارات (امنیت ملی) افغانستان در ماه های اخیر، به خاطر استفاده از شکنجه و سایر موارد نقض حقوق توقیف شدگان تحت انتقاد شدید قرار گرفته است. این گزارش موارد عمده و جدیدی از نگرانی را مطرح می کند. این موارد نگران کننده شامل توقیفگاه هایی می شود که قبلاً ثبت نشده و در آنها شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگانی که توسط نیروهای بین المللی انتقال یافته اند، صورت می گیرد. گزارش حاضر نتیجه نظارت درازمدت و مداوم بر توقیف شدگانی که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، براساس صلاحیت قانونی مندرج در قانون اساسی افغانستان، انجام شده و نیز مصاحبه هایی که با مساعدت بنیاد جامعه باز (*Open Society Foundations*) با بیش از 100 توقیف شده مرتبط با منازعه در فاصله زمانی بین دلو ۱۳۸۹ الی جدی ۱۳۹۰ (فبروری 2011 و جنوری 2012) انجام شده، است. ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توقیف شدگان در مراکز توقیف مربوط به امنیت ملی و وزارت داخله مصاحبه کردند و محققان بنیاد جامعه باز با توقیف شدگانی که قبلاً تحت نظارت امنیت ملی افغانستان قرار داشتند و سپس یا به مراکز مربوط به وزارت داخله (قبلاً مربوط وزارت عدلیه بوده) انتقال داده شده اند یا آزاد شده اند، مصاحبه کردند.

تحقیقات انجام شده برای این گزارش، نشان دهنده شواهد معتبری از شکنجه در نه مرکز توقیف مربوط به امنیت ملی افغانستان و چندین محل توقیف مربوط به پولیس ملی افغانستان، از جمله موارد لت و کوب، آویزان کردن از سقف، شوک های الکتریکی، موارد تهدید به تجاوز جنسی یا ارتکاب عمل آزار جنسی و اشکال دیگر بدرفتاری روانی و فیزیکی که به شکل روز مره برای اخذ اعترافات یا اطلاعات دیگر استفاده می شود، میباشد.¹ چهار محل توقیف مربوط به ریاست امنیت ملی که شکنجه در آنها ثبت شده اند در گزارش اخیر یوناما نیز به عنوان توقیفگاه های ثبت شده است که شکنجه در آنها اعمال می شود. این گزارش شواهدی از شکنجه در پنج توقیفگاه دیگر ریاست امنیت ملی را در بر میگیرد.

این گزارش، موجودیت و بکارگیری چندین روش خاص شکنجه، مانند استفاده از شوک برقی، بدرفتاری با اعضای تناسلی و تهدید به سواستفاده جنسی، که قبلاً ریاست امنیت ملی آنها را انکار کرده بود، تثبیت مینماید و حتا شواهد بیشتری راجع به این که مسؤلان ریاست امنیت ملی از این روش های شکنجه استفاده کرده اند، به دست میدهد. هم چنان این گزارش نشان میدهد که نقض گسترده و عمدی حقوق بنیادین مراحل قانونی توقیف شدگان، از جمله حق داشتن وکیل مدافع و اطلاع به خانواده، افزایش خطر شکنجه و دیگر سواستفاده ها در زندان ها وجود داشته و ادامه پیدا نموده است.

این گزارش انتقال توقیف شدگان از نیروهای بین المللی به حکومت افغانستان را نیز مورد بررسی قرار میدهد. نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) در پاسخ به گزارش ماه اکتوبر 2011 مطابق میزان 1390 ملل متحد، انتقال همه توقیف شدگان به مراکز توقیف مربوطه را به تعلیق در آورد، پلانی را برای رسیدگی به مشکلات که در این مراکز توقیف شناسایی شده بود معرفی و برنامه نظارتی بلند پروازانه ای را برای تحت پوشش قراردادن

¹ محل های نظارت شده عبارتند از: دیپارتمنت 124/90 ریاست امنیت ملی کابل، ریاست امنیت ملی هرات، ریاست ملی قندهار، ریاست امنیت ملی لغمان، ریاست امنیت ملی بدخشان، ریاست امنیت ملی هلمند، بخش 40/17 کامل، ریاست امنیت ملی ننگرهار، ریاست امنیت ملی وردک و نیز قومندانی امنیه پولیس ملی در قندهار و چندین ایستگاه بازرسی پولیس در قندهار

همه توقیف شدگانی که توسط آیساف انتقال داده می شوند، پیشنهاد کردند. این گزارش از تلاش های آیساف و کشورهای دارای حضور نظامی برای راه اندازی برنامه های نظارت ملی استقبال می نماید و این تلاش ها می تواند تأثیری مثبت داشته باشد. اما نگرانی های مطرح شده در این گزارش، به شمول شواهد بدرفتاری خارج از محل (*off-site*) و هراس توقیف شدگان از اقدامات تلافی جویانه در برابر افشای بدرفتاری، حاکی از آن است که سیستمی نظارتی بعد از انتقال ممکن است برای انجام مکلفیت کشورها مطابق حقوق بین الملل کافی نباشد.²

بزرگترین خلاء موجود در نظارت بر توقیف شدگان، عدم نظارت بر نیروهای ایالات متحده که خارج از سلسله فرماندهی آیساف قرار دارند، است. علیرغم این که تعداد زیادی توقیف شدگانی که از سوی نیروهای ایالات متحده به خصوص فرماندهی عملیات های ویژه نیروهای مشترک- افغانستان، که تابع برنامه نظارتی جدید آیساف نیست، انتقال داده شده اند. ایالات متحده هنوز مکانیسمی را برای نظارت بر توقیف شدگان که به توقیفگاه های افغانستان انتقال داده می شوند، در پیش نگرفته است.³

شواهد معتبری وجود دارند که بعضی از توقیف شدگانی که توسط ایالات متحده انتقال داده شده متحمل شکنجه توسط مسئولان افغان شده اند، که این امر نیاز به برنامه و مکانیزم نظارتی را برجسته می سازد. ده قضیه افرادی که توسط نیروهای ایالات متحده در فاصله ماه می 2010 (ثور 1389) و جنوری 2012 (جدی 1390) توقیف شده بودند و سپس به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل شدند، جایی که آنها ادعا کردند که بعداً مورد شکنجه قرار گرفتند ثبت گردیده است. در سه مورد از این قضایا، این افراد گزارش دادند که برای یک دوره در توقیفگاه واقع با نزدیک به پایگاه هوایی بگرام نگهداری شدند و در چهار مورد دیگر، افراد به ریاست امنیت ملی قندهار بعد از به تعلیق درآمدن انتقال توقیف شدگان به این مرکز توسط نیروهای آیساف و ایالات متحده، انتقال داده شده بودند. این موارد سبب نگرانی های جدی راجع به پالیسی های ایالات متحده در مورد انتقال توقیف شدگان، به خصوص انتقال توقیف شدگان توسط آن عده از نیروهای ایالات متحده که خارج از چارچوب آیساف قرار دارند و نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده و در مورد این که آیا تدابیر حفاظتی لازم برای حمایت از حقوق توقیف شدگان وجود دارد یا خیر و حصول اطمینان از این که ایالات متحده شریک جرم در شکنجه نیست، می شود.

حکومت افغانستان اظهار نموده است که متعهد به رسیدگی نگرانی هاست و تا حد زیادی به تقاضاهای مکرر برای دسترسی به توقیفگاه ها پاسخ مثبت داده و اخیراً یک واحد حقوق بشر را در داخل ریاست امنیت ملی برای بررسی ادعاهایی بدرفتاری تأسیس کرده است که از این اقدامات حکومت قویاً استقبال می شود. با وجود این همه، این گزارش نشان میدهد که حکومت افغانستان تاکنون در پاسخگویی در مورد افراد مسؤل به بدرفتاری با توقیف شدگان تا اندازه زیادی ناکام مانده است. حکومت افغانستان در برخی موارد، به جای عزل و تعقیب قانونی افراد مسؤل، آنها را به راحتی در توقیفگاه های دیگری مقرر نموده است. ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز کماکان در دسترسی به بعضی از مراکز توقیف ریاست امنیت ملی، به شمول ریاست 124/90 با چالش هایی رو به رو اند.

این واقعیت، که حکومت افغانستان مواجه با چالش های گسترده امنیتی و کمبود ظرفیت قرار دارد، قابل درک است، ولی این به آن معنا نیست که شکنجه قابل توجیه یا اجتناب ناپذیر است. شکنجه هم مطابق قوانین افغانستان و هم مطابق به قوانین بین المللی، به صورت مطلق ممنوع میباشد. بنأ استفاده از همچوروش ها بیکه مصداق شکنجه شمرده میشود، نقض حقوق بنیادین بشر را تشکیل می دهد و به اعتبار حکومت افغانستان و متحدان آن به طور جدی آسیب می رساند.

حکومت افغانستان مدت هاست که تقاضای خود را برای اعمال حاکمیت بر توقیف شدگان مربوط با منازعه در افغانستان، روشن ساخته بود. همزمان با این که حکومت افغانستان مسؤلیت بیشتر تأمین امنیت و نیز دستگیریها را به عهده می گیرد و خروج تدریجی ایالات متحده و دیگر کشورهای عضو آیساف سرعت پیدا می کند، چالش های

² باید خاطر نشان ساخت که یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز در مورد شکنجه و بدرفتاری در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی در بسیاری موارد قبل از تطبیق پلان اصلاحی شش مرحله ای و بازرسی های آیساف بوده است.

³ CFSOCC-A همراه با تمام نیروهای ایالات متحده برای افغانستان (USFOR-A) تابع ممنوعیت ها و دیگر جوانب پلان شش مرحله ای آیساف به ارتباط انتقال زندانیان میگردد. حالانکه تابع مرحله پنجم نظارتی پلان شش مرحله ای آیساف نمیگردد.

مربوط به نگهداری و تعقیب درست عدلی توقیف شدگان مربوط به منازعه برای حکومت صرفاً شدید تر خواهد شد، بناً در این زمینه نیاز به اقدام فوری وجود دارد. حکومت افغانستان با حمایت شرکای بین المللی خود برای رسیدگی موثر به شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان مربوط به منازعه باید گام های فوری و مؤثری را بردارد.

پیشنهادات کلیدی حکومت افغانستان

- همه کسانی را که مسؤل شکنجه هستند، به شمول فرماندهان، مورد تحقیق قرار داده و آنها را در مقابل کار های انجام شده شان پاسخ گو سازد. همچنان باید به رویه تعیین مجدد مأموران مسؤل شکنجه به جای برکناری آن ها پایان دهد.
- از اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دسترسی کامل، آزاد و محرم به توقیف شدگان و مراکز توقیف ریاست امنیت ملی، از جمله شعبه 90/124 ریاست امنیت ملی کابل، برخوردار است اطمینان دهد، زیرا این صلاحیت در قانون اساسی افغانستان برای این نهاد تسجیل شده است. اطمینان از اینکه مقامات ریاست امنیت ملی به ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه می دهد تا بدون کدام آگاهی قبلی از همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی بازدید نماید ضروری است.
- اطمینان از اینکه بخش حقوق بشر ریاست امنیت ملی مراکز توقیف ریاست امنیت ملی جایگاه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نسبت به عدم دسترسی به آن به حکومت هشدار می دهد را بلافاصله بازرسی و بررسی میکند؟
- توقف نگهداری توقیف شدگان در مراکز توقیف بدون ارتباط با خانواده و وکیل مدافع. اطلاع دهی از دستگیری توقیف شدگان به اعضای خانواده آنها بلافاصله و یا اسرع وقت، اطمینان از دسترسی به وکیل قانونی و اعطای اجازه به اعضای خانواده جهت بازدید از توقیف شدگان. انتقال همه توقیف شدگان به مراکز توقیف وزارت داخله طی 72 ساعت، آگاهی دهی به توقیف شدگان نسبت به علت دستگیری شان در ظرف 24 ساعت، و اطمینان از اینکه توقیف ها بی که بیشتر از 72 ساعت طول میکشد با مجوز خارنوالی یا محکمه انجام می شود.
- اطمینان از اینکه وکلای مدافع در همه مراحل توقیف به توقیف شدگان و همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی و نیز به یافته های تحقیقات و شواهد موجود علیه موکلین خویش دسترسی دارند.

آیساف و کشورهای دارای حضور نظامی

- با استفاده از طرز العمل تعلیق و آوردن بهبود آیساف، کار با حکومت افغانستان صورت گیرد تا تدابیری جهت حفاظت زندانیان از بدرفتاری اتخاذ گردیده و دسترسی کامل و غیر محدود کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به مراکز توقیف تأمین گردد، زندانیان به وکیل مدافع دسترسی داشته باشند و در برابر بدرفتاری با زندانیان پاسخگویی موجود باشد.
- اطمینان از اینکه هیچ زندانی به محلاتی که در آنجا خطر واقعی شکنجه وجود دارد انتقال نمی شود. جائیکه انتقال زندانیان بنا بر اتهامات معتبر راجع به شکنجه از سوی آیساف به تعلیق درآمده است. اطمینان از اینکه تنها آن عده از مراکز برای شروع دوباره انتقال توقیف شدگان تصدیق می شود که در آن اطلاعات کافی مبنی بر نبود خطر واقعی شکنجه وجود دارد.

ایالات متحده امریکا

- حمایت از ریاست امنیت ملی و حکومت افغانستان جهت تامین رهایی زندانیان از شکنجه. کار با ریاست امنیت ملی به منظور تشخیص کمبودی های شدید منابع، و فراهم آوری مساعدت های مناسب فنی و مالی جهت حصول اطمینان از رفتار بهتر با توقیف شدگان و تامین مطابقت تحقیقات با قوانین ملی و بین المللی.
- اطمینان از اینکه تمام نیروهای ایالات متحده، از جمله نیروهای عملیات ویژه و پرسنل اطلاعاتی، با سیاست های انتقال توقیف شدگان و قانون بین المللی مطابقت داشته و تحت پوشش برنامه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد نظارت از توقیف شدگان قرار گیرد.

I	مقدمه	7
II	پیشینه	7
III	روش (میتودولوژی)	8
IV	شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان مربوط با منازعه در افغانستان	9
V	انتقال توقیف شدگان، نظارت و عملیات های مشترک نیروهای بین المللی	25
VI	شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگانی که توسط نیروهای آمریکایی به ریاست امنیت ملی منتقل شده اند	37
VII	نقض حق داشتن مراحل قانونی (Due Process)	45
VIII	حسابدهی و شفافیت	55
IX	توصیه ها	58

I. مقدمه

هر سال، هزاران فرد در سراسر افغانستان در ارتباط با منازعه مسلحانه، توسط نیروهای افغان و قوای بین المللی توقیف می شوند. همزمان با شدت گرفتن منازعه، شمار افرادی که به دلایل تهدید بر علیه امنیت ملی توقیف شده اند، افزایش یافته است. که اکثریت مطلق شان به توقیف خانه های اداره ریاست امنیت ملی، یعنی اداره استخبارات افغانستان، انتقال داده می شوند. این توقیف شدگان مربوط به منازعه، که متهم به جرایم حساس و تهدید علیه امنیت ملی هستند و غالباً توسط مسولین استخبارات در توقیف طولانی و بدون ارتباط و یا دسترسی به وسایل ارتباطی نگه داشته می شوند، به صورت خاص در معرض شکنجه و بدرفتاری قرار دارند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از سال 2002 (۱۳۸۰) بدینسو، به طور منظم بر رفتار با توقیف شدگان و شرایط توقیف نظارت کرده و همراه با دیگر گروه های ملی و بین المللی حقوق بشر، نگرانی هایی را در باره بدرفتاری با توقیف شدگان و همدستی بالقوه نیروهای بین المللی در آن مطرح کرده است. به دنبال انتشار گزارش یوناما در ماه اکتوبر 2011 مطابق میزان 1390، که از عمق و وسعت بدرفتاری پرده برداشت، حکومت افغانستان و شرکای بین المللی آن وارد سطح جدیدی از تعهد در این مسله شده اند.⁴

این گزارش بر مصاحبه هایی استوار است که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز در فاصله فیبروری 2011 و جنوری سال 2012 مطابق دلو ۱۳۸۹ - جدی ۱۳۹۰ انجام شده است. این گزارش موارد عمده و جدیدی از نگرانی ها را، به شمول شکنجه در توقیفگاه هایی که قبلاً شناسایی نشده بودند و انتقال مداوم توقیف شدگان توسط نیروهای آمریکایی و سایر نیروهای نظامی بین المللی که توقیف شدگان را در خطر شکنجه قرار می دهد، مطرح می کند. این گزارش به ارزیابی اقدامات تازه ای که توسط حکومت افغانستان برای پایان بخشیدن به بد رفتاری و پاسخگو قراردادن مرتکبین شکنجه اتخاذ شده، نیز میپردازد و نگرانی هایی را دال بر این که وعده های داده شده با عمل همراه نبوده است، مطرح می کند. به همین ترتیب، این گزارش به بررسی این امر که آیا نیروهای بین المللی برای مطمئن شدن از این که توقیف شدگانی را که به حکومت افغانستان منتقل می کنند در خطر شکنجه قرار ندارند، اقدامات کافی انجام می دهند یا خیر، می پردازد.

درحالی که اصلاحات جامع نیاز به زمان خواهد داشت، ولی اگر توجه مداوم صورت بگیرد، ماه های آینده فرصت اساسی ای را برای ادامه نیروی محرکه اصلاحات و مطمئن شدن از تطبیق پالیسی ها و پروگرام هایی که به بدرفتاری با توقیف شدگان موفقانه رسیدگی خواهد کرد، در اختیار قرار می دهد.

II. پیشینه

ریاست امنیت ملی

ریاست امنیت ملی، سازمان استخباراتی عمده افغانستان است که مسؤلیت اولیه اداره کردن توقیف شدگان مربوط به منازعه را به عهده دارد. ریاست امنیت ملی آن عده از توقیف شدگان مربوط به منازعه را که از نیروهای نظامی بین المللی و سایر نیروهای امنیتی افغانستان انتقال داده می شوند، نیز دریافت می کند. هرچند ریاست امنیت ملی مسؤلیت اولیه قضایای مربوط به امنیت ملی را به عهده دارد، اما سایر نیروهای امنیتی افغانستان، مانند پولیس ملی و پولیس محلی افغانستان، نیز افراد مربوط به منازعه را دستگیر و توقیف می کنند. درحالیکه امکان بدرفتاری در سراسر نظام عدلی افغانستان مشکلی عمده به حساب می آید، ولی تجربه نشان داده است که توقیف شدگان مربوط به منازعه در برابر بدرفتاری و شکنجه از آسیب پذیری خاص برخوردارند.

⁴ مأموریت مساعدت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، رفتار با توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، اکتوبر 2011، http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/October10_%202011_UNAMA_Detention_Full-Report_ENG.pdf [از این پس در این گزارش "یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان"].

نیروهای نظامی بین المللی

نیروهای آیساف کماکان افراد را به طور منظم دستگیر و به توقيفگاه های افغانستان منتقل می کنند. مطابق "مقررہ 96 ساعته" آيساف، افرادی را که در جریان عملیات های آيساف توقیف می شوند عموماً در ظرف 96 ساعت آزاد نموده و یا آنان را به مراجع افغانستان تحویل میدهند. تنوع قابل توجهی در پالیسی ها و رویه های دستگیری در میان کشورهای عضو آيساف وجود دارد. ایالات متحده هزاران فرد را در سراسر افغانستان دستگیر می کند که اکثریت آنان در توقيفگاه پروان (DFIP) و نیز در تعدادی از مراکز توقیف "موقت"، از جمله مرکز بازرسی سری در میدان هوایی بگرام که تحت اداره فرماندهی مشترک عملیات های ویژه ایالات متحده قرار دارد، نگهداری می شوند.⁵ در عین زمان، کشورهای دیگری که حضور نظامی کمتری دارند، مانند دانمارک، ممکن است در یک سال فقط چند فرد را توقیف کنند و همه را به مراجع افغانستان بپسارند. برخی از کشورهای، مانند آلمان، ادعا دارند که خودشان در توقیف افراد شرکت نمی کنند، ولی در عین زمان در عملیات های نظامی با نیروهای افغانستان که دستگیری و توقیف افراد را به همراه دارد، شرکت می کنند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یک نهاد ملی و مستقل حقوق بشر است که بر اساس ماده ۵۸ قانون اساسی افغانستان تأسیس شده و مطابق به قوانین افغانستان صلاحیت دارد بر وضعیت حقوق بشر در کشور نظارت کند، حقوق بشر را انکشاف و مورد حمایت قرار دهد. موارد نقض حقوق بشر را بررسی نموده و تدابیری برای بهبود و ارتقای حقوق بشر در افغانستان روی دست گیرد.

بنیادجامعه باز

بنیاد جامعه باز، یک سازمان غیردولتی ای است که برای تقویه دموکراسی های پویا و مبتنی بر تساهل و مدارا، درکشور های که حکومت های شان در برابر شهروندان شان پاسخگو باشند، در سراسر جهان فعالیت می کند. ابتکار پالیسی منطقه ای بنیاد جامعه باز در مورد افغانستان و پاکستان (RPI)، که در تهیه این گزارش با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همکاری داشت، در همکاری با نهادهای داخلی جامعه مدنی به تحقیق، گزارش دهی و دادخواهی در مورد حقوق بشر مربوط به منازعه و موضوعات خط مشی گذاری در افغانستان و پاکستان می پردازد.

روش (میتودولوژی) III

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، به عنوان بخشی از صلاحیت های خود، همیشه به صورت منظم از شرایط توقیف و رفتار با توقیف شدگان در مراکز توقیف افغانستان نظارت به عمل می آورد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با بازدید از مراکز توقیف شرایط حبس را بازرسی می کند و با توقیف شدگان و نیز مسؤلانی که مسؤلیت نظارت بر مراکز توقیف را به عهده دارند، مصاحبه هایی را انجام می دهد.

این گزارش، حاصل مصاحبه هایی است که توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در فاصله بین ماه های حوت ۱۳۸۹ و قوس ۱۳۹۰ (فبروری 2011 و جنوری 2012) انجام شده است. مصاحبه های متذکره از نظارت منظم کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر مراکز توقیف اداره ریاست امنیت ملی و وزارت داخله، توسط تیم های ولایتی نظارت و بررسی انجام شده و تیم بررسی ویژه کمیسیون

⁵ بنیاد جامعه باز، شرایط توقیف در مرکز بازرسی ایالات متحده در پایگاه هوایی بگرام، 14 اکتوبر 2010، <http://www.soros.org/pub/conditions-confinement/publications/articles/resources/org.soros.www://http-pdf-20101014.conditions-confinement20101014/>

[پس از این در این گزارش، بنیاد جامعه باز، شرایط توقیف در مرکز بازرسی ایالات متحده] ، کیم برلی دوزیر (Kimberly Dozier): "نگهداری مخفیانه مظنونان ترور برای هفته ها"، اسوشیند پریس، 8 اپریل 2011، <http://abcnews.go.com/International/wireStory?id=13325716>] از این پس در این گزارش "نویزیر، نگهداری مظنونان برای هفته ها" .

مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در طول این دوره مصاحبه هایی را با توقیف شدگان طی 10 مأموریت نظارتی در توقیفگاه های امنیت ملی و وزارت داخله انجام داده که جمله 12 محل توقیف اداره ریاست امنیت ملی و 11 محل توقیف وزارت داخله را تحت پوشش قرار داده است. از دسترسی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در طول این تحقیق، به توقیف شدگان ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی در کابل و هم چنان در ریاست امنیت ملی ولایت کنر جلوگیری به عمل آمده است.

در مجموع، در جریان این تحقیق، با بیش از 100 نفر توقیف شده کنونی و گذشته مصاحبه صورت گرفته است. 103 مصاحبه با توقیف شدگانی که در محل توقیف ریاست امنیت ملی یا وزارت عدلیه/وزارت داخله نگهداری می شوند، و 15 مصاحبه با توقیف شدگانی که اخیراً رها شده اند صورت گرفته است.⁶ در تمام موارد، مصاحبه با توقیف شدگان به شکل انفرادی، در فضای اطمینان و به شکل محرمانه بدون دخالت یا حضور مسؤلان حکومتی انجام شده است. حالانکه امنیت ملی به ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه نظارت بدون اطلاع قبلی نمیداد. ناظرین کمیسیون یک یا چند روز قبل باید آنها را از نظارت شان از امنیت ملی مطلع می ساختند. مصاحبه شوندهگان در جریان تهیه این گزارش آگاهانه به مصاحبه رضایت داده اند. به منظور حفظ هویت مصاحبه شوندهگان و بنابر دلایل امنیتی، اسامی تمامی توقیف شدگان در این گزارش با نام های مستعار یا اعداد تعویض شده است.

در جریان تهیه این گزارش با رئیس سازمان مساعدت های حقوقی، 20 نفر وکیل مدافع، 15 نفر مسؤل محل توقیف و نیز دیگر مسؤلان حکومتی افغانستان و خارجی ها مصاحبه صورت گرفته است. بسیاری از وکلای مدافع و مسؤلان حکومت نخواستند نام های شان در این گزارش ذکر شود.

برای جلب اعتماد و گرفتن اظهارات توقیف شدگان تلاش های زیادی صورت گرفت. هرچند این کار، با توجه به محدودیت های دسترسی و ضرورت حفظ هویت مصاحبه شوندهگان، غالباً پرچالش بود. در بعضی موارد، مصاحبه کنندگان اثرات زخم و یا سایر علائم فیزیکی حاکی از وقوع بدرفتاری را مشاهده کردند. در موارد دیگر، ناهد امکان، سعی صورت گرفته است که صدق و کذب معلومات از طریق انجام مصاحبه با شاهدان، وکلای مدافع، مسؤلین دولتی و داکتران تایید و تثبیت گردد. در هر مرکز با چند نفر توقیف شده مصاحبه شد تا یک تصویر مشابه و معتبر به دست بیاید. این یافته ها با تصویر کلی از بدرفتاری با توقیف شدگان که از سال 2002 الی 2011 مطابق 1380-1390، یعنی قبل از انجام این تحقیق، مستند شده بود، مشابه است. توقیف شدگانی که در اوقات و موقعیت های مختلف مصاحبه شده اند، نیز گزارش هایی مشابهی از شکنجه و بدرفتاری ارائه کردند که به طور عموم با همدیگر همسان بوده است. در بسیاری از موارد، توقیف شدگان تقریباً از روش های یکسان بدرفتاری، مثلاً آویزان کردن و استفاده از ابزارمانند سیم برق برای لت و کوب، و نیز از مشابهت ها در ماهیت و طرق استنتاج خبر دادند.

شواهدی که در جریان تحقیق برای این گزارش ثبت گردیده است، با یافته های که در گزارش یوناما نشر شده بود، همسان بوده، تنها چهار نفر مصاحبه شونده از جمله کسانی میباشد که قبلاً توسط یوناما نیز مصاحبه شده بودند.

IV شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان مربوط با منازعه در افغانستان

در فاصله بین ماه های دلو 1389 و جدی 1390 (فبروری 2011 و جنوری 2012)، تعداد قابل ملاحظه ای از موارد شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیرانسانی یا موهن با توقیف شدگان مربوط به منازعه توسط مسؤلان اداره ریاست امنیت ملی و پولیس ملی را در 11 توقیفگاه مختلف در افغانستان توسط محققین ما مستند گردیده است. چندین طریقه و روش خاص، از جمله شوک برقی، موارد تهدید به سؤاستفاده جنسی و بدرفتاری با اعضای تناسلی توقیف شدگان و نیز شکنجه در مکان های نامعلوم شناسایی شده است.

⁶ در 17 دسامبر 2012 (27 قوس 1390)، رئیس جمهور کزی فرمانی را امضا کرد که به موجب آن کنترل زندان ها از وزارت عدلیه به وزارت امور داخله منتقل می شود. این فرمان از 10 جنوری 2012 (20 جدی 1390) نافذ شده است

حکومت افغانستان در سال های اخیر، یک سلسله گام های مثبتی را برای رسیدگی به ضعف های عمومی در سکتور عدلی برداشته است. حکومت افغانستان همچنان اقدامات دیگری را نیز برای بهبود رفتار با توقیف شدگان در داخل ریاست امنیت ملی، به خصوص به دنبال گزارش های بد رفتاری، رویدست گرفته است. این اقدامات شامل آموزش کارمندان ریاست امنیت ملی و ایجاد دو نهاد نظارتی جدید؛ یک کمیته دولتی برای بررسی و ارزیابی نگرانی های مطرح شده در گزارش اخیر یوناما در مورد توقیف خانه ها و یک واحد حقوق بشر که به توقیف شدگانی که در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی تحت تحقیق قرار دارند دسترسی و بر آنها نظارت خواهد داشت، می شود.⁷

هر چند حکومت افغانستان در زمینه اصلاحات پیشرفتی داشته و به حمایت از حقوق توقیف شدگان تعهد کرده است، ولی یافته ها نشان می دهد که شکنجه کماکان مشکلی عمده در بسیاری از مراکز توقیف است و برای رسیدگی به عمق و وسعت بد رفتاری با توقیف شدگان به اقدام جدی بیشتر از سوی حکومت افغانستان و شرکای بین المللی آن نیاز است.

روش های شکنجه

در قوانین بین المللی، شکنجه به "هر عملی که با اجرای آن درد یا رنج شدید جسمی یا روانی عمداً بالای یک شخص برای اهدافی چون به دست آوردن معلومات یا گرفتن اعتراف از وی یا شخص ثالث تحمیل میگردد، مجازات وی به خاطر عملی که خودش یا شخص ثالث مرتکب و یا مظنون به ارتکاب آن است، تهدید یا وادار کردن او یا شخص ثالث، برای هر دلیل مبنی بر هر نوع تبعیض"⁸ تعریف شده است. شکنجه زمانی رخ می دهد که چنین درد یا رنج توسط، یا به تحریک یا به رضایت و یا موافقت یک مأمور دولت یا شخص دیگری که در یک مقام رسمی عمل می کند، تحمیل گردد.⁹ شکنجه بر اساس قوانین افغانستان و قوانین بین المللی شدیداً ممنوع است.¹⁰

افرادی که برای تهیه این گزارش مصاحبه شده اند به خاطر اتهامات مربوط به منازعه توقیف یا مجرم شناخته شده بودند.¹¹ بر اساس مصاحبه های انجام شده با 118 نفر توقیف شده، موارد قابل ملاحظه ای که نشان می دهد که

⁷ یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیف گاه افغانستان، یادداشت فوق 3

⁸ کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیر آمیز (کنوانسیون ضد شکنجه یا (CAT)، مصوب 10 دسامبر 1984 (19 قوس 1363)، قطع نامه شماره 46/39 اجلاس عمومی، ضمیمه 39 ملل متحد، GAOR (1984) A/39/51 (No. 51) at 197, U.N. Doc. A/39/51 (1984) <http://www.ohchr2.org/htm.cat/law/english/org> (از این پس در این گزارش، "کنوانسیون منع شکنجه"). افغانستان کنوانسیون منع شکنجه را در 1 اپریل 1987 (12 حمل 1366) پذیرفت.

⁹ همان

¹⁰ قانون اساسی افغانستان، مصوب 26 جنوری 2004 (6 دلو 1382)، ماده 29، <http://www.afghanembassy.com.pl/cms/uploads/images/Constitution/The%20Constitution.pdf> (از این پس در این گزارش، "قانون اساسی افغانستان")، مطابق ماده 29 قانون اساسی افغانستان، "هیچ شخصی نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. همچنین به قانون جزای افغانستان، جریده رسمی شماره 347 (7 اکتوبر 1976-15 میزان 1355)، ماده 275 مراجعه کنید،

<http://www.asianlii.org/af/legis/laws/clc1976ogn347p1976100613550715a429.txt/cgi-bin/download.cgi/download/af/legis/laws/clc1976ogn347p1976100613550715a429.pdf>

از این پس در این گزارش، "قانون جزای افغانستان"). ماده 275 شکنجه را جرم می شمارد و بیان می دارد که اگر مسؤلان دولتی (به شمول همه مسؤلان ریاست امنیت ملی و پولیس ملی افغانستان) شخص متهمی را به خاطر اخذ یک اعتراف شکنجه کند، به حبس 5 الی 15 ساله محکوم می شوند.

¹¹ توقیف شدگان مرتبط با منازعه غالباً متهم به جرایمی هستند در قانون جزا (1976)، قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان (1987) و قانون مبارزه با جرایم تروریستی (2008) تدوین شده است. قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی دسته های از جرم را بر می شمار که ریاست امنیت ملی بررسی می کند. این کتگوری ها شامل موارد ذیل می شود ولی محدود

مأموران امنیت ملی یا پولیس ملی توقیف شدگان را در معرض رفتاری قرار دادند که براساس قوانین بین المللی و قوانین افغانستان شکنجه محسوب می شود، بر ملا گردید.

دریافت ها نشان میدهد که توقیف شدگان در معرض روش های گوناگون و توهین آمیز تحقیق توسط عاملان یا مأموران دولتی قرار گرفته اند که باعث درد یا رنج شدید فیزیکی یا روانی شان شده است و آن شکنجه به حساب می آید. این روش ها قرار ذیل است:

- لت و کوب (غالباً با لگد، مشت، کیل های برق، چوب، پیپ پلاستیکی)
- آویزان کردن (آویزان کردن با مچ ها یا بند های پا با زنجیر از روی دیوار)
- شوک برقی
- تهدید به سواستفاده جنسی
- پیچ دادن یا کش کردن اعضای تناسلی
- ایستادن اجباری طولانی
- سوختاندن با سگریت
- دندان گرفتن (توسط مستنطق ها)

لت و کوب، شکلی از بدرفتاری است که بیشتر از همه گزارش داده شده است. لت و کوب معمولاً با استفاده از ابزارهای متنوع مانند کیل برق، پیپ پلاستیکی و چوب برای چندین مرتبه و در جریان چندین روز صورت می گرفته است. یافته های این گزارش نشان میدهد که توقیف شدگان در بسیاری از مواردی که با لت و کوب مواجه شدند، با دستان شان یا به شکل وارونه با پاهای شان از دیوارها، سقف ها یا چفت و بست های ثابت برای چندین ساعت و در بعضی موارد به شکل مکرر برای چندین هفته آویزان شدند.¹²

چندین نوع از این روشها، از جمله شوک الکتریک، تهدید به سواستفاده جنسی و بدرفتاری با اعضای تناسلی، از سوی ریاست امنیت ملی به طور خاص و مؤکد رد شده است. یافته های این گزارش خلاف این انکار ریاست امنیت ملی را ثابت می کند و تأیید می کند که مأموران اداره ریاست امنیت ملی از روش های شکنجه ذکر شده در فوق برای تحقیق از توقیف شدگان کار گرفته اند.¹³ تحقیقات این گزارش شواهد معتبر اعمال شکنجه در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی در هرات، قندهار، لغمان و ریاست شماره 124/90 کابل را نشان میدهد. شواهد معتبر شکنجه در ریاست 40/17 کابل، مراکز توقیف ریاست امنیت ملی در ننگرهار، بدخشان، وردک و هلمند، مراکز توقیف پولیس ملی، از جمله قوماندانی های امنیه پولیس ملی و در مرکز اصلاح اطفال در ولایت هلمند نیز وجود داشته است.

شوک برقی

در جریان تحقیق به تعداد 14 ادعای معتبر توسط توقیف شدگان ریاست امنیت ملی مبنی بر این که در معرض شوک های برقی واقع شده اند، دریافت گردیده است. این ادعاها مخالف اظهارات رسمی است که گفته میشود استفاده از شوک برقی "در ریاست امنیت ملی مطلقاً وجود ندارد."¹⁴

توقیف شدگان اظهار داشتند که شوک های برقی اغلباً از طریق بستن سیم به پنجه های پای شان انجام می شد. یک توقیف شده که در ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی نگهداری می شود، چنین توضیح داد: "آنها دستان مرا می بستند و مرا در یک کرسی می نشاندند. بعداً دو گیره را بر پنجه های پایم قرار دادند و سپس این ماشین را با برق وصل کردند و مرا شوک برقی دادند. تحمل این کار بسیار سخت بود. آنها می خندیدند،

به این ها نیست: خیانت ملی، جاسوسی، تروریسم، سبوتاز، تبلیغات علیه حکومت، تبلیغات جنگ، کمک به نیروهای دشمن و فعالیت سازمان یافته علیه امنیت داخلی و خارجی. به ماده های 1-9، 23 مراجعه کنید.

¹² بسیاری از این روش ها با یافته های یوناما، به شمول آویزان کردن، ضرب و شتم، شوک الکتریک، تهدید به سواستفاده جنسی، ایستاده شدن اجباری و پیچ دادن اعضای تناسلی، همخوانی دارد و آنها را ثابت می کند. به یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 3 مراجعه کنید.

¹³ یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 61-62

¹⁴ یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 61-62

سگریت می کشیدند و مرا مورد تمسخر قرار می دادند. ما فریاد می زدیم، از درد فریاد می زدیم.¹⁵ توقیف شده دیگر اظهار داشت: "آنها سیم ها را به انگشتان دوم پام بستند. سپس آنها به من شوک های برقی دادند. این یک رفتار بسیار بد بود. درد فروان... پیوسته از من سؤالاتی می پرسیدند و می گفتند، اعتراف کن، اعتراف کن"¹⁶

توقیف شدگان دیگر استفاده شوک های برقی را در چندین قسمت بدن شان تعریف نمودند. مطابق گفته های یک توقیف شده، مستنطقین شوک های برقی را "بر دستان، شقیقه، زیر بغل ها و بیضه هایم انجام می دادند. آنها حدود پنج دقیقه از برق استفاده می کردند تا مرا به اعتراف وادارند."¹⁷ توقیف شده دیگر گفت که افرادی که از او تحقیق میکردند شوک های برقی را سه بار اعمال می کردند. هر دفعه از "یک نوع تفنگچه مثل تفنگ برای شوک" استفاده می کردند. [این] برق خاصی بود و در سراسر بدنم شوک وارد می کرد... هر مرتبه بر قسمت های مختلف بدنم استفاده می کردند.¹⁸

توقیف شدگان از درد شدید ناشی از شوک ها خبر دادند. یک توقیف شده گفت: "احساس کردم که نیم جان هستم. تمام بدنم می لرزید و قلبم با تندی زیاد می زد ولی من نمی توانستم حرکت کنم یا سخن بگویم."¹⁹ توقیف شده دیگر شوک برقی را به مثابه "بدترین مجازات" توصیف کرد؛ "شکنجه مردانگی و کرامت شما را نابود می کند."²⁰ در بعضی موارد، درد ناشی از شوک برقی باعث بی هوش شدن توقیف شدگان گردیده است. توقیف شده ای که 12 بار متوالی شوک داده شده بود گفت: "هر مرتبه، من از درد ناشی از شاک برقی بیهوش می شدم.. بعداً به هوش می آمدم و آنها دوباره مرا شوک می دادند."²¹

موارد تهدید به سواستفاده جنسی

دست اندرکاران این تحقیق، 10 گزارش معتبری مبنی بر این که مأموران ریاست امنیت ملی توقیف شدگان را به سواستفاده جنسی تهدید کرده اند، را دریافتند. این یافته ها، با ادعاهای ریاست امنیت ملی مبنی بر این که این رویه "مطلقاً وجود ندارد" و این که مأموران این ریاست هرگز از تهدید به سواستفاده های جنسی برای تحقیق و شکنجه توقیف شدگان استفاده نکرده اند، در تناقض قرار دارد.²²

دریافت ها نشان میدهند که مستنطقین از تهدید به تجاوز جنسی برای مجبور کردن توقیف شدگان به اعتراف، استفاده کرده اند. یک توقیف شده که در ریاست امنیت ملی در قندهار نگهداری می شود بیان داشت: "آنها گفتند که مرا مورد تجاوز جنسی قرار خواهند داد و یک بار، آنها عصا را برداشتند و با مرچ آغشتند و تهدید کردند که آن عصا را به مقدم فرو خواهند کرد. آنها تلاش کردند پتلونم را بیرون بکشند. زمانی که این کار را کردند، من به همه چیزهایی که آنها می خواستند، اعتراف کردم."²³ توقیف شدگان دیگر نیز با تهدیدهای مشابهی رو به رو شدند. یک توقیف شده دیگر چنین گفت: "آنها به من گفتند که شلوارم را خواهند کشید و مرا تا زمانی که اعتراف نکنم مورد تجاوز قرار خواهند داد."²⁴ توقیف شده دیگر اظهار داشت که بازجویان "تهدید کردند که بوتل پلاستیکی را به مقدم فرو خواهند برد. آنها از من پرسیدند که چند فرزند دارم، وقتی گفتم که پنج فرزند دارم، آنها گفتند، 'پنج تا برایت کافی است. آنها به من می گفتند: اگر حقیقت را به ما نگوئی، بوتل نصیبت خواهد شد. آنها تنبام را پایین کشیدند."²⁵

15 مصاحبه با توقیف شده شماره 99

16 مصاحبه با توقیف شده شماره 54

17 مصاحبه با توقیف شده شماره 46

18 مصاحبه با توقیف شده شماره 55

19 مصاحبه با توقیف شده شماره 101

20 مصاحبه با توقیف شده شماره 99

21 مصاحبه با توقیف شده شماره 54

22 یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 61-62

23 مصاحبه با توقیف شده شماره 46

24 مصاحبه با توقیف شده شماره 51

25 مصاحبه با توقیف شده شماره 6

دست اندر کاران این گزارش دریافتند که تهدیدهای خاصی که بر اساس گزارش ها توسط مستنطقین صورت گرفته با آنچه که در یافته های یوناما بازتاب یافته است، از جمله تهدید به شکل های تقریباً یکسان بدرفتاری، همخوانی دارد. هم کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان/بنیاد جامعه بازوهم یوناما گزارش هایی را از توقیف شدگان دریافت کردند که نشان می دهد که مستنطقین، توقیف شدگان را به سوءاستفاده جنسی با عصاهای آغشته به مرچ در ریاست امنیت ملی در قندهار و بوتل پلاستیکی در ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی تهدید کرده اند.

بدرفتاری با اعضای تناسلی توقیف شدگان

گزارشها از هشت فرد توقیف شده دال براینست که مأموران ریاست امنیت ملی با اعضای تناسلی آنها به شکل فیزیکی بدرفتاری نموده است. سه توقیف شده در ولایت قندهار، سه توقیف شده در ریاست 124/90 و یک توقیف شده در ریاست امنیت ملی ولایت هرات خبر دادند که مأموران در جریان تحقیق، اعضای تناسلی شان را پیچ و تاب دادند، با شلاق زدند یا به گونه دیگری مورد بدرفتاری قرار می دادند.²⁶ این گزارش ها در مخالفت صریح با اظهارات رسمی ریاست امنیت ملی قرار دارد که میگوید، بدرفتاری مانند "پیچ و تاب دادن ارگانهای جنسی و غیره در ریاست امنیت ملی قطعاً وجود ندارد."²⁷

یکی از این توقیف شدگان گفت که در طول مدت هفت روز "آنها بیضه ها و آلت مردانگی مرا چندین بار با کیبل زدند که بعد از آن خون در ادرارم پیدا شد. من دیگر توانایی جنسی ندارم. زمانی که به تشناب می روم، مرا اذیت می کند."²⁸

توقیف شدگان همچنان گزارش دادند که مستنطقین، وزنه های سنگینی را از بیضه های شان آویزان می کردند. یک توقیف شده شرح داد که چگونه درحالیکه در ریاست امنیت ملی قندهار بود، شکنجه گردید. وی گفت "از نزد مستنطقین آزاد شدم و مرا به اطاقم بردند تا کمی بخوابم. آنها بعداً یک کمپل را به من دادند. اما آن شب آنها مرا شکنجه کردند. آنها بیضه هایم را با یک طناب بستند و یک وزن آهنی را از طناب آویزان کردند. من نمی توانم دقیقاً به یاد بیاورم که (این کار) چقدر طول کشید ولی برای یک زمان طولانی بود. شکنجه مرا به اعتراف کردن به همه چیز مجبور کرد... من اعتراف کردم که با طالبان همکاری بودم."²⁹ توقیف شده دیگر گفت زمانی که در ریاست امنیت ملی در هرات بودم: "آنها چیز سنگینی را گرفتند و آن را به بیضه هایم بستند تا اینکه بسیار دردناک شد."³⁰

اعترافات توقیف شدگان که با استفاده از شکنجه گرفته شده

همانگونه که در فوق ذکر شد، قوانین بین المللی شکنجه را اعمالی تعریف می کند که در آن یا با رضایت یا موافقت مأمورین حکومتی انجام می شود که در نتیجه آن، درد یا رنج به خاطر 'اخذ یک اعتراف'، 'مجازات' یا 'ارباب یا اجبار یک فرد' یا بر مبنای دلایل 'تبعیض آلود' وارد می شود. طبق مصاحبه های انجام شده، در اکثریت موارد بدرفتاری، مأمورین دولتی افغانستان به خاطر گرفتن اعتراف یا مجبور ساختن به دادن معلومات، باعث ایجاد درد گردیده اند. شواهد جمع آوری شده نشان می دهد که آنان اغلباً از روش های خاص بدرفتاری که بر اساس قوانین بین المللی شکنجه محسوب می شود، در جریان تحقیق به منظور وادار ساختن توقیف شدگان به اعتراف یا اخذ معلومات استفاده میگردیده است. این یافته با یک گزارش قبلی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

²⁶ یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز با یافته های یوناما که چندین گزارش پیچ دادن یا کشیدن اعضای تناسلی توقیف شدگان را مستند کرده است، نیز همخوانی دارد. این نکته قابل توجه است که هم کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان/بنیاد جامعه باز و هم یوناما گزارش هایی را دریافت کردند که از این که بازجویان با اعضای تناسلی توقیف شدگان در ریاست 124/90 امنیت ملی و ریاست امنیت ملی در قندهار بد رفتاری کرده بودند، حکایت داشت.

²⁷ یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 61-62

²⁸ مصاحبه با زندانی شماره 6

²⁹ مصاحبه با زندانی شماره 47

³⁰ مصاحبه با توقیف شده شماره 86

همخوانی دارد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، در گزارش 2009 (1388) خود تحت عنوان **دلایل شکنجه در نهادهای مجری قانون**، اظهار نموده که: "یکی از انگیزه های اصلی شکنجه و سایر رفتارهای غیرانسانی اخذ اعترافات و گواهی ها است."³²³¹

بسیاری از توقیف شدگان مصاحبه شده که به جرایم اعتراف کرده اند گزارش دادند که آنها فقط بعد از متحمل شدن بدرفتاری شدید فیزیکی اعتراف کردند. یک توقیف شده چنین شرح داد: "من با کیبل مورد لت و کوب قرار گرفتم و زمانی اعتراف کردم که با طالبان ارتباط دارم که تحت لت و کوب قرار داشتم. من چنان تحت فشار شدیدی قرار داشتم که مجبور شوم اعتراف کنم. بعد از این که فشار تمام شد به آنها گفتم که من صرفاً به خاطر لت و کوب اعتراف کردم."³³ توقیف شده دیگر گزارش داد که فقط بعد از آن که بازجویان او را با سیم های برق لت و کوب میکردند و در معرض شوک برقی قرار میدادند و تهدید کردند که اگر به عضویت در گروه طالبان اعتراف نکند، "اعضای [ایش] را باز می کنند"، اعتراف کرده است.³⁴

در بسیاری از موارد، مستنطقین شکنجه کردن فرد توقیف شده را بعد از اعترافش متوقف می کردند. این نشاندهنده اینست که بدرفتاری به منظور گرفتن اعتراف و یا معلومات انجام می شده است. طوریکه یک توقیف شده توضیح داد: "من قبل از اعتراف، نتوانستم بیشتر از دو روز تاب بیاورم. ریاست امنیت ملی فقط می خواست ما را به زندان مرکزی بفرستد و بنابراین آنها نشان انگشتم را [روی اعتراف نامه] می خواستند. بعد از آن که آنها نشان انگشت مرا گرفتند، دیگر شکنجه نکردند."³⁵ شخص مذکور قبل از اعتراف مورد لت و کوب با سیم های برق واقع شده بود و همچنان با اعضای تناسلی اش بدرفتاری فیزیکی صورت گرفته بود.

توقیف شده دیگر شرح داد که تا چه اندازه توسط مأموران امنیت ملی در ریاست 124/90 شکنجه گردید تا این که اعتراف کرد. وی گفت: "برای پنج شبانه روز برای مدت های طولانی سرچپه آویزان بودم. آنها مرا با پیپ های پلاستیکی پی وی سی میزدند، آنها بر پشت پاهایم و هر جای دیگر بدنم میزدند. دیگر نمی توانستم لت و کوب ها و شکنجه را تحمل کنم و نمی خواستم بیشتر از این مرا لت و کوب کنند، بناً نشان انگشت خود را روی کاغذ گذاشتم. من برای مدت ده روز در ریاست 124/90 [بودم و بعد از آن که نشان انگشت خود را روی کاغذ گذاشتم، شکنجه شدن متوقف شد و مرا به ریاست 40/17] انتقال دادند."³⁶ توقیف شدگان خودشان روند را تشخیص دادند که مطابق آن، بدرفتاری بعد از اخذ یک اعتراف توسط مأموران ریاست امنیت ملی، متوقف می شد: "او گفت فکر می کنم نصف زندانیان، مثل من، به اعتراف مجبور شده اند. زمانی که ما را دستگیر می کنند، در همان آغاز شکنجه می دهند ولی بعد از این که اعتراف گرفتند، شکنجه متوقف میگردد."³⁷

عده ای از توقیف شدگان مدعی بودند که به اعترافات دروغین مجبور می شدند.³⁸ یک نفر توقیف شده گفت که بعد از 25 روز شکنجه، که شامل آویزان کردن، لت و کوب شدید با پیپ و کیبل بر پاهای سر و اعضای تناسلی

³¹ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، *علل شکنجه در نهادهای مجری قانون*، اپریل 2009 (حمل 1388)، صفحه 16، که در این سایت <http://www.aihrc.org.af/english/> موجود است [از این پس در این گزارش، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، *علل شکنجه در نهادهای مجری قانون*].

³² به گزارش یونما مراجعه شود.

³³ مصاحبه با توقیف شده شماره 45

³⁴ مصاحبه با توقیف شده شمار 7

³⁵ مصاحبه با زندانی شماره 86

³⁶ مصاحبه با توقیف شده 12. توقیف شدگان معمولاً قبل از انتقال به ریاست 40/17 در ابتدا در ریاست 124/90 مورد بازجویی قرار می گیرند

³⁷ مصاحبه با زندانی شماره 80

³⁸ شواهد فراوانی وجود دارد مبنی بر این که کاربرد شکنجه در بازجویی ها می تواند به اعترافات دروغین و معلومات غیرقابل اعتماد بینجامد. به جوان ای. میندیز، گزارش گزارشگر ویژه ملل متحد در مورد شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات بی رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، شورای حقوق بشر ملل متحد، فیروزی 2011 (دلو 1389)؛ سال ام. کاسین و گیسلی ایچ. گودیانسون، "روان شناسی اعترافات: مروری بر ادبیات و مسایل"، علم روان شناختی در منفعت عمومی، جلد 5، شماره 2 (نوامبر 2004-عقرب 1383)، صص 67-33

ریچاردای. لیووریچاردی. افشی، "پیامدهای اعترافات دروغین: محرومیتها از آزادی و شکست عدالت در عصر بازجویی روانی"، ژورنال قانون جزا و جرم شناسی، جلد 88، شماره 2 (زمستان 1998)، صص 429-496؛ بارپاکسین، "شکنجه چه مشکل دارد؟"، ژورنال

اش و تهدیدها به سؤاستفاده جنسی می شد، به شکل دروغین اعتراف کرد. "آنها مرا تا سرحد اعتراف شکنجه کردند... این یک اعتراف اجباری بود. چیزی را که من گفتم حقیقت نداشت."³⁹ توقیف شده دیگر که در ریاست امنیت ملی قندهار تحت تحقیق قرار گرفته بود گفت: "من سه بار در ریاست امنیت ملی مورد تحقیق قرار گرفتم. هر مرتبه، با دست، مشت و کیبل مورد لت و کوب قرار می‌گرفتم. یک مرتبه، با کیبل لت و کوب شدم و هنگامی که تحت لت و کوب قرار داشتم اعتراف کردم که با طالبان ارتباط دارم. آنها گفتند: "تمبان خود را بکش" و تهدید کردند که عصا را [در مقعم] داخل خواهند کرد. من تحت فشار فوق العاده قرار داشتم تا اعتراف کردم." اما توقیف شده اصرار داشت که اعترافش اجباری و دروغ بوده است. او اظهارداشت: "بعد از این که [شکنجه] تمام شد، به آنها گفتم که من فقط به خاطر لت و کوب اعتراف کردم. ولی آنها به این حرفم با لت و کوب مجدد پاسخ دادند. به آنها گفتم که به خداوند و به فرزندانم قسم می‌خورم که من بی گناه هستم."⁴⁰

ناکامی در حذف اعترافات اجباری در محکمه

مطابق به قوانین افغانستان، اعترافاتی که تحت فشار گرفته می شود در محکمه قابل قبول نیست.⁴¹ بهر حال، مصاحبه های انجام شده و تجربه طولانی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امر نظارت بر محاکم افغانستان، نشان میدهد که قضات در افغانستان غالباً اعترافات توقیف شدگان را قبول میکنند حتی اگر توقیف شدگان به محکمه بگویند که اعترافات شان با استفاده از شکنجه و تحت اجبار گرفته شده است.

در جریان تحقیق این گزارش، چندین توقیف شده، ادعا کردند که آنها بر مبنای اعترافات اجباری مجرم شناخته شدند.⁴² مطابق گفته های یک توقیف شده، او بر بنیاد اعترافی که بعد از یک و نیم ماه شکنجه توسط مأموران امنیت ملی گرفته شده بود مجرم شناخته شد و به حبس محکوم گردید. او بیان داشت: "آنها به داخل اطاق میآمدند و دو یا سه بار در روز و معمولاً یک بار در شب مرا لت و کوب می کردند. هر بار که مرا لت و کوب می کردند، سؤال هایی نیز از من می پرسیدند. آنها مرا روی زمین می خوابانیدند و پاهایم را می بستند و سپس با کیبل به پاهایم میزدند. رنگ پاهایم مانند رنگ پیراهن شما سیاه می شد. یک بار... آنها شلوارم را پایین آوردند. طبیعی است که من این اعتراف نامه را امضا کردم و نام خود را روی آن نوشتم و آن را مهر کردم." محکمه هم اعتراف او را پذیرفت و او را به 16 سال زندان محکوم کرد.⁴³ یک وکیل مدافع از قندهار چنین شکایت کرد: "ما از محاکم راضی نیستیم. اعتراف در نتیجه اعمال فشار از طریق شکنجه، لت و کوب و غیره حاصل می شود و ما به محکمه می گوئیم که اعتراف از طرق غیرقانونی به دست آمده و مطابق قانون اساسی این درست نیست. ولی قضات به ما گوش نمی دهند."⁴⁴

موقعیت های تحقیق

مطالعات بین المللی بریتانیا، جلد 2، شماره 2 (جولای 1976- سرطان 1355)، کریستوفر کوئز، "شکنجه، ضرورت و سیاست وجودی"، کالیفرنیا لاریویو، شماره 98، 1 (فبروری 2007-دلو 1385)، صص 235-276؛ پیتر فینو یابیواریک، "رفتار شکنج با توقیف شده هیچ توطئه ایراختی نکرد"، واشنگتن پست، 29 مارچ 2009، <http://www.washingtonpost.com/wp-2009-03-28/AR2009032802066.html>، dyn/content/article/2009/03/28/AR2009032802066.html، قانون اساسی جامعه، 2007، "فرانسه/آلمان و بریتانیا، هیچ سوالی از همکاری استخباراتی با کشورهای که شکنجه میکنند پسیده نشده است"، دیدبان حقوق بشر، جون 2011، <http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/ct0610webwcover.pdf>، 2011

³⁹ مصاحبه با توقیفی شماره 6

⁴⁰ مصاحبه با توقیف شده شماره 45

⁴¹ ماده 30 قانون اساسی افغانستان؛ بند 5 ماده 5 و ماده 7 اصول محاکمات جزایی موقت

⁴² قبول اعترافات اجباری توسط قضات افغان توسط یوناما نیز ثبت شده است که در گزارش 2011 خود از توقیف ها دریافت که "حتی در مواردی که وکلای مدافع مسأله اعتراف اجباری از طریق شکنجه را مطرح کردند، محاکم معمولاً درخواست را رد می کنند و اجازه می دهد که اعتراف به عنوان شواهد استفاده شود." به یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 7. همچنین ملل متحد در گزارش 2009 خود در باره توقیف های خودسرانه مشاهده کرد که "قاضی ها لزوماً ادعاهای این که شواهد، از جمله اعترافات، از طریق اجبار گرفته شده است را بررسی نمی کردند. پیامد این امر این [است] که تعدادی از 'اعترافات' اجباری ممکن است به عنوان شواهد پذیرفته شده باشد." توقیف خودسرانه در افغانستان: ضرورتی به اقدام، جلد 2، جنوری 2009 (جدی 1388)، [از این پس در این گزارش، یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2]، صفحه 65

⁴³ مصاحبه با توقیف شده شماره 6

⁴⁴ مصاحبه با وکیل مدافع 16

دست اندرکاران این تحقیق در نه توقیفگاه جداگانه ریاست امنیت ملی به شواهد معتبر شکنجه دست یافتند:⁴⁵

- ریاست امنیت ملی کابل (ریاست 124/90)
- ریاست امنیت ملی هرات
- ریاست امنیت ملی قندهار
- ریاست امنیت ملی لغمان
- ریاست امنیت ملی بدخشان
- ریاست امنیت ملی هلمند
- ریاست امنیت ملی کابل، ریاست 40/17
- ریاست امنیت ملی ننگرهار
- ریاست امنیت ملی وردک

ریاست امنیت ملی 124/90 کابل

مصاحبه های انجام شده با توقیف شدگان نشان می دهد که شکنجه یک مشکل خاص و جدی در ریاست 124/90 مبارزه با تروریسم ریاست امنیت ملی در کابل به شمار می رود.

در ریاست شماره 124/90 ریاست امنیت ملی، مظنونان "مهم (High Value)" تروریسم، به شمول کسانی که به داشتن پست هایی بلند در جبهه ضد حکومتی یا دست داشتن در حملات بر مواضع مهم مظنون هستند، نگهداری می شوند. هرچند برای اجازه مصاحبه با توقیف شدگانی که در ریاست 124/90 قرار دارند، مکرراً درخواست صورت گرفت ولی ریاست امنیت ملی از دادن چنین اجازه ای امتناع ورزید.⁴⁶ اما دست اندرکاران این تحقیق، با توقیف شدگانی که از ریاست 124/90 کابل رها و یا به مراکز دیگر انتقال داده شده بودند، مصاحبه کردند. دریافت ها نشان میدهند که 11 نفر از 12 توقیف شده مصاحبه شده که در ریاست 124/90 امنیت ملی نگهداری شده بودند از مواجهه با تکنیک های توهین آمیز تحقیق که شکنجه محسوب می شود، خبر دادند.⁴⁷

توقیف شدگان در اداره 124/90 ریاست امنیت ملی از مواجه شدن با اشکال مختلف شکنجه خبر دادند. تعداد قابل ملاحظه ای از توقیف شدگان از اویزان شدن و مورد لت و کوب قرار گرفتن و نیز تهدید به سواستفاده جنسی خبر دادند. اشکال دیگری بدرفتاری نیز گزارش شده که شامل سوزاندن با سگریت و کشیده شدن بروی تخته چوبی میباشد.

بسیاری از توقیف شدگان از مواجه شدن با لت و کوب مکرر و شدید در جریان تحقیق ها در ریاست 124/90 ریاست امنیت ملی خبر دادند. یک توقیف شده گفت: "در جریان استنطاق، با بوت و کتاب به سر و بدنم می زدند و از ریشم گرفته سرم را به دیوار می زدند. این لت و کوب ها حداقل ده بار در جریان یک ماه تحقیق از من اتفاق افتاد."⁴⁸ توقیف شده دیگر چنین گزارش داد: "آنها مرا بر دستان و زانوهایم قرار می داند و سپس با کیبل های برق و یک پیپ دراز و سنگین بر پشتم می زدند... من فقط در جریان تحقیق مورد لت و کوب قرار می گرفتم، آنها از می خواستند به طالب یا انتحاری بودن اعتراف کنم. این لت و کوب ها حداقل روز یک مرتبه و گاهی بیشتر اتفاق می افتاد. یک مرتبه، در یک شب چهار بار مورد لت و کوب قرار گرفتم. من چنان در یک حالت بد قرار داشتم که

⁴⁵ یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز در ریاست امنیت ملی کابل (ریاست 124/90)، ریاست امنیت ملی قندهار، ریاست امنیت ملی قندهار و ریاست امنیت ملی لغمان با یافته های یوناما از این که شکنجه در این مراکز توقیف خاص اعمال شده است، همخوانی دارد. و یا اینکه در این راپور اسم توقیفگاه های امنیت ملی بصورت ولایات گرفته شده است مقصد از آن توقیفگاه های مرکزی امنیت ملی که در مرکز ولایت قرار دارد میباشد.

⁴⁶ یوناما نیز از عدم دسترسی به ریاست 124/90 خبر داد. یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 18. علیرغم درخواست های مکرر، ریاست امنیت ملی به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه دسترسی به ریاست 124/90 کابل را نداده است.

⁴⁷ به گزارش یوناما مراجعه گردد.

⁴⁸ مصاحبه با توقیف شده شماره 1

حتی نمی توانستم به تشناب بروم. باید با سینه خود می خریدم... قبل از این که من به اینجا [به زندان] بیایم، ریشم سیاه بود اما حالا نصف ریشم، سفید شده است.⁴⁹

مطابق گفته های توقیف شدگانی که در اداره 124/90 ریاست امنیت ملی نگهداری می شدند، این گونه لت و کوب ها در توقیفگاه يك روش معمول بود. طوری که یک توقیف شده چنین توضیح داد: "مردم زیادی مورد لت و کوب قرار می گرفتند. ما، همه به زیر زمین آورده میشدیم. زیر زمین شکنجه گاه بود به دکان قصابی میماند. یعنی هر جا خون بود، فریادهای زیاد را می شنیدید. فکر میکردید که حیوانات جیغ می زنند. زمانی که فریاد می کشیدیم، محافظین توقیفگاه مشت های شان را زیر زرخ های مامیگذاشتند تا صدای ما را متوقف کنند."⁵⁰

توقیف شدگان همچنان از آویزان شدن از دیوار یا سقف برای چندین روز نیز خبر دادند. یک توقیف شده شرح داد که چگونه در حالی که دستانش با دستبند بسته بود و پاهایش "به مشکل به زمین می رسید" برای مدت 11 روز از سقف آویزان شده بود: "من از این حالت فقط برای خوردن، نماز خواندن، تشناب رفتن و برای لت و کوب شدن دوباره رها می شدم. من از مستنطقین التماس میکردم تا استراحت نمایم." ⁵¹ توقیف شده دیگر که برای هفت روز آویزان شده بود گفت: "آنها چشمانم را بستند و مرا از دیوار آویزان کردند به گونه ای که پاهایم به زمین نرسد. آنها مرا وقت غذا خوردن و معمولاً زمان ادای نماز پایین می کردند... من در طول این مدت بی حس بودم- پاهایم در اثر آویزان کردن پندیده بود. نمی دانستم که این پاهای من است، زیرا بحدی پندیده بود که عجیب معلوم میشد."⁵²

توقیف شدگان دیگر که نیز در اداره 124/90 ریاست امنیت ملی تحت توقیف بودند گزارش دادند زمانیکه آویزان بودند، مورد لت و کوب قرار می گرفتند. يك توقیف شده گفت که برای مدت زمانی زیادی سر چپه آویزان بودو حینکه آویزان بود، در موارد متعددی مورد لت و کوب قرار گرفت. این توقیف شده گزارش داد که در نتیجه این رفتار، انگشت پایش و پایش شکست.⁵³

چندین شکل دیگر شکنجه نیز توسط توقیف شدگانی که در ریاست 124/90 نگهداری می شدند گزارش شده است. طور مثال: یک توقیف شده اظهار داشت که بر "تخته چوبی دراز قرار داده شده و در دو جهت کشیده می شد."⁵⁴ همچنان توقیف شده دیگر گزارش داد که مستنطقین در جریان تحقیق، دستانش را با سگریت می سوختانده است.⁵⁵

ریاست امنیت ملی هرات

دست اندرکاران این گزارش به شواهد شکنجه در ریاست امنیت ملی در هرات دست یافتند در حالیکه نظارت به تاریخ 24 دلو 1390 (13 فبروری 2012) نشان دهنده شواهد بهبود برخورد با توقیفیها میباشد و گزارش هایی که از هفت توقیف شده دریافت شده حاکی از آن است که آنها در جریان تحقیق در ریاست امنیت ملی هرات با بدرفتاری، به شمول لت و کوب و آویزان کردن، مواجه شده اند.⁵⁶

هرچند بسیاری از این موارد قبل از انجام بازرسی های آیساف در واکنش به گزارش یوناما رخ داده بود، ولی یک مورد بدرفتاری بعد از بازرسی ریاست امنیت ملی هرات توسط آیساف صورت گرفته است. یک توقیف شده 15 ساله گزارش داد که وی توسط پولیس محلی افغانستان دستگیر و سپس به ریاست امنیت ملی هرات در حوالی 5 نوامبر 2011 (14 عقرب 1390) انتقال داده شد. این توقیف شده گزارش داد که توسط مأموران ریاست امنیت ملی در ریاست امنیت ملی هرات از تاریخ 9 نوامبر 2011 (18 عقرب 1390) به بعد برای چندین روز مورد لت

⁴⁹ مصاحبه با زندانی شماره 9

⁵⁰ مصاحبه با توقیف شده شماره 6

⁵¹ مصاحبه با توقیف شده شماره 9

⁵² مصاحبه با توقیفی شماره 6

⁵³ مصاحبه با زندانی شماره 12

⁵⁴ مصاحبه با توقیف شده شماره 9

⁵⁵ مصاحبه با توقیفی شماره 2

⁵⁶ این یافته با یافته یوناما در باره شکنجه سیستماتیک در ریاست امنیت ملی هرات همخوانی دارد.

وکوب قرار گرفت. " من با کیبل برقی پیچخورده مورد لت وکوب قرار گرفتم. آنها تا زمانی به سرم کوبیدند که دیگر چیزی احساس نمی‌کردم و اشک از چشمانم جاری بود. "57 وی اظهار داشت که به صورت منظم در کانتینری که در داخل توقیفگاه ریاست امنیت ملی قرار داشت مورد لت و کوب قرار می‌گرفت. او همچنان شرح داد که مجبور می‌شد برای یک الی یک و نیم ساعت در اتاقی که در نزدیکی همان کانتینر قرار داشت با سینه بخوابد و آنها به پشت او می‌زدند. مأموران ریاست امنیت ملی، در حالیکه با توقیف شده بدرفتاری می‌کردند از او خواستند که نام طالبان که با او در همان مکتب هستند، را بگیرد. وی گفت که اعترافش در اثر اجبار گرفته شد زیرا به اندازه ای توسط کیبل لت وکوب شده بود که گیج شده بود و نمیدانست چه گفته است. "58

شواهد شکنجه در سایر محلات توقیف ریاست امنیت ملی⁵⁹

دست اندر کاران این گزارش با دو فردی که در ریاست امنیت ملی میدان وردک در توقیف قرار داشتند مصاحبه کردند. آنها از مواجه شدن با شکنجه، به شمول آویزان کردن و لت وکوب، خبر دادند. یک توقیف شده گفت: " آنها مرا آویزان کردند و از انواع مختلف شکنجه کار گرفتند. این بسیار مشکل بود؛ آنها از کیبل های برقی، عصای چوبی و و میله های فلزی استفاده می‌کردند و ما را سرچپه آویزان می‌کردند. آنها سوالاتی می‌پرسیدند /ومی گفتند/ به ما در باره روابطی که داری/ و این که/ طالب هستی بگو... این چیزها را قبول نموده و اعتراف کن. آنها با سبلی و لگد ما را میزدند... این رفتار، یک رفتار بسیار بسیار بد بود. "60 توقیف شده دیگر نیز از روش های مشابه لت وکوب و آویزان کردن و نیز ایستاده شدن اجباری خبر دادند. او گفت: " آنها مرا رو به روی یک دیوار ایستاده کردند، یک پایم را به دیوار بستند و مرا به ایستاده شدن روی یک پا مجبور کردند. اگر من نمی‌توانستم ایستاده شوم و تعادل خود را حفظ کنم، مرا می‌زدند... آنها مرا بسیار زدند. آنها از پیپ پلاستیکی، ریسمان و پلاستیک استفاده کرده بودند تا پایم را ببندند. آنها پاهایم را بستند و آنرا به یک چرخ که در سقف بود بسته کردند و مرا سرچپه آویزان کردند. " وی همچنان اضافه نمود در حالی که سرچپه آویزان بودم، مستنطقین مرا " بالا و پایین می‌کردند و سرم را به شدت به زمین می‌زدند. "61

در عین حال شواهد شکنجه و بدرفتاری، به شمول لت وکوب، آویزان کردن و دندان گرفتن، در هفت مورد در اداره 40/17 کابل ریاست امنیت ملی، به دست آمده است. که تازه ترین این ادعاها به ماه آگست 2011 (اسد 1390) بر میگردد. یک توقیف شده از موارد لت وکوب، آویزان کردن و لت و کوب در حال آویزان بودن خبر داد. ⁶² توقیف شده دیگر نیز گزارش داد که در جریان توقیف اش در ریاست 40/17 با لت و کوب شدید قسمت پایین بدنش مواجه بوده است. او همچنین از این که توسط مستنطقین دندان گرفته شده بود نیز خبر داد؛ همکاران ما چاپ دو جای دندان گرفتگی را در ساق پای چپ و قسمت بالایی پای راست او مشاهده کردند. ⁶³

دست اندر کاران این تحقیق هشت مورد ادعای معتبر شکنجه را در ریاست امنیت ملی ننگرهار ثبت کردند. یک توقیف شده اظهار داشت که در جریان 11 روز طور مکرر چوب زده شد. این توقیف شده گزارش داد که بعد از یک بار لت وکوب، او را مجبور ساختند تا برای مدت 30 دقیقه زیر باران، عریان ایستاده شود. او بیان داشت " که این لت و کوب ها به اندازه شدید و دردناک بود که لباس زندان ام را تحمل نمیتوانستم. " ⁶⁴ توقیف شده ای دیگری نیز از لت و کوب با چوب و دیگری با چوب و سیم برق خبر داد. ⁶⁵ یک توقیف شده که در ریاست امنیت ملی ننگرهار تحت توقیف بود، گزارش داد که در طول یک دوره 20 روزه با اشکال گوناگون شکنجه به شمول آویزان کردن، شوک برقی و لت وکوب های شدید با توته چوب، مواجه بود. ⁶⁶

57 مصاحبه با زندانی شماره 91

58 مصاحبه با توقیف شده شماره 91

59 به گزارش یونما مراجعه گردد.

60 مصاحبه با توقیف شده شماره 98

61 مصاحبه با توقیف شده شماره 99

62 مصاحبه با توقیفی شماره 12

63 مصاحبه با توقیف شده شماره 13

64 مصاحبه با توقیف شده شماره 25

65 مصاحبه با توقیف شدگان شماره 32، 33 و 30

66 مصاحبه با توقیفی شماره 24. باید خاطر نشان ساخت که این توقیف شده دو سال قبل در ریاست امنیت ملی ننگرهار نگهداری می‌شد، هرچند میان شکایت هایش در باره بدرفتاری با شکایت های توقیف شدگان تازه تر ناهمخوانی وجود ندارد.

دست اندرکاران این تحقیق به شواهد شکنجه در دو مورد، به شمول لت و کوب های شدید در ریاست امنیت ملی لشکرگاه، یک زندانی ادعا نمود که سوء رفتار به تاریخ جدی 1390 (جنوری 2011) واقع شده و دیگری ادعا نمود که سوء رفتار به تاریخ میزان 1390 (اکتوبر 2011) واقع شده است و یک زندانی دیگر نیز گزارش شده که در توقیفگاه امنیت ملی ولسوالی نادعلی که مورد سوء رفتار قرار گرفته دست یافتند. هرچند اکثر توقیف شدگانی که مصاحبه شدند از هیچ بدرفتاری خبر ندادند. یک توقیف شده بیان داشت: " آنها / مستنطقین / با پیپ سخت آهنی به پشت و پاهایم زدند... آنها با مشت های شان نیز ما را مورد لت و کوب قرار دادند. آنها همچنان ما را مورد لت و کوب قرار می دادند. آنها از این کار شان دست نمیکشیدند... وی گفت: آنها شما را تا زمانی که خودتان نگویید که با طالبان روابط دارید، می زنند." 67 وی همچنان اشاره کرد: که توقیف شدگانی که شکنجه شده بودند، زمانی که ناظرین بیرونی از این مرکز بازدید می کردند، به یک اتاق جداگانه برده می شدند. " زمانی که مقامات بلند رتبه به ریاست امنیت ملی می آمدند، آنها ما را (کسانی که شکنجه شده بودند) در جایی دیگری نگهداری می کردند تا دیده نشویم. در آنجا یک اتاق زیرزمینی وجود داشت." 68

برای تهیه این گزارش با پنج قربانی بدرفتاری و شکنجه در ریاست امنیت ملی بدخشان نیز مصاحبه صورت گرفت. طبق گزارش ها، یک توقیف شده بین دو درخت بسته شده و تا زمانی مورد لت و کوب قرار گرفته بود که بیهوش گردد. وی پس از سه روز توقیف و تحقیق توسط ریاست امنیت ملی، بالاخره آزاد شد. توقیف شده دیگر در امریت امنیت ملی در ولسوالی کشم (در ولایت بدخشان) با لگد، مشت و قنذاق تفنگ مأمورین امنیت ملی مورد لت و کوب قرار گرفت و بعداً به ریاست امنیت ملی در بدخشان منتقل شد. وی این بار توسط رئیس تحقیق اداره امنیت ملی در بدخشان با چوب مورد لت و کوب قرار گرفت. مسول اداره امنیت ملی در ولسوالی کیشم و همچنان رئیس تحقیق ریاست امنیت ملی در بدخشان هر دو در صحبت با کمیسیون مستقل حقوق بشر اذعان کردند که با فرد توقیف شده بدرفتاری صورت گرفته است. شواهد تصویری از نشانه ها، کبودی و پارگی ها در پشت، پاها و شانه های توقیف شده موجود است. 69 در جریان تحقیق و نظارت چهار موارد سوء رفتار در امنیت ملی ولایت لغمان گزارش شده است؛ تازه ترین مورد سوء رفتار به تاریخ سرطان 1390 (جولای 2011) گزارش شده است.

ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان موارد قابل ملاحظه ادعا های سوء رفتار در امنیت ملی قندهار، جمله 20 مورد در طول مدت تحقیقات بدست آورده است که، تازه ترین نظارت ناظرین از امنیت ملی قندهار به تاریخ جدی 1390 (جنوری 2012) بوده و 10 مورد ثبت گردیده است.

شکنجه و بدرفتاری در توقیفگاه هاییکه مربوط به ریاست امنیت ملی نیست و دربرگیرنده توقیف شدگان مرتبط با منازعه است

مرکز اصلاح اطفال در ولایت هلمند

همکاران ما به شواهد معتبر در مورد بدرفتاری در مرکز اصلاح اطفال در ولایت هلمند دست یافته اند. اینکه اشخاصیکه از بدرفتاری خبردادند خودشان توقیف شدگان مربوط به منازعه هستند یا خیر، واضح نیست. ولی ریاست امنیت ملی در ولایت هلمند به طور منظم توقیف شدگان طفل مربوط به منازعه را به این مرکز انتقال می دهند.

گزارش های بدرفتاری در مرکز اصلاح اطفال در ولایت هلمند شامل سؤاستفاده جنسی و لت و کوب های معمول می شود. یک توقیف شده گزارش داد که در مرکز اصلاح سه طفل بود که بطور منظم توسط رئیس و پسر رئیس مورد تجاوز جنسی قرار می گرفتند. " آنها برای چندین بار، مورد سو استفاده قرار گرفتند. هر وقت که بخواهند، از آنها سؤاستفاده می کنند... این کار خارج از مرکز اتفاق خواهد افتاد /وی به ناحیه پشت سر ساختمانی که توقیف

67 مصاحبه با توقیف شده شماره 80

68 همان

69 مصاحبه با زندانیان شماره 104، 105، 106، 107 و 108

شدگان در آنجا نگهداری می شوند، اشاره می کند]. آنها حتی می توانند این کار را براحتی در این دفتر نیز انجام دهند.⁷⁰

یک توقیف شده به ما گفت که چندین بار با مشت و میله آهنی مورد لت و کوب قرار گرفته است. او همچنان اظهار داشت: "یک مرتبه، رئیس ما را ایستاده کردند. بعد از آن که ما برای یک مدت طولانی ایستاده شدیم، او بالای ما فریاد کشید: شما چرا ایستاده هستید؟ و مرا زد... [ما] با پیپ مورد لت و کوب بسیار سخت قرار میگیریم. من در اثر لت و کوب زخمی بر پشتم دارم. زخم در حدود یک اینچ در قسمت راست ناحیه پشت او برای مصاحبه کنندگان مشهود بود. او ادامه داد: "اگر شما به رانهای پسران زندانی نگاه کنید، خواهید دید که آنها با پیپ مورد لت و کوب قرار گرفته و شما جای زخم های شان را خواهید دید."⁷¹

مسئولین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این گزارش سؤاستفاده جنسی را از طریق مصاحبه با تمام توقیف شدگان در مرکز اصلاح اطفال در ولایت هلمند پیگیری کردند. یافته های بررسی آنها نشان میدهد که ادعاهای بدرفتاری، به شمول سؤاستفاده جنسی، صحت دارد. ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر گزارش هایی را دریافت کردند که نشان میدهد اطفال تحت توقیف تهدید شده بودند که درباره بدرفتاری با ناظرین کمیسیون صحبت نکنند و اینکه در گذشته، اطفال تحت توقیف به خاطر افشای بدرفتاری در مصاحبه با ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مورد لت و کوب قرار گرفته اند.

در نتیجه یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، والی هلمند رئیس مرکز اصلاح اطفال در این ولایت را در حوالی 21 ماه جولای 2011 (30 سرطان 1390) برکنار کرد. رئیس مرکز در فاصله چند روز بعد از بررسی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برکنار شد. اقدام سریعی که مورد استقبال قرار می گیرد و بیانگر اعتبار و جدی بودن یافته های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. اما این موضوع هنوز روشن نیست که این فرد به خاطر جرمی که مرتکب شده بود، مورد تعقیب عدلی و پیگرد قانونی قرار گرفت یا خیر.

مراکز توقیف پولیس ملی افغانستان در قندهار

برای تهیه این گزارش با چندین فردی که توسط پولیس ملی افغانستان در ولایت قندهار توقیف شده بودند مصاحبه صورت گرفت. این مصاحبه شونندگان گزارش دادند که زمانیکه درتوقیفگاه پولیس ملی افغانستان تحت توقیف بودند، مورد بدرفتاری و شکنجه قرار گرفتند.

براساس گزارش ها، توقیف شدگان در مکان های رسمی و غیررسمی مختلف به شمول محل تلاشی پولیس، قوماندانی امنیه و سایر مراکز پولیس ملی افغانستان در ولایت قندهار شکنجه شده اند. از روشهای مختلف شکنجه استفاده شده است و این روش ها به طور کلی شبیه روش هایی است که از سوی مأموران ریاست امنیت ملی، به شمول لت و کوب با لگد، مشت، کیبل و سیم برق، خفه کردن، شوک برقی و فشاردادن بیضه ها، استفاده میشود.⁷² یک توقیف شده گزارش داد که وی در یک مرکز توقیف غیررسمی مورد تحقیق و شکنجه قرار گرفت (به بخش زیر نگاه کنید).

چندین توقیف شده از شکنجه شدن در زمان توقیف در تعمیر قوماندانی امنیه پولیس ملی خبر دادند. یکی از توقیف شده اظهار داشت که تحقیق کنندگان "مرا از گردنم می گرفتند تا اینکه من بیهوش میشدم. آنها بعداً مرا بسیار سخت با لگد می زدند... و من باید در اطاق زندان ادرار میکردم، و مجبور بودم بالای ادرار خودم بخوابم. پولیس به من گفت که نباید چیزهایی را که در آنجا اتفاق افتاده بود به کسی بگویم. آنها با ما مثل حیوانات رفتار می کردند."⁷³

⁷⁰ همان

⁷¹ مصاحبه با توقیف شده شماره 83

⁷² این یافته ها با گزارش یوناما از شکنجه و بدرفتاری در مراکز توقیف پولیس ملی افغانستان در قندهار همخوانی دارد و آن را تأیید می کند. به یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 36-37 مراجعه کنید

⁷³ مصاحبه با توقیف شده شماره 44

توقیف شدگان از شکنجه شدن در حال توقیف در محل تلاشی پولیس ملی افغانستان نیز خبردادند. این توقیف شدگان گزارش دادند که بعد از دستگیر شدن برای مدت زمان قابل ملاحظه ای، یک الی چهار روز، در محل تلاشی پولیس ملی افغانستان نگهداری شده اند و بلافاصله به قوماندانی امنیه پولیس ملی افغانستان یا ریاست امنیت ملی، انتقال داده نشده بودند و در جریان این مدت مورد تحقیق، شکنجه و بدرفتاری قرار گرفته اند. یک توقیف شده از مواجه شدن با لت و کوب، قرار دادن در يك وضعیت تحت فشار و بدرفتاری با اعضای تناسلی حین توقیف در محل تلاشی پولیس حوزه 9 خبر داد. او اظهار داشت که مأموران پولیس ملی افغانستان: "مرا با شکم روی زمین خوابانید و یکی از مأموران روی پشتم نشست و شروع کرد به کش نمودن دستها و پاهایم تا آنها را یکجا کند تا بالاخره بازوی چپم را شکست... آنها بعد از این شروع کردند به فشار دادن بیضه هایم تا نتوانم آن را تحمل کنم. آنها این کار را چندین بار انجام دادند تا خون از یک طرف بیضه هایم جاری شد."⁷⁴ وی همچنان اظهار داشت که مأمورین پولیس او را به منظور به دست آوردن یک اعتراف شکنجه می کردند. "آنها به طور مکرر چند قبضه کلاشنکوف، یک راکت لانچر و و سایر مواد منفجره را به من نشان می دادند و می گفتند که من باید اعتراف کنم که اینها مال من است ولی من نه آنها را قبلاً دیده بودم و نه آنها مال من بود."⁷⁵

ادعاهایی مبنی بر درگذشت یک توقیف شده در ماه اپریل 2011 (حمل 1390) در نتیجه شکنجه و بدرفتاری در يك محل تلاشی پولیس ملی افغانستان نیز دریافت شده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان این قضیه را در زمان وقوع حادثه مورد بررسی قرار داد و این یافته ها قبلاً از سوی یوناما نیز گزارش شده است.⁷⁶ طبق مصاحبه های انجام شده با اعضای فامیل او، وی برای چندین روز در محل تلاشی پولیس ملی در توقیف بود، جایی که او با مشت، لگد و سیم برق مورد لت و کوب قرار گرفت. او بعداً به ریاست امنیت ملی قندهار انتقال داده شد. حدود 15 روز بعد، این فرد درگذشت. در زمان وفات، شکم توقیف شده به شدت کبود شده بود.⁷⁷

داکتری در شفاخانه میرویس، که شفاخانه اصلی این ولایت است، اظهار داشت که آنها شمار چشمگیری از افرادی را که در زمان توقیف در توقیفگاه پولیس ملی افغانستان جراحات برداشته بودند تحت تدابیر قرار داده اند. "بسیاری از مواردی که ما دریافت می کنیم زخمی هایی هستند که توسط پولیس زخمی شدند... آنها برای لت کوب توقیف شدگان از چوب، تفنگ و کیبل استفاده می کنند. هیچ کنترولی بر آنها وجود ندارد. آنها می توانند هرکاری را و هر چیزی را که دلشان بخواهد، در حق مردم بکنند."⁷⁸ این داکتر قضیه جدیدی را مورد یک مرد 60 ساله که در توقیفگاه پولیس مورد لت و کوب شدید قرار گرفته بود، شرح داد. مطابق گفته های این داکتر، لت و کوب که بالای این مرد اعمال شده بود، سبب پارگی رگهای خون در پای او شده بود که این امر باعث شد که خون کافی به پایش نرسد. "او برای دو شب در شفاخانه بود. ما برایش گفتیم که باید پایش را قطع کنیم ورنه او خواهد مرد، ولی او تصمیم گرفت که شفاخانه را ترک کند. [او] شاید برای معالجه به پاکستان، احتمالاً به کویته یا پیشاور، رفته باشد."⁷⁹

توقیف شده دیگر از مواجه شدن با لت و کوب شدید و شوک برقی در محلی خبرداد که یک مرکز توقیف رسمی پولیس ملی افغانستان نبود. او اظهار داشت که از قوماندانی امنیه پولیس به یک ساختمان دولتی انتقال داده شد که یک مرکز توقیف رسمی نبود و در آنجا برای دو روز تحت توقیف و تحقیق قرار گرفت. "آنها مرا با يك کیبل برقی 30 مرتبه و هر مرتبه 30 بار لت و کوب کردند. معمولاً به کف پاهایم میزدند و گاهی در هر دو طرف پاهایم نیز با کیبل میزدند. بعداً شروع کردن با کیبل به سرم برنند و این کار را 27 بار کردند. [من] هنوز آثاری از این لت و کوب را با خود [دارم]. از دستان، پاها/پیم] به شدت خون می آمد... با چهار فرد دیگری که [در ریاست امنیت ملی قندهار] تحت توقیف بود صحبت کردم آنان نیز [در آنجا] مورد لت و کوب قرار گرفته بودند." این توقیف شده نیز در معرض شوک برقی قرار گرفته بود و گفت "بسیار زیاد درد داشت. آنها می گفتند، اعتراف کن، اعتراف،

⁷⁴ مصاحبه با توقیف شده شماره 48

⁷⁵ همان

⁷⁶ گزارش یوناما از توقیف ها

⁷⁷ مصاحبه ها با اعضای خانواده توقیف شده متوفی و داکتری که متوفی را درمان می کرد. به یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه

در توقیفگاه افغانستان، یادداشت فوق 3، صفحه 25 نیز مراجعه کنید

⁷⁸ مصاحبه با داکتر در شفاخانه میرویس

⁷⁹ همان

و پیوسته سؤالاتی از من می پرسیدند... آنها 12 مرتبه مرا شوک دادند... هر بار من از شدت درد بیهوش میشدم و آنها هر بار سؤالاتی از من می پرسیدند و میگفتند، اعتراف کن، اعتراف... بالاخره نشان انگشت مرا [روی یک اعتراف نامه] گرفتند.⁸⁰ این توقیف شده گفت که به گمان او پولیس سرحدی افغانستان قبل از انتقالش به ریاست امنیت ملی قندهار مسؤل توقیف و بدرفتاری با وی در این محل بوده است.

پولیس ملی افغانستان رول عمده بی را در مبارزه با تروریسم و قضایای مربوط به امنیت ملی در قندهار بازی نموده و با نیروهای ایالات متحده و آیساف در عملیات های عمده سال های 2010 و 2011 (1389-1390)، همکاری نزدیک داشته است.⁸¹ بنابراین، به نظر میرسد که پولیس ملی افغانستان در توقیف واستنطاق تعداد قابل ملاحظه بی از توقیف شدگان مرتبط با منازعه در قندهار دخیل است. همکاران ما به شواهدی دست یافتند که حاکی از اینست که مأمورین پولیس ملی افغانستان در قندهار نه تنها در شکنجه توقیف شدگان سهیم اند، بلکه این کار را در پنج محل، که یکی از آنها طبق گزارشها مرکز رسمی پولیس ملی نبوده است، انجام داده و در برخی موارد این کار برای چندین روز در یک دوره اتفاق افتاده است.

چالش های نظارت مؤثر بر توقیف شدگان

در جریان انجام مصاحبه ها برای تهیه این گزارش واضح شد که بنابر عوامل مختلف، نظارت مؤثر بر ریاست امنیت ملی و سایر مراکز توقیف با موانع روبرو بوده است. این عوامل شامل تعلیق انتقال توقیف شدگان از محل های مخفی یا سری (که اجازه دسترسی به آنها به ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان داده نشده است) و همچنان بیم توقیف شدگان از اقدامات تلافی جویانه در برابر افشای شکنجه و بدرفتاری، می شود. ترس از اقدامات تلافی جویانه به عنوان مانعی عمده در زمان انجام مصاحبه ها برای نظارت مؤثر بر توقیف شدگان، به خصوص زمانی که توقیف شدگان در توقیفگاه باقی می ماندند، عمل می کند. این عمل توسط ناظران حقوق بشر در بخش های دیگر جهان نیز مشاهده شده است.⁸²

شواهد تلاش برای پنهان کردن شکنجه

گزارشهای بدست آمده از چندین توقیف شده، نشان میدهد که ممکن است مأمورین ریاست امنیت ملی در جاهای در داخل و یا نزدیک به مراکز توقیف، مانند زیرزمینی ها و کانترینرهای موقت، به انجام تحقیق و اعمال شکنجه اقدام کرده باشند که ممکن است برای ناظرین بیرونی به آسانی در دسترس و یا قابل دید نبوده باشد. گزارش استفاده از همچون مکان ها، نگرانی هایی را راجع به اینکه بعضی از مأمورین تلاش میکنند از نظارت مستقل فرار و بدرفتاری با توقیف شدگان را پنهان کنند، بر می انگیزاند.

ناظرین گزارش هایی را نیز در باره زیرزمینی ای که در ریاست امنیت ملی هرات وجود دارد، دریاف کرده اند. پنج توقیفی مصاحبه شده اظهار کردند که آنها برای تحقیق در یک زیرزمینی یا اتاق زیرزمین در ریاست امنیت ملی هرات برده شدند.⁸³ یک توقیف شده گفت که اتاق زیرزمینی در "توقیفگاه سابق ریاست امنیت ملی" که پشت

⁸⁰ مصاحبه با زندانی شماره 54

⁸¹ ماتیو ایکینس، "مرد ما در قندهار"، The Atlantic، نوامبر 2011 (عقرب 1390)، <http://www.theatlantic.com/magazine/archive/2011/11/aikins/8653/>، Yaroslav Trofimov، "تمرکز افزایش نیرو سرک ها و پولیس است"، وال استریت ژورنال، 17 دسامبر 2011 (26 قوس 1388)، <http://online.wsj.com/article/SB126085693657891775.htm>، فورس برگ، ضدشورش در قندهار: ارزیابی کمپاین همکاری 2010، انستیتیوت مطالعات جنگ، دسامبر 2010 (قوس 1389)، http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Afghanistan%20Report%207_15Dec.pdf

⁸² برای مثال به قضیه ماهر ارار، شهروند دوگانه کانادا و سوریه نگاه کنید که به رغم نه بازدید کنسولی توسط مسؤلان کنسولی کانادا به عنوان بخشی از تضمین دیپلماتیک با حکومت سوریه، در سال 2002 در توقیفگاه سوری مورد شکنجه قرار گرفت. کمیسیون تحقیق در باره اقدامات مقامات کانادا در ارتباط با ماهر ارار، http://www.sirc-csars.gc.ca/pdfs/cm_arar_rec-eng.pdf، p. 44. همچنین مراجعه کنید به دیدبان حقوق بشر، "تضمینات دیپلماتیک علیه شکنجه: پرسش ها و پاسخ ها"، http://www.hrw.org/sites/default/files/related_material/ecagna1106web.pdf

⁸³ مصاحبه با توقیف شدگان شماره 87، 94، 95، 96 و 97. بر علاوه، توقیف شده شماره 93 گفت که افاربی دارد که در زیرزمینی توقیفگاه ریاست امنیت ملی هرات مورد بد رفتاری قرار گرفته است و زندانی شماره 89 گفت که او زندانیان دیگری را در زندان

سر ساختمان اصلی دفتر سفید در داخل محوطه ریاست امنیت ملی هرات، قرار دارد. همه این پنج توقیف شده که به زیرزمینی برده شده بودند، در آنجا مورد شکنجه قرار گرفته اند. توقیف شدگان گزارش دادند که مأمورین ریاست امنیت ملی از روشهای گوناگون شکنجه، به شمول آویزان کردن با دست ها از میله های پولادین و لت و کوب، کار می‌گرفتند. در یک مورد، یک توقیف شده ادعا کرد که بعد از لت و کوب شدن در تشت پراز آب و نمک فرو برده شد تا درد ناشی از زخم هایش را از یاد کند.⁸⁴ موجودیت یک اتاق زیرزمینی در داخل ساختمان سابق ریاست امنیت ملی هرات از سوی مصاحبه شونده دیگری نیز تأیید شد. او گفت که او در دوران رژیم طالبان در یک اتاق زیرزمینی در همان مرکز نگهداری می‌شد.⁸⁵

دست اندرکاران و محققین گزارشهای را که حاکی از تلاش مأمورین ریاست امنیت ملی جهت مخفی کردن شواهد شکنجه یا بدرفتاری از سازمان های ناظر میباشد، نیز دریافت نموده اند. یک توقیف شده از قندهار به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت که یکی از توقیف شدگان در ریاست امنیت ملی قندهار، که "مورد لت و کوب شدید" قرار گرفته بود، یک روز قبل از بازدید کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از این مرکز توقیف "به محل نامعلومی" انتقال داده شد. ریاست امنیت ملی قندهار بازدیدهای اعلام نشده ناظرین کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را اجازه نمیدهد و حداقل یک روز اطلاع قبلی می‌خواهد.⁸⁶ به همین ترتیب، یک توقیف شده در ولایت هلمند گزارش داد که "زمانی که مقامات دولتی به ریاست امنیت ملی می‌آمدند، آنها افرادی را که شکنجه شده بودند در جای دیگری نگهداری میکردند تا دیده نشویم. در آنجا یک اتاق زیرزمینی وجود داشت و ما جمعاً سه نفر بودیم که در آنجا نگهداری میشدیم."⁸⁷

هراس های توقیف شدگان از اقدامات تلافی جویانه در برابر افشای شواهد شکنجه یا بدرفتاری

دست اندرکاران این تحقیق دریافتند که چندین توقیف شده از مواجهه با اقدامات تلافی جویانه بخاطر مطرح کردن بدرفتاری با ناظرین بیم داشتند. یک توقیف شده در ریاست امنیت ملی هرات، که از لت و کوب شدن شدید و بدرفتاری با اعضای تناسلی خود خبر داده بود، در ختم مصاحبه بیان کرد: "من چیزی دیگر برای گفتن ندارم. آنها بعد از این که با شما صحبت می‌کنم مرا در جای دیگر منتقل خواهند کرد. آنها مرا ناپدید خواهند کرد."⁸⁸ یک توقیف شده در مرکز اصلاح اطفال در هلمند به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش داد که او و توقیف شدگان دیگر در نتیجه این که از بدرفتاری با خود شان در این مرکز گزارش داده بودند مورد لت و کوب شدید قرار گرفتند. او گفت: "ما یک مرتبه شکایت نامه ای نوشتیم ولی رئیس مرکز اصلاح آنها کشف کرد و بعد از آن ما را با پیپ مورد لت و کوب سخت قرار داد."⁸⁹

ترس و بیم برخی از بازداشت شدگان از اقدامات تلافی جویانه، تأثیر مستقیمی بر آنچه که آنها به ناظران افشا می‌کردند، داشت. در یک مورد، یک مأمور در ریاست امنیت ملی پروان مکرراً مصاحبه ای را که توسط دو ناظر کمیسیون مستقل حقوق بشر انجام می‌شد، قطع کرد. زمانی که توقیف شده در باره شرایط و بدرفتاری در ریاست امنیت ملی پروان شروع به صحبت کرد، این مأمور به طور مکرر به سوی او جیغ می‌زد که او باید "حقیقت را بگوید!"⁹⁰

مرکزی هرات می‌شناسد که در همچون یک زیرزمینی شکنجه شدند. اما نه توقیف شده 89 و نه توقیف شده 93 خودشان به این زیرزمینی برده نشده بودند.

⁸⁴ مصاحبه با توقیف شده شماره 96

⁸⁵ مصاحبه با توقیف شده بی نام، 4 دسامبر 2011 (13 قوس 1390)

⁸⁶ مصاحبه با توقیف شده شماره 59

⁸⁷ مصاحبه با توقیف شده شماره 80

⁸⁸ مصاحبه با توقیف شده شماره 86

⁸⁹ مصاحبه با توقیف شده شماره 83

⁹⁰ مصاحبه با توقیف شده شماره 109

یک توقیف شده دیگر که در ریاست امنیت ملی لغمان توسط یک ناظر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مصاحبه شد گفت بخاطر آهسته صحبت کردن و استفاده از اشارات دست مورد لت و کوب شدید قرار گرفته بود و از صحبت بیشتر ابا ورزید و گفت " [مأمورین] خواهد آمد و من به مشکل دچار خواهم شد." ⁹¹

⁹¹ مصاحبه با توقیف شده شماره 103

V. انتقال توقیف شدگان، نظارت و عملیات های مشترک نیروهای بین المللی

مطابق اصل مندرج (*Non-refoulement*) قوانین بین المللی که در قوانین بین المللی حقوق بشر، قوانین پناهندگان و قانون بشردوستانه بین المللی مبنا دارد، دولت ها از انتقال اشخاص تحت کنترل شان به توقیفگاه دولت دیگر در صورتی که دلایل معتبر برای باور به این که فرد مسترد شده با خطر واقعی شکنجه، رفتار و یا مجازات بی رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز مواجه خواهد شد، وجود داشته باشد، منع شده است.⁹²

نیروهای آیساف کماکان افراد را توقیف نموده و به توقیفگاه های افغانستان انتقال می دهند. مطابق "مقرره 96 ساعته" آیساف، افرادی که در جریان عملیات های آیساف توقیف می شوند عموماً در ظرف 96 ساعت رها و یا به مراجع افغانستان انتقال داده می شوند. هرچند، به دلیل نبود معیارها و رهنمودهای مفصل و یکسان برای انتقال توقیف شدگان، که عمدتاً به خاطر ساختار تشکیل چند ملیتی آیساف است که در آن هر کشور مکلفیت های قانونی را ممکن است به گونه متفاوت تفسیر کند، تنوع قابل توجهی در پالیسی ها و رویه های توقیف در میان کشورهای عضو آیساف وجود دارد.

کشورهای عضو آیساف در زمینه توقیف ها با شرایط و چالش های بسیار متفاوت رو برو می شوند. ایالات متحده هزاران فرد را در سراسر افغانستان توقیف می کند که اکثریت شان در توقیفگاه پروان (که قبلاً مرکز توقیف تئاتر بگرام (*the Bagram Theater Internment Facility*) نام داشت) نگهداری میشوند. در عین زمان، کشورهای دارای حضور نظامی کمتر، مانند دانمارک به دلیل محدود بودن عملیات ها، توقیف ها و انتقال توقیفی ها به یک ولایت، ممکن است چند فرد را در یک سال معین توقیف کنند. برخی از کشورها، مانند آلمان، مدعی اند که آنها خودشان در توقیف ها شرکت نمی کنند اما در عملیات های نظامی با نیروهای افغانستان شرکت می کنند که در آنها افراد دستگیر و توقیف می شوند.

این نکته قابل توجه و مهم است که بعضی از نیروهای ایالات متحده در افغانستان در عملیتهای آزادی پایدار (*Enduring Freedom Operation*)، که یک ائتلاف ضدتروریسم تحت رهبری ایالات متحده بوده و از نیروهای آیساف جداست، فعالیت می کنند.⁹³ بسیاری از این نیروهای ایالات متحده که خارج از آیساف و معروف به نیروهای ایالات متحده در افغانستان (*USFOR-A*) هستند نیروهای عملیات های ویژه هستند که به نام فرماندهی بخش عملیات های ویژه نیروهای مشترک در افغانستان یاد می شوند (*CFSOCC-A*). این نیروها اکثراً دست به عملیات هایی می زنند که منجر به توقیف شدن افراد میشود. نیروهای ایالات متحده در افغانستان تحت فرماندهی جنرال جان الن (*General John Allen*) قرار دارند، که به عنوان فرمانده آیساف نیز خدمت می کند. همچنان تعدادی از واحدهای نظامی دیگر ایالات متحده نیز وجود دارد که جدا از نیروهای آیساف و نیروهای ایالات متحده در افغانستان عمل می کنند و تحت فرماندهی جنرال الن قرار ندارند.

عملیات های نیروهای ایالات متحده به منظور توقیف افراد، توسط (*CJIATF-435*) اداره می شود. ایالات متحده، به شکل رسمی، یک توقیفگاه طویل المدت دارد که توقیفگاه پروان است. هرچند یافته های قبلی نشان می دهد که بعضی محلات توقیف "موقت"، به شمول "تور جیل" ("زندان سیاه") در پایگاه هوایی بگرام نیز وجود

⁹² اصل عدم بازگرداندن اجباری، اصل عمومی ای در قوانین بین الملل است که در قوانین بین المللی حقوق بشر، قانون پناهندگان و قانون بین المللی بشردوستانه مبنا دارد. کمیته ضد شکنجه، کمیته بین المللی تخصصی است که بر پیروی دولتها از کنوانسیون منع شکنجه نظارت میکند، به صورت مکرر تأکید کرده است که منع شکنجه مطلق است. مراجعه کنید به کمیته ضد شکنجه سازمان ملل، "بررسی گزارشهای ارائه شده توسط دولتهای عضو بر اساس ماده 19 کنوانسیون، جمع بندیها و پیشنهادات کمیته های ضد شکنجه، فرانسه"،⁹³

3 CAT/C/FRA/CO/3، اپریل، 2006، بند 6، En.3.CAT.C.FRA.CO.3، [http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/CAT.C.FRA.CO.3.En.6](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/CAT.C.FRA.CO.3.En.6)

⁹³ وزارت دفاع آمریکا، گزارشی در باره پیشرفت به سوی ثبات و امنیت در افغانستان

دارد که توسط فرماندهی مشترک عملیات های ویژه ایالات متحده (JSOC) اداره میشود.⁹⁴ نیروهای (USFOR-A) خودشان را مکلف به رعایت مقرر 96 ساعته آیساف نمیدانند و این باور وجود دارد که آنها اجازه دارند توقیف شدگان را در این توقیفگاه های موقت قبل از اینکه رها کنند و آنان را به توقیفگاه پروان یا توقیفگاه های افغانستان انتقال دهند، برای مدت الی نه هفته نگهداری کنند و مورد تحقیق قرار دهند.⁹⁵

حداقل شش کشور دارای حضور نظامی عضو آیساف تفاهم نامه های جداگانه ای را با دولت افغانستان امضا کرده اند که صلاحیت توقیف و انتقال توقیف شدگان را تنظیم میکند، که شامل: بریتانیا، کانادا، استرالیا، دانمارک، ناروی و هالند میشود.⁹⁶ سطوح مختلف نظارت از وضعیت توقیف شدگان انتقال شده، به عنوان بخشی از این توافقنامه ها میباشد. اما این برنامه های نظارتی از نظر کیفیت متفاوت و دچار ضعف های جدی بوده و حتی در بعضی موارد برای جلوگیری از بدرفتاری و شکنجه توقیف شدگان منتقل شده به توقیفگاه های افغانستان ناکافی بوده است.⁹⁷ با وجود امضای تفاهمنامه ها، سالهاست که ادعاهای معتبر شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان در توقیف گاه افغانستان، به شمول توقیف شدگانی که توسط نیروهای بین المللی انتقال داده شده اند، مطرح شده است.⁹⁸

همان گونه که در زیر بحث شده است، با اینکه از نظارت نیروهای بین المللی بر وضعیت توقیف شدگانی که آنها انتقال میدهند به عنوان یک گام مثبت استقبال می شود، ولی همچواقدامات به تنهایی لزوما مکلفیت های قانونی

⁹⁴ بنیاد جامعه باز، شرایط حبس در توقیفگاه موقت ایالات متحده، یادداشت فوق 4: دوزیر، "مظنونان تروریسم هفته ها در توقیف قرار دارند"، یادداشت فوق 4

⁹⁵ همان

⁹⁶ سازمان عفو بین الملل، افغانستان: انتقال توقیف شدگان به شکنجه: همدستی آیساف؟، نوامبر 2007 (عقرب 1386)، <http://www.amnesty.ca/amnestynews/upload/ASA110112007.pdf>

(از این پس در این گزارش، "سازمان عفو بین الملل، افغانستان: انتقال توقیف شدگان به شکنجه"). همچنین به استیفن اسمیت، وزیر دفاع استرالیا، "مدیریت توقیف شدگان در افغانستان"، حکومت استرالیا، وزارت دفاع، 14 دسامبر 2010 (23 قوس 1389)، مراجعه کنید، <http://www.defence.gov.au/minister/105tpl.cfm?Currentid=11212>

[از این پس در این گزارش، "استیفن اسمیت، وزیر دفاع استرالیا، مدیریت توقیف شدگان در افغانستان"]؛ یادداشت تفاهم میان حکومت بریتانیا کبیر و ایرلند شمالی و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان راجع به انتقال اشخاص توقیف شده در افغانستان از نیروهای مسلح بریتانیا به مقامات افغانستان، 23 اپریل 2006 (3 ثور 1385)، <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm200607/cmselect/cmfa/44/4412.htm#n78>

[از این پس در این گزارش، "تفاهم نامه انتقال توقیف شدگان میان بریتانیا و افغانستان"]، حکومت کانادا، "پس منظر نامه: نیروهای کانادایی آمار توقیف شدگان افغانستان را نشر می کند"، 2 سپتامبر 2011 (11 سنبله 1390)، http://news/afghanistan-canada/ca.gc.afghanistan.www://http://nouvelles/2010/2010_09_22b.aspx?lang=eng&view=d

[از این پس در این گزارش، "حکومت کانادا، نیروهای کانادایی آمار توقیف شدگان را نشر می کند"].

⁹⁷ یوناما، توقیف شدگان مرتبط با منازعه در توقیف گاه افغانستان، یادداشت فوق 3. همچنین به گزارش گزارشگر ویژه در مورد شکنجه، و دیگر رفتارها یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرآمیز، سند 60/316 سازمان ملل، 30 اگست 2005 (5 سنبله 1384)، بند 46، <http://www.unhcr.org/refworld/pdfid/43f30fb40.pdf>؛ انستیتیوت حقوق بشر، مکتب حقوق کلمبیا، ایالات متحده، نظارت بر انتقال توقیف شدگان در افغانستان؛ معیارهای بین المللی و درس های آموخته شده از بریتانیا و کانادا، دسامبر 2010 (قوس 1389)،

http://www.columbia.edu/~ljp14/afghan_briefing.pdf

[از این پس در این گزارش، "انستیتیوت حقوق بشر، نظارت ایالات متحده بر انتقال توقیف شدگان در افغانستان"]، انستیتیوت حقوق بشر، مکتب حقوق کلمبیا، وعده هایی که باید انجام شود: تضمینات دیپلماتیک در برابر شکنجه در انتقال توقیف شدگان تروریسم ایالات متحده، دسامبر 2010 (قوس 1389)،

http://www.columbia.edu/~ljp14/afghan_briefing.pdf [از این پس در این گزارش، انستیتیوت حقوق بشر، وعده هایی که باید انجام داد].

⁹⁸ سازمان عفو بین الملل، افغانستان: انتقال توقیف شدگان به شکنجه: همدستی آیساف در جرم؟، نوامبر 2007 (عقرب 1386)، یادداشت فوق 102؛ آندره پراسو (Andrea Prasow)، "شکنجه در افغانستان سری نیست"، نشنل پست (National Post)، 4 می 2010 (14 ثور 1389)، <http://secret-no-is-torture-afghan-prasow-andrea/2010/05/04/com.nationalpost.fullcomment://http>

دولت ها را برای حصول اطمینان از اینکه توقیف شدگانی که به توقیف گاه افغانستان منتقل می شوند با خطر واقعی شکنجه مواجه نیستند، برآورده نمی سازد.⁹⁹

پلان شش مرحله ای آیساف

در پاسخ به یافته های مندرج در گزارش یوناما از توقیف ها، آیساف تطبیق یک پلان شش مرحله ای را برای رسیدگی به شکنجه و بدرفتاری شروع کرد که شامل به تعلیق درآوردن انتقال توقیف شدگان به 16 توقیفگاهی که اعمال شکنجه در آنها از سوی یوناما شناسایی شده است و تدابیری برای از سرگیری انتقال توقیف شدگان میگردد است. باید تأکید کرد که یافته های گزارش در مورد شکنجه و بدرفتاری در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی در بسا موارد قبل از تاریخ شروع تطبیق پلان اصلاحی شش مرحله ای و رژیم تلاشی آیساف بوده است. یک ادعای شکنجه در ریاست امنیت ملی هرات و 14 ادعای شکنجه در ریاست امنیت ملی قندهار بعد از تطبیق پلان آیساف دریافت شد. بنابراین، قطع نظر از این موارد، یافته های گزارش حاضر نباید به مثابه مبنایی برای قضاوت درباره مؤثریت طرح شش مرحله ای آیساف استفاده شود. برای ارزیابی درست از اینکه تفتیش، تصدیق و سایر تدابیر اصلاحی آیساف به گزارش های شکنجه و خطر بدرفتاری با توقیف شدگان موقفانه رسیدگی کرده است یا خیر، به معلومات بیشتر در ماه های آتی نیاز است.¹⁰⁰

بهرحال، همان طوریکه در بخش 4 بحث شد، تحقیقات حاضر به مشکلات جدی در پلان آیساف، به شمول بدرفتاری در خارج از 16 مرکز توقیف شناسایی شده توسط یوناما و گزارشها از محلات نامعلوم توقیف و تحقیق، اشاره می کند. با وجود آنکه طرح جامع نظارت، آگاهی آیساف را از بدرفتاری ها در دیگر مراکز توقیف افزایش خواهد داد، ولی به تلاشهای پیشگیرانه به منظور انجام ارزیابی دقیق خطر شکنجه که منتقل شدگان احتمالی با آن مواجه خواهند شد، نیازمیری وجود دارد. بر علاوه، برخی از نیروها و پرسنل ایالات متحده هستند که مکلف به رعایت اقدامات اصلاحی و نظارت پیشنهادی آیساف نیستند (به بخش ششم در زیر مراجعه کنید).

پلان شش مرحله ای آیساف شامل یک پروسه تصدیق مراکز توقیف که شکنجه در آنجا افشا شده است، می شود. این پروسه دربرگیرنده تفتیش مراکز متهم به شکنجه است. در جریان این تفتیش ها، با توقیف شدگان و کارمندان توقیفگاه مصاحبه می شود و به تعقیب آن آموزشهای اصلاحی برای همه کارمندان محل توقیف برگزار می گردد. یک بررسی دیگر برای تائید تکمیل آموزش و بررسی هرگونه شواهد یا ادعاهای بدرفتاری از طریق انجام مصاحبه ها با کارمندان محل توقیف و توقیف شدگان انجام می شود. هرگاه ادعاهای معتبری در مورد بدرفتاری وجود داشته باشد، آن مرکز تصدیق نگردیده و در نتیجه، پروسه بررسی و تفتیش تصدیق، دوباره شروع می شود.

پس از تکمیل بازرسی، آموزش، و بازدید پیگیرانه، پیشنهادات ارائه شده توسط مقامات آیساف و قومندانان ساحوی به قومندانان عمومی آیساف COM-ISAF تقدیم گردید تا تصمیم نهایی را مبنی بر تایید و عدم تایید از سرگیری انتقال به مراکز توقیف اتخاذ نماید. از 15 فبروری 2012، از جمله 16 مرکز 13 مرکز آن مورد تایید آیساف قرار گرفته است بشمول ریاست امنیت ملی ولایت هرات، ریاست امنیت ملی ولایت ارزگان، خوست، تخار، کاپیسا، پولیس ملی در ولسوالی ژرای، پولیس رسمی کندز، پولیس رسمی دشت ارچی و خوست.

⁹⁹ ایالات متحده با این درک این که عبارت "در مواردی که دلایل معتبر برای باور به این که توقیف شده در خطر شکنجه شدن قرار خواهد گرفت" در ماده 3 به معنای این است که "اگر محتمل تر از این باشد که او شکنجه خواهد شد" امضا کرده است. Resolution of Advice and Consent to Ratification, S. Exec. Rep. No. 101-30, 1990, <http://thomas.loc.gov/cgi-bin/nquery/z?trty:100TD00020>. نظر ایالات متحده این است که ماده 3 مکلفیت های قانونی را بر ایالات متحده در زمینه افرادی که خارج از قلمرو ایالات متحده هستند، تحمیل نمی کند، هرچند این نکته بیان شده است که براساس پالیسی، ایالات متحده اشخاص را به کشورهای که احتمال شکنجه در آنها وجود دارد انتقال نخواهد داد. به گزارش دوره ای دوم ایالات متحده برای کمیته ضد شکنجه، 6 می 2005، بند 30 مراجعه کند، <http://www.state.gov/g/drl/rls/45738.htm>. همچنین به تضمینات دیپلماتیک و انتقال به شکنجه: دیدگاه مشاور حقوقی وزارت خارجه: استماع در برابر کمیته فرعی سازمان های بین المللی، حقوق بشر و نظارت، 110th Cong. 12 (2008), statement of John B. Bellinger, III, Legal Advisor, State Department, www.fas.org/irp/congress/2008_hr/rendition.pdf.

¹⁰⁰ معلومات در باره پلان شش مرحله ای پاسخ آیساف بر مبنای مصاحبه های انجام شده با مسؤلان آیساف در شهرکابل، ولایت کابل، 12 نوامبر 2011 (21 عقرب 1390)؛ 11 دسامبر 2011 (20 قوس 1390)؛ 12 جنوری 2012 (22 جدی 1390) استوار است

از جمله 13 مرکز چهار مرکز بصورت "مشروط" مورد تایید قرار گرفته است به این معنی که آیساف اطلاعات کافی برای تایید کامل جهت از سرگیری روند انتقال در این مراکز را به دست نیارده است. با توجه به کوچک بودن برخی از مراکز و کثرت زیاد توقیف شدگان، تیم ارزیابی آیساف در بعضی حالات موفق نشده است با توقیف شدگان مصاحبه انجام داده معلومات لازم را برای تایید کامل همچو مراکز جهت از سرگیری انتقال جمع آوری نمایند.

این مراکز که بصورت مشروط مورد تایید قرار گرفته است عبارتند از پولیس ملی ارغنداب، پولیس ملی دامن، پولیس ملی کندهار حوزه 9، و ریاست امنیت ملی ولایت لغمان. این حالت مشروط اجازه انتقال توقیف شدگان منوط به یک بازدید قبلا اعلام نشده فوری (در عرض 72 ساعت) از مراکز توقیف مییابد تا با توقیف شدگان در مورد رفتار کارمندان و شرایط زندان مصاحبه صورت گیرد. سه مرکز برای انتقال توقیف شدگان همچنان ممنوع باقی میماند: ریاست امنیت ملی کابل، 124/90، ریاست امنیت ملی ولایت کندهار، و پولیس ملی کندهار حوزه 2.

در حال حاضر، زمانیکه یک فرد در جریان یک عملیات مشترک آیساف/نیروهای امنیتی افغانستان دستگیر می شود، نیروهای آیساف شخص توقیف شده را به مرکزی همراهی می کنند که در میان 16 توقیفگاهی که در گزارش یوناما متهم به بدرفتاری است، نباشد. نیروهای آیساف از رئیس یا فرمانده توقیفگاه تعهد و ضمانت اخذ میکنند که فرد توقیف شده به محل توقیفی که متهم به بدرفتاری است، انتقال داده نشود.

آیساف پروگرام نظارت درازمدت بر توقیف شدگان را نیز به پیش می برد که شامل تفیش و بررسی و نظارت بر هر توقیف شده ای میشود که در عملیتهای آیساف و عملیات های مشترک آیساف/افغانستان دستگیر می شود. این نظارت کسانی را که خارج از 16 مرکزی که قبلا شناسایی شده انتقال داده میشوند، نیز دربرمیگیرد. نکته قابل توجه در این پروگرام تمرکز بر پیگیری توقیف شدگان انفرادی، به جای مراکز توقیف، خواهد بود و آیساف را به مصاحبه با هر توقیف شده منتقل شده به شکل ماهوار بعد از انتقال اولیه متعهد می سازد. هر فرماندهی ساحوی دارای دو مسؤلی خواهد بود که به صورت تمام وقت برای پیشبرد این هدف استخدام می شوند. به درخواست های دست اندرکاران این تحقیق راجع به تعداد توقیف شدگانی که ممکن است تحت پوشش این رژیم نظارتی قرار گیرند، هنوز پاسخ داده نشده است.

این بسیار مهم است که آیساف تعریف وسیع و جامعی از اینکه توقیف شدگان سرانجام تحت پوشش تدابیر حمایتی آنها، به شمول پروگرام نظارت پیشنهادی قرار خواهند گرفت، ارائه کرده است. تدابیر حمایتی آیساف نه تنها بر افرادی تطبیق خواهد شد که توسط نیروهای آیساف دستگیر و توقیف می شوند، بلکه بر همه توقیف شدگانی تطبیق خواهد شد که در هرگونه عملیات مشترک نیروهای آیساف و نیروهای امنیتی افغانستان دستگیر میشوند. این تعریف وسیع تر از معیار "کنترل مؤثر" است که از سوی بسیاری از TCNs به کار گرفته می شود.

واکنش سریع آیساف به گزارش یوناما و تصمیم به تعلیق درآوردن انتقال توقیف شدگان به همه 16 مرکز توقیف شناسایی شده توسط یوناما یک گام مثبت و خوشایندی است. تصویب و اجرای طرحی شش مرحله ای برای رسیدگی به نگرانی هایی که در گزارش یوناما از توقیف ها مطرح شده به حفاظت از حقوق توقیف شدگانی که به توقیف گاه افغانستان منتقل می شوند کمک و مقامات افغان را به دنبال کردن آوردن بهبودی و اصلاحات تشویق خواهد کرد. بهر حال، برای ارزیابی این امر که آیا بررسی ها، پروگرام های آموزشی و تصدیق آیساف در واقع تضمین کننده این نکته است که توقیف شدگان در معرض شکنجه قرار دارند یا خیر، به معلومات بیشتر نیاز است. آیساف باید پلان خود برای بررسی مراکزی که غیر از 16 مرکز شناسایی شده توسط یوناما است و پیشنهاد خود برای برنامه نظارت درازمدت از توقیف شدگان را نهایی و واضح بسازد.

همچنان نگرانی قابل توجه وجود دارد که نظارت برنامه های بین المللی مانند آیساف یک سیستم "دو گانه" را بوجود بیاورد، که از یک طرف توقیف شدگان انتقال شده از بدرفتاری نجات یافته، و از طرف دیگر بد رفتاری علیه جمعیت گسترده تری از توقیف شدگان ادامه یابد. در نهایت، باید یک اولویت در رابطه به حصول اطمینان از اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر، که موظف به نظارت بر همه توقیف شدگان در مراکز توقیف مییابد، دسترسی کامل و نامحدود به مراکز توقیف ریاست امنیت دولتی دارد، وجود داشته باشد. همچنین لازم است که دولت افغانستان و مقامات بین المللی اطمینان دهند که برنامه های نظارت بین المللی، از جمله نظارت که توسط نیروهای آیساف، نیروهای کشورهای همکار، و سازمان های بین المللی انجام می شود هرگز جایگزین مکانیزم

نظارت داخلی از توقیف شدگان که به رهبری افغانها انجام میشود و دارای صلاحیت جامع و حضور نهادی دوام دار برای بهبود پایدار رفتار و شرایط توقیف شدگان می باشد، نشده و نقش آن را تضعیف نمیکند.

با وجود موجودیت نشانه هایی از تلاش های واقعی، همچنان نگرانی های جدی در رابطه به اینکه آیا سیستم بازرسی نیروهای آیساف قادر بوده است در چنین مدت کوتاهی به صورت درست و دقت لازم خطر شکنجه در 13 مرکز از 16 مرکز متذکره را مورد ارزیابی قرار دهد، وجود دارد. تجربه در دنیا در جاهای دیگر نشان داده است که روش از بین بردن شکنجه یک عملکرد بسیار بنی میباشد چونکه بیشتر اوقات لازم است تا که تغییر در افکار و گمانهای نهاد ها و کارمندان که گمان میکنند شیوه شکنجه موثر و ضروری است آورده شود. علاوه، محدودیت های عملیاتی بخصوص آن محدودیت هائیکه ناشی از کم کردن تعداد نیروها نباید عامل پائین آمدن معیار رعایت تعهدات حقوقی دولتها گردد و نیز ارزیابی دقیق خطر شکنجه توقیف شدگان در توقیف گاه های افغانستان زیر سوال نرود.

پلان شش مرحله ای آیساف تلاش عمده و مثبت در راستای رسیدگی به بدرفتاری با توقیف شدگان به حساب می آید، ولی آیساف و TCNs باید از اشتباهات گذشته بیاموزند و مطمئن شوند که هر اقدام اصلاحی ایکه اتخاذ میشود و یا هر نظارتی که صورت می گیرد، کشورها به مکلفیت های قانونی خود برای اینکه هیچگاه یک توقیفی را در معرض خطر واقعی شکنجه قرار نمیدهد، پایبند می مانند. تلاشها همچنان برای مطمئن شدن از اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که یک نهاد ملی با میکانیزم نظارتی از توقیف شدگان و دارای صلاحیت نظارت از تمامی توقیف شدگان میباشد دسترسی عام و تام بدون قید به توقیفگاه ها داشته باشد.

کشورهای عضو آیساف که دارای حضور نظامی می باشند توقیف شدگان را به توقیفگاه افغانستان منتقل می کنند

ایالات متحده

تعداد توقیف شدگان انتقالی: چندین هزار
انتقال به مراکز توقیف: بسیار، در سطح ملی
برنامه نظارت: صفر

هر چند مقامات ایالات متحده یا نمیخواهند یا نمیتوانند ارقام دقیق توقیف شدگان انتقالی را ارائه کنند، ولی روشن است که ایالات متحده در حال حاضر بیشتر از هر کشور دیگر عضو آیساف توقیف شدگان را به حکومت افغانستان تحویل میدهد.¹⁰¹ همچنین ایالات متحده تنها کشور عضو آیساف است که دارای توقیفگاه درازمدت، توقیفگاه پروان،¹⁰² است.

طبق پیام تلگرافی سفارت ایالات متحده در کابل، که توسط ویکی لیکس درز کرد، نیروهای ایالات متحده در سال 2009 (1388) در چارچوب آیساف 643 فرد را توقیف کردند و 370 تن را به توقیفگاه های افغانستان منتقل کردند.¹⁰³ سیروقایع حملات شبانه یا عملیات های "کشتن/دستگیرکردن" نشان میدهد که تعداد افرادی که توسط نیروهای ایالات متحده توقیف میشوند از آن زمان تاکنون به شکل ناگهانی افزایش یافته است. آیساف و نیروهای عملیات های ویژه (USFOR-A) به صورت مشترک بیش از 8000 نفر را در فاصله زمانی بین اپریل 2010 (حمل 1389) و اپریل 2011 (حمل 1390) توقیف کردند، که تعداد عمده ای از آنها احتمالاً توسط نیروهای

¹⁰¹ وزارت خارجه آمریکا، تلگراف، "استراتژی پیشنهادی نظارت بر توقیف شدگان در افغانستان، سفارت آمریکا در کابل، افغانستان، 24 فیبروری 2010 (5 حوت 1388)، <http://www.cablegatesearch.net/cable.php?id=10KABUL688>، [از این پس در این گزارش، "وزارت خارجه آمریکا،" استراتژی پیشنهادی نظارت بر توقیف شدگان در افغانستان"]]. در سالهای اخیر، چون تعداد نیروهای ایالات متحده افزایش یافته و حملات شبانه به یک تاکتیک برجسته تر تبدیل شده است، تعداد افرادی که توقیف و به توقیفگاه افغانستان منتقل میشوند نیز به صورت قابل توجهی افزایش یافته است.

¹⁰² در ده سال گذشته، بهبودهای چشمگیری در برخورد با توقیف شدگان در توقیفگاه های ایالات متحده به وجود آمده است. هر چند هنوز سلب حقوق اساسی در زمینه طی مراحل قانونی صورت میگیرد، ولی در سالهای اخیر ادعاهای بسیار قبلی راجع به بدرفتاری در توقیفگاه پروان دریافت شده است. این امر در تقابل با گزارشهای جدی بدرفتاری و مرگها در توقیفگاه های ایالات متحده در روزهای اولیه حضور آن قرار میگیرد

¹⁰³ همان

عملیات ویژه ایالات متحده توقیف شدند و این نشاندهنده افزایش قابل توجهی در تعداد توقیف ها می باشد.¹⁰⁴ با توجه به این که در حال حاضر نفوس تنها توقیفگاه درازمدت ایالات متحده، (توقیفگاه پروان) 3000 نفر است. این ارقام بوضوح نشان میدهد که اکثریت کسانی که توسط نیروهای ایالات متحده توقیف شده اند، یا رها شده اند و یا به مقامات افغانستان تحویل داده شده اند.¹⁰⁵

با وجود این همه، ایالات متحده همچنان فاقد یک برنامه نظارت از وضعیت توقیف شدگان است تا اطمینان حاصل کند که افرادی را که به توقیفگاههای افغانستان انتقال میدهد واقعاً در معرض خطر شکنجه قرار ندارند. در آینده، با وجود اینکه نیروهای ایالات متحده در چارچوب آیساف تحت پوشش برنامه پیشنهادی نظارت بر توقیف شدگان آیساف قرار خواهند گرفت. ولی انتقال توقیف شدگان توسط نیروهای ایالات متحده که خارج از چارچوب آیساف فعالیت میکنند در دایره نظارت آیساف قرار نخواهد گرفت و این یک خلاء عمده ای است که سبب نگرانی جدی میباشد. (برای معلومات بیشتر در مورد انتقال توقیف شدگان ایالات متحده و برنامه پیشنهادی نظارت به بخش ششم مراجعه کنید).

بریتانیا

تعداد توقیف شدگان انتقالی: به طور متوسط، 20 نفر در هر ماه¹⁰⁶ انتقال به مراکز توقیف: ریاست امنیت ملی در شهر لشکرگاه ولایت هلمند برنامه نظارت: تیم نظامی-ملکی نظارت بر توقیف، از هر توقیف شده انتقال داده شده، نظارت میکند

طبق گفته های یک مقام بریتانیایی، در حال حاضر قوای بریتانیا به طور متوسط 20 توقیف شده را در هر ماه انتقال میدهد.¹⁰⁷ انتقال توقیف شدگان جریان دارد، اما به تعقیب یک فیصله دادگاه عالی بریتانیا در ماه جون 2010 (جوزا 1389) و تصمیم های بعدی سیاسی که از سوی حکومت بریتانیا اتخاذ شده، نیروهای بریتانیا در حال حاضر توقیف شدگان را تنها به ریاست امنیت ملی در شهر لشکرگاه، ولایت هلمند، جایی که اکثریت نیروهای شان فعالیت میکنند، و به پولیس مبارزه با مواد مخدر افغانستان در ولایت هلمند، انتقال میدهد.¹⁰⁸

بریتانیا از سال 2006 بدینسو، پروگرام نظارت از توقیف شدگان را داشته است که توسط تیم نظارت بر توقیف شدگان (DOT)، که از یک افسر پولیس نظامی سلطنتی و یک حقوق دان نظامی تشکیل شده، تطبیق می شود. از همه توقیف شدگانی که توسط قوای بریتانوی دستگیر شده اند بعد از انتقال به صورت منظم بازدید صورت میگیرد. با آنها مصاحبه ها انجام میشود اما این بازدید ها از قبل اعلام نمیشود.¹⁰⁹ با توقیف شدگان در ظرف 30

¹⁰⁴ کترین تیدیمان، "کشتن/دستگیر کردن": گفت و گوی زنده با (PBS' Frontline) شبکه افغانستان-پاکستان، 10 می 2011 (20 ثور 1390)، www.afpak.foreignpolicy.com/posts/2011/05/10/kill_capture_a_live_chat_with_pbs_frontline،¹⁰⁵ مصاحبه بایک مسؤل مجتمع سازمان های دولتی و نیروی رزمی مشترک 435، 11 جنوری 2012 (21 جدی 1390).

همچنین در توقیفگاه پروان تغییر بسیار اندک صورت گرفته است که میتوانست تعداد کمتری از افراد را در توقیفگاه پروان در مقایسه با تعداد کل افرادی که توسط نیروهای ایالات متحده توقیف میشوند، در بر داشته باشد. در فاصله زمانی جنوری 2010 (جدی 1388) و جنوری 2012 (جدی 1390) تقریباً 79% توقیف شدگانی که به توقیفگاه پروان انتقال داده شده اند در این توقیفگاه باقیمانده اند، در حالیکه تنها 21% به مرکز عدالت در پروان منتقل یا رها شده اند. مصاحبه بامسؤلان ایالات متحده در توقیفگاه پروان، 11 جنوری 2011 (21 جدی 1389)، در فاصله زمانی جنوری و اکتوبر 2011 (جدی-میزان 1390)، هیئت بررسی توقیف شدگان 3224 پرونده به شمول 506 در ماه سپتامبر، را تکمیل کرد و احتمالاً تا پایان سال به 4600 خواهد رسید که توقع میرود 550 دوسیه در اکتوبر 2011 (میزان 1390) بررسی شود. مراجعه کنید به وزارت دفاع آمریکا، گزارشی درباره پیشرفت به سوی ثبات و امنیت در افغانستان، یادداشت فوق 4، اکتبر 2011، ص 86

¹⁰⁶ مصاحبه با مقام دولتی بریتانیا، شهر کابل، ولایت کابل، افغانستان، 9 اکتوبر 2011 (17 میزان 1390)

¹⁰⁷ همان

¹⁰⁸ بی سی نیوز، "مایا ایوانس: فعال صلح برنده نبرد محکمه مساعدت هایی حقوق شد"، 12 می 2011 (22 ثور 1390)،

<http://www.bbc.co.uk/news/uk-13371880>

¹⁰⁹ Queen in re: Maya Evans v. Sec'y of State for Defence, [2010] EWHC 1445 (Q.B.) (U.K.)

روز بعد از انتقال شان به توقیفگاههای افغانستان و بعد از آن هر 30 روز تا اعلام نخستین محکومیت، مصاحبه میشوند. هرگاه ادعاهای بدرفتاری دریافت شود، بازدیدهای تعقیبی هر 15 روز انجام میشود. هرچند تیم نظارت بر توقیف شدگان میگوید که تلاش میکند مصاحبه های محرمانه نیز با توقیف شدگان انجام دهد، ولی این کار همیشه از سوی مقامات افغانستان اجازه داده نشده است.¹¹⁰

استرالیا

تعداد توقیف شدگان انتقالی: 120+ در سال 2010¹¹¹
انتقال به مراکز توقیف: مرکز توقیف پروان، ریاست امنیت ملی ترینکوت، ارزگان
برنامه نظارت: نظارت بر هر فرد توقیف شده در مراکز توقیف افغانستان و دسترسی به همه توقیف شده ها در مرکز توقیف پروان

بین ماههای آگست 1، 2010 (10 اسد 1389)، و 12 دسامبر، 2010 (21 قوس 1389) نیروهای کشور استرالیا، که در ولایت ارزگان مشغول ایفای وظیفه نظامی می باشند، 53 تن از توقیف شدگان را به نظارت خانه ریاست امنیت ملی در ترینکوت و 34 تن از توقیف شدگان را به نظارت خانه ایالات متحده به زندان پروان DFIP انتقال نمودند.¹¹² پس از تحقیق و بررسی مقدماتی، نیروهای کشور استرالیا آنده توقیف شدگانی را که از لحاظ امنیتی دارای رسک زیادتیر بودند در نظارت خانه DFIP و آنهای را که از لحاظ تهدیدات امنیتی کمتر جدی تلقی می شدند به نظارت خانه امنیت دولتی واقع در ترینکوت مرکز ولایت ارزگان منتقل نمودند.¹¹³ چون ریاست امنیت ملی در ترینکوت نظارت خانه ندارد لذا توقیف شدگان در لوی حارنوالی که در مقابل کوچه ریاست امنیت ملی موقعیت دارد به سر میبرند.

کشور استرالیا در حال حاضر بر تمام توقیف شدگانی که توسط نیروهای استرالیایی به نظارت خانه های داخلی و یا نظارت خانه ایالات متحده انتقال می یابند نظارت داشته و رفتار و وضعیت رفاهی توقیف شدگان را مورد بررسی قرار میدهد. نظارت از طریق بازدیدهای مقدماتی در مدت کوتاهی پس از انتقال آنها صورت گرفته و سپس بصورت ماهوار تا زمانی که توقیف شدگان توسط یک دادگاه افغانی محکوم به حبس شده و یا از حبس رها می گردد انجام می شود.¹¹⁴

به عنوان بخشی از مسئولیت های نظارتی اش بر توقیف شدگان، کشور استرالیا مراکز توقیف و شرایط زندگی توقیف شدگانی را که در مراکز توقیف نیروهای دفاعی استرالیا به سر میبرند نظارت نموده اما معمولاً به نظارت و بررسی مراکز که در آن توقیف شدگان توسط عناصر استرالیایی منتقل نشده باشند نمی پردازد. بازدید های نظارتی در ارزگان بدون آگاهی قبلی صورت میگیرد، در حالی که بازدید از زندان پروان (DFIP) با توجه به دلایل تدارکاتی و دسترسی، از قبل سازماندهی می شود. بازدید از همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی در ترینکوت/ لوی حارنوالی و زندان مرکزی ترینکوت به طور خصوصی انجام می شود، در حالی که بازدید از زندان پروان (DFIP) مطابق با الزامات ایالات متحده ثبت و رجستر می شود.

ادعاهای مبنی بر بدرفتاری علیه توقیف شدگان، با رضایت توقیف شدگان، با مقامات مراکز توقیف مطرح گردیده و در صورت امکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ادعاهای هم از طریق سفارت استرالیا، سلسله مراتب

همچنین نگاه کنید به تفاهم نامه میان بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و حکومت جمهوری اسلامی افغانستان، یادداشت فوق 102، راجع به انتقال اشخاص توقیف در افغانستان از نیروهای مسلح بریتانیا به مراجع افغانستان، 23 اپریل 2006 (3 ثور 1385)، <http://www.publications.parliament.uk/pa/cm200607/cmselect/cmfa/44/4412.htm#n78>

¹¹⁰ مصاحبه با یک کارمند بین المللی، شهر کابل، ولایت کابل، افغانستان، 11 دسامبر 2011 (20 قوس 1390)

¹¹¹ معلومات ارائه شده توسط مقامات دولت استرالیا، 17 مارچ، 2012 (27 حوت 1390).

¹¹² همان.

¹¹³ مصاحبه با مقامات دولت استرالیا، شهر کابل، ولایت کابل، افغانستان، 14 اکتوبر، 2011 (22 میزان سال 1390)

¹¹⁴ معلومات ارائه شده توسط مقامات دولت استرالیا، 17 مارچ، 2012 (27 حوت 1390).

فرماندهی استرالیا، و به ایساف (ISAF) و سازمان های مربوط حقوق بشر نیز گزارش شده است. در صورتی که دولت استرالیا در مورد ادعای معتبر و یا اتهام قابل قبول در مورد بدرفتاری علیه توقیف شدگان در مراکز توقیف معلومات به دست بیاورند، ممکن است دولت استرالیا انتقال توقیف شدگان را به مراکز توقیف به تعلیق اندازد. کشور استرالیا انتقال توقیف شدگان را به مرکز توقیف ریاست امنیت دولتی در ترینکوٹ برای سه ماه، از ماه جولای 2011 مطابق به به هدایت ایساف متوقف نمود.¹¹⁵

کانادا

تعداد توقیف شدگان انتقالی: صفر، آخرین مورد در ماه جولای 2011 (سرطان 1390) انتقال به مراکز توقیف: مرکز توقیف پروان برنامه نظارت: نظارت بر توقیف شدگان در مراکز توقیف افغانستان و دسترسی به توقیف شده ها در مرکز توقیف پروان

کانادا عملیات جنگی خویش را به صورت رسمی در ماه جولای 2011 (سرطان 1390) به پایان برد و اکنون تنها یک ماموریت آموزشی را به پیش میبرد. این کشور در ماه دسامبر 2011 (قوس 1390) توافقنامه ای را جهت انتقال افراد دستگیر شده از سوی نیروهای کانادایی به مرکز توقیف پروان با ایالات متحده امضا کرد. هرچند احتمال توقیف افراد بیشتر از سوی نیروهای کانادا در عدم موجودیت نیروهای جنگی آن کشور، بسیار کم است. کانادا بار نخست تفاهمنامه ای رسمی را در سال 2005 (1384) با حکومت افغانستان امضا کرد. اما این سند حاوی هیچ شرطی در مورد نظارت و یا مراقبت نبود (برخلاف تفاهمنامه های هالند و بریتانیا در آن زمان)¹¹⁶. در سال 2006 (1385)، مقامات حکومت کانادا وقوع شکنجه را در مراکز توقیف در قندهار گزارش داد. در سال 2009 (1388)، شارژ دافیر پیشین سفارت کانادا در کابل به مجلس نمایندگان آن کشور گفت: "مطابق معلومات ما، احتمال دارد همه افغانهایی را که ما به افغانها سپردیم، شکنجه شده باشند و شکنجه برای مستنطقین در قندهار، یک پروسیجر معمول وظیفوی بوده است". کانادا تحت فشار های سیاسی و افکار عامه، در سال 2007 (1386) تفاهمنامه ای جدیدی را برای آغاز نظارت از وضعیت توقیف شدگان، امضا کرد.¹¹⁷

از سال 2007 (1386) به بعد، مقامات ملکی حکومت کانادا بازدیدهای نظارتی را پس از انتقال انجام داده است تا وضعیت توقیف و رفتار با توقیف شدگانی که از سوی نیروهای کانادایی به مراکز توقیف تحت کنترول نیروهای افغانستان سپرده شده اند، را از طریق بازدیدهای منظم از تعداد محدودی از مراکز توقیف در کابل و قندهار، ارزیابی کنند. مطابق اظهارات کالوین، به دلیل ضعف شیوه نظارت به شمول فقدان منابع کافی انسانی، حد اقل یک مورد شکنجه پس از ایجاد سیستم نظارت کشف شده است.¹¹⁸

¹¹⁵ همان.

¹¹⁶ اظهارات ریچارد کالوین، سرپرست پیشین سفارت کانادا در کابل، خطاب به مجلس نمایندگان کانادا، 18 نوامبر 2009 (27 عقرب 1388)،

<http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=4236267&Language=E&Mode=1&Parl=40&Ses=2> [پس از این به عنوان "اظهارات ریچارد کالوین" یاد می شود].

¹¹⁷ ر.ک. گفته های ریچارد کالوین، همان همچنان ر.ک. سکرتر اول، سفارت کانادا در ایالات متحده، کمیته ویژه مربوط به ماموریت کانادا در افغانستان، 18 نوامبر 2009 (27 عقرب 1388)، <http://www.parl.gc.ca/HousePublications/Publication.aspx?DocId=4236267&Language=E&Mode=1&Parl=40&Ses=2>؛ اظهارات اندریو پراسو، مشاور ارشد مبارزه با تروریسم، دیدبان حقوق بشر، 5 می 2010 (15 ثور 1389)، http://www.hrw.org/material_related/files/defaultsites/org.hrw.www://http%20Testimony%20Canada%20Prasow/pdf%205%202010؛ سازمان عفو بین الملل و BCCLA و معاون رییس ستاد دفاعی، (Can.) 162 F.C. 2008، [http://www.haguejusticeportal.net/Defence Canadian v BCCLA and Canada.I.A/Canada/NLP/Docs/net.haguejusticeportal.www://http%2007-02-2008.Decision](http://www.haguejusticeportal.net/Defence%20Canadian%20v%20BCCLA%20and%20Canada.I.A/Canada/NLP/Docs/net.haguejusticeportal.www://http%2007-02-2008.Decision)

¹¹⁸ اظهارات ریچارد کالوین، یادداشت 121 فوق.

در حالیکه نیروهای جنگی کانادا دیگر در افغانستان حضور ندارند، اما این کشور به نظارت از وضعیت افراد توقیف شده ای که قبلاً به مراکز توقیف افغانستان سپرده شده اند و اکنون در زندان سرپوزا تحت اداره وزارت داخله در قندهار نگهداری میشوند، ادامه خواهد داد.

دنمارک

تعداد توقیف شدگان انتقالی: مجموعاً هفت نفر¹¹⁹
انتقال به مرکز توقیف: ریاست امنیت ملی لشکرگاه، هلمند
برنامه نظارت: نظارت بر همه توقیف شدگان

همه افرادی که از سوی نیروهای دانمارک توقیف شده اند، به ریاست امنیت ملی در لشکرگاه منتقل شده اند. از سال 2005 (1384) به بعد تنها هفت نفر منتقل شده اند که پنج نفر آنها تا کنون آزاد و تنها دو نفر آنان در مرکز توقیف تحت کنترل نیروهای افغانستان بسر می برند¹²⁰.

نمایندگان حکومت دانمارک همه توقیف شدگان را از زمان انتقال به مراکز توقیف افغانستان تا زمان رهایی، تحت نظارت قرار میدهند. این کار با بازدیدهای منظم از قبل اعلام نشده و مصاحبه های خصوصی با توقیف شدگان انجام میشود. بازدیدها توسط یک مأمور طبی و حقوقی انجام میشود.

انجام مکلفیت های حقوقی بین المللی و نظارت مؤثر بر توقیف شدگان

مطابق اصل منع بازگرداندن اجباری حقوق بین المللی عمومی (*non-refoulement*) که در قوانین حقوق بشر بین المللی، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه بین المللی ریشه دارد، دولت ها نمی توانند اشخاصی را که تحت کنترل آنان قرار دارد به مراکز توقیف سایر دولت ها انتقال دهند، در صورتی که دلایل معتبر و قابل توجهی برای اثبات این امر وجود داشته باشد که این اشخاص در معرض خطر واقعی شکنجه یا رفتار بیرحمانه، غیر انسانی و توهین آمیز و یا مجازات قرار خواهند گرفت.¹²¹ برنامه های نظارتی از سوی نیروهای بین المللی کمک به امنیت (*ISAF*) و سایر کشور های دارای نیروی نظامی در افغانستان، یک گام مثبت است و میتواند به محافظت از توقیف شدگان از شکنجه تا حد زیادی کمک کند. هرچند، نظارت صرف برای برآورده سازی مکلفیت های حقوقی دولت ها کافی نیست و تجربه نشان داده است که مؤثریت نظارت تا حد زیادی به شرایط وابسته است و در بسیاری موارد متفاوت میباشد.

¹¹⁹ مصاحبه با یکی از مقامات حکومت دانمارک، شهر کابل، ولایت کابل، 17 اکتوبر 2011 (25 میزان 1390).

¹²⁰ مصاحبه با یکی از مقامات حکومت دانمارک، شهر کابل، ولایت کابل، 17 اکتوبر 2011 (25 میزان 1390). پاسخ های کتبی ایمیلی حکومت دانمارک به پرسش های بنیاد جامعه باز در باره سیاست ها و عملکردهای راجع به توقیف، 28 نوامبر 2011 (7 قوس 1390)، و 20 دسامبر 2011 (29 قوس 1390). همچنان ر. ک. وزارت امور خارجه دانمارک، "دانمارک در افغانستان: توقیف شده گان"،

<http://www.afghanistan.um.dk/en/menu/DenmarkinAfghanistan/DenmarksIntegratedApproach/Detainees/> تفاهمنامه میان وزارت دفاع جمهوری اسلامی افغانستان و وزارت دفاع حکومت شاهی دانمارک راجع به انتقال اشخاص بین بخش دانمارکی نیروهای بین المللی کمک به امنیت (*ISAF*) و نهادهای افغانستان، 8 جون 2005،

¹²¹ اصل منع بازگرداندن اجباری عبارت است از یک اصل عمومی در حقوق بین الملل که در حقوق بشر بین المللی، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه بین المللی ریشه دارد. آقای ایلپهو لاتریات و دانیل بیتلیهم، "گستره و محتوای اصل منع بازگرداندن اجباری: دیدگاه"، در ایریکا فیلر، وولکار ترک و فرانسیس نیکولسون، محافظت از پناهندگان در حقوق بین الملل: مشورت های جهانی کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان در باره محافظت بین المللی، کمبریج، انگلستان: انتشارات دانشگاه کمبریج (2003)، www.unhcr.org/publ/PUBL/419c75ce4.pdf، همچنان ر. ک. کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی

یا توهین آمیز یا مجازات (کنوانسیون منع شکنجه یا CAT)، مصوب 10 دسامبر 1984 (19 قوس 1363)، G.A. res. 39/46, annex, (1984) U.N. GAOR Supp. (No. 51) at 197, U.N. Doc. A/39/51 (1984) art. 3, (5 سرطان 1366)، 3، انتشارات دانشگاه اکسفورد (2009)، ص 172؛ کوردولا دروگ، "انتقال توقیف شدگان: چارچوب حقوقی، اصل عدم استرداد، و چالش های معاصر"، بررسی های بین المللی انجام شده از سوی صلیب سرخ، جلد 90، شماره 871، سپتامبر 2008 (میزان 1387)؛ ایمانوئل-چایرا گیلار، "هیچ جا مثل خانه خود آدم نیست: مکلفیت دولت ها در قبال انتقال اشخاص"، بررسی های بین المللی انجام شده از سوی صلیب سرخ، جلد 90، شماره 871، سپتامبر 2008 (میزان 1387)، <http://www.icrc.org/eng/assets/files/other/irrc-871-gillard.pdf>

از آنجاییکه انجام مکلفیت حقوقی منع بازگرداندن اجباری نیازمند اطمینان از این امر است که افراد توقیف شده ای که به مراکز توقیف سایر دولت ها منتقل شده اند از هر گونه خطر واقعی شکنجه مصون اند، نظارت پس از انتقال به تنهایی کافی نیست¹²².

به منظور جلوگیری از انتقال افراد توقیف شده تحت شرایطی که آنها در معرض خطر واقعی شکنجه قرار دارند، دولت ها باید خطر شکنجه را قبل از انتقال افراد، در مراکز توقیف مورد نظر، بررسی کنند. تشخیص احتمال شکنجه پس از انتقال کافی نیست. تفاسیر معتبر قانونی و حقوقی بیانگر آن است که دولت ها باید برخی از ضمانت های طرز العملی را برای توقیف شدگان تامین کند، مانند آگاه نمودن افراد تحت توقیف راجع به تصمیم انتقال آنها به جای دیگر و فراهم سازی فرصت برای شان جهت اظهار نگرانی های شان مبنی بر اینکه انتقال میتواند آنها را در معرض خطر واقعی شکنجه یا بدرفتاری قرار دهد¹²³. رهنمایی مراجع و مسئولین قانونی حاکی از آن است که بررسی دقیق خطر شکنجه، دولت ها را به اجرای اقداماتی ملزم میسازد که "همه ملاحظات مربوط را مانند بررسی و تفهیم جامع مراکز توقیف، مصاحبه با توقیف شده های منتقل نشده، و برکناری همه مقامات مسوول سوء استفاده های گذشته را در نظر بگیرند"¹²⁴.

کشورهایی که برنامه های نظارتی را تطبیق میکنند باید مؤثریت این نوع برنامه ها را در امر سیاست گذاری به صورت دقیق ارزیابی کنند و شرایط بی ثبات و چالش برانگیز افغانستان و نیز عملکردهایی را که در افزایش مؤثریت برنامه نظارت نقش اساسی دارند، مد نظر بگیرند. بازدیدها باید از پیش اعلام نشده باشد و دولت ها به توقیف شدگان و مراکز توقیف به طور کامل دسترسی داشته باشند. مصاحبه با توقیف شدگان باید در فضای خصوصی و به طور محرمانه انجام شود¹²⁵. بهتر آن خواهد بود که پس از آزادی، زمانی که ترس از انتقام تا حدی کاهش می یابد، نیز مصاحبه هایی انجام شود. نظارت کنندگان همچنان باید ارزیابی کنند که آیا حقوق بنیادی و قانونی توقیف شدگان به شمول حق دسترسی به وکیل و اعضای خانواده؛ حقوقی که برای حفاظت از توقیف شدگان در برابر سوء استفاده ها حیاتی است، نقض شده یا خیر. منابع کافی باید در اختیار تیم های نظارتی قرار داده شود و افراد مسلکی دارای تخصص و تجربه کافی از نظارت بر توقیف شدگان و مصاحبه با قربانیان سوء استفاده و شکنجه نیز، در تیم شامل باشند¹²⁶.

در مجموع لازم است سیستم های نظارت مؤثر و پایدار مطمئناً با نهاد های ملی چون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یک نهاد ملی که دستور کار آن در قانون اساسی افغانستان مشخص شده است و دارای تعهد دراز مدت در امر نظارت است کار کنند. به طور قطع، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نهادی میباشد که متعهد به نظارت بر رفتار همه توقیف شدگان است، نه متمرکز بر کسانی که از سوی نیروهای بین المللی انتقال داده شده اند. کشور ها در راستای رعایت تعهدات حقوقی شان باید با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعاون و همکاری داشته تا اطمینان حاصل گردد تا که ناظرین آن نهاد نیز دسترسی کامل و بدون قید به تمام توقیف شده گان و توقیف گاه ها داشته باشند.

¹²² تعریف دقیق اصل عدم استرداد و مکلفیت های مشخص نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان و انتقال توقیف شدگان خارج از گستره این گزارش است؛ در عوض، در گزارش به این بیشتر توجه شده است که آیا برنامه های نظارتی، در عمل و در بافت خاص افغانستان، برای تحقق مکلفیت های حقوق بین الملل دولت ها کافی است یا خیر. ر. ک. کمیته ملل متحد در باره منع شکنجه، نظر عمومی شماره 1: تطبیق ماده 3 کنوانسیون متناسب با ماده 22 (استرداد و ارتباطات)، 21 نوامبر 1997 (30 عقرب 1376)، A/53/44، مثل خانه خود آدم نیست"، یادداشت 98 فوق.

¹²³ همان

¹²⁴ همان همچنین مراجعه کنید به: کمیته منع شکنجه، نریه عمومی شماره 1، تطبیق ماده 3 کنوانسیون متناسب با ماده 22، 21 نوامبر، اسناد ملل متحد، 1997، A/53/44، ضمیمه 9، پاراگراف 5-8.

¹²⁵ همچنان ر. ک. به: گزارش گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در مورد موضوع شکنجه و سایر رفتارهای بیرحمانه، غیر انسانی یا توهین آمیز یا مجازات، 1 سپتامبر 2004، UN Doc. A/59/324, para. 41-42.

¹²⁶ برای بررسی کامل تر شرایط حد اقلی برای مؤثریت نظارت بر توقیف شدگان و اصول مذکور در حقوق بین الملل و رهنمودهای مربوط، ر. ک. به: انستیتوت حقوق بشر، نظارت ایالات متحده بر توقیف شدگان انتقالی در افغانستان، یادداشت 103 فوق.

عملیات مشترک و تبادلہ اطلاعات

کشورهای عضو نیروهای بین المللی کمک به امنیت (ISAF) به دلیل همکاری شان با نیروهای امنیتی و استخباراتی افغانستان، در قبال رفتار با توقیف شدگان دارای مکلفیت های قانونی است. بسیاری از کشورهای عضو آیساف عملیات های مشترک را با نیروهای افغان به راه میاندازند که در جریان آن ممکن است اشخاص را توقیف کنند. پس از عملیات، توقیف شده ها اغلباً به مراکز توقیف افغانستان سپرده میشوند، جاییکه ممکن است آنها در معرض بد رفتاری یا شکنجه قرار بگیرند. برخی از کشورهای دارای حضور نظامی در افغانستان در قالب آیساف مانند جرمنی نتوانسته اند در مورد انتقال توقیف شدگان با حکومت افغانستان به توافق برسند و در عوض این خط مشی را انتخاب کرده اند که در عملیات های مشترک با نیروهای امنیتی افغانستان شرکت کنند بدون اینکه هیچ کسی را "دستگیر" کنند¹²⁷.

شرکت نیروهای افغان در عملیات های مشترک در اکثر موارد نمی تواند مکلفیت های حقوقی نیروهای بین المللی را در قبال کسانی که در چنین عملیاتها دستگیر شده اند، مرفوع سازد. نیروهای بین المللی دارای نقش حیاتی در عملیات های مشترک اند، از همکاریهای لوجستیکی و استخباراتی گرفته تا محافظت از نیروها. نیروهای بین المللی اغلب به گونه مؤثری نقش رهبری چنین عملیات ها را به عهده دارند و به صورت فیزیکی حضور دارند و از سربازان و نیروهای امنیتی افغانستان در زمان توقیف افراد مشکوک محافظت میکنند. بنابراین، نیروهای بین المللی باید سهمگیری خاص نیروهای خویش را در عملیات های مشترک بررسی کنند تا مشخص شود که آیا آنها در قبال افراد دستگیر شده مسئولیت حقوقی دارند یا خیر، تشخیصی که نمیتواند تنها به حضور نیروهای افغان در جریان عملیات ها یا به این حقیقت تقلیل یابد که، این نیروهای افغان است که به صورت فیزیکی افراد را دستگیر نموده و تحویل میکنند. در عوض، میزان و ماهیت مشارکت نیروهای بین المللی در عملیاتها مشترک باید بصورت دقیق بررسی شود تا مشخص گردد که آیا افرادی که در جریان عملیاتها دستگیر شده اند تحت کنترل مؤثر نیروهای بین المللی قرار میگیرند یا خیر، و بدینسان مکلفیت های حقوقی ناشی از اصل منع بازگرداندن اجباری مشخص گردد¹²⁸.

مقامات نیروهای بین المللی کمک به امنیت در یک اقدام مثبت اعلام کردند که : منحنیت خط مشی و پالیسی، اقدامات محافظتی (در مخالفت با پالیسی انفرادی کشورهای دارای حضور نظامی در افغانستان)، نه تنها زمانی که افراد تحت کنترل مؤثر نیروهای بین المللی کمک به امنیت قرار داشته باشند، بلکه هر زمانی که فردی طی یک عملیات مشترک آیساف/نیروهای افغان دستگیر گردد، اجرا میشود.¹²⁹ بهر صورت کنترل مؤثر تطبیق استانداردهای قانونی از سوی نیروهای کشورهای عضو آیساف از جمله ارجحیت ها شمرده میشود. در مصاحبه ای برای تهیه این گزارش، مقامات برخی از کشورها اشاره کردند که مکلفیت در برابر افراد دستگیر شده در عملیات های مشترک مد نظر گرفته شده میشود اما هیچ کشوری مشخص نمیسازد که کنترل مؤثر را چگونه تعریف میکند یا مشارکت نیروهای آنها در عملیاتها مشترک تحت چه شرایطی موجب مکلفیتهای حقوقی میگردد که ناشی از اصل منع بازگرداندن اجباری است.

تبادلہ اطلاعات مایه نگرانی دیگری است. با در نظر داشت استفاده گسترده از شیوه های جبری و سوء استفاده جویی در جریان تحقیق از سوی مسئولین استخبارات افغانستان، خطر جدی وجود دارد که اطلاعات جمع آوری شده از سوی مراجع افغان از طریق شکنجه بدست آمده باشد. متحدین بین المللی باید از تبادلہ اطلاعات با نهادهای افغان اجتناب کنند مگر زمانیکه آنها اطمینان یابند که با انجام اینکار آنها به هیچوجه در شکنجه یا بد رفتاری از سوی مقامات افغان همدستی ندارند. این مسئله قطع نظر از این امر که توقیف شدگان از مراکز توقیف نیروهای بین

¹²⁷ مصاحبه با مقامات خارجی، دسامبر 2011 (قوس 1390)، کابل. همچنان نک. جان گویتز، مارسیل روسن باخ، و الکساندر سزاند، "آلمان زندانیان را به یک حکومت شکنجه گر سپرده است"، دیر اشپیگل، 11 نوامبر 2008 (21 عقرب 1387)، <http://www.spiegel.de/international/world/0,1518,534511,00.html>.

¹²⁸ کمیته حقوق بشر ملل متحد، نظر عمومی شماره 31 {80} : طبیعت عمومی مسئولیت حقوقی بر جانبین تحمیل گردد

ccpr/c/21/Rev/add.13

<http://daccess-dds-> (4 جوزا 1383) May 26 2004

ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G04/419/56/PDF/G0441956.pdf?OpenElement . para 12 و همچنان به امر

اجرائیوی ایالات متحده امریکا 13491 " اطمینان تحقیقات قانونی " جنوری 22 و 2009 (3 دلو 1387) رجوع شود

¹²⁹ مصاحبه با مقامات آیساف، شهر کابل، ولایت کابل، افغانستان، دسامبر 2011 (قوس 1390).

المللی منتقل شده باشند یا خیر، يك مكلفیت میباشد.¹³⁰ هرچند، در مصاحبه هایی با چندین مقام جامعه بین المللی، هیچ یک از کشورهای عضو آیساف به این موضوع اشاره نکردند که آنها اقداماتی را انجام داده اند تا مطمئن شوند که اطلاعاتی که از سوی مراجع افغان جمع آوری شده و سپس به اشتراک گذاشته شده و از سوی نیروهای آنها استفاده می شود، از طریق شکنجه بدست نیامده است.¹³¹

یکی از نگرانی های موجود همکاری مداوم میان نیروهای ویژه عملیاتی غیر آیساف با کارمندان سازمان استخبارات مرکزی آمریکا است. کسانیکه که به گمان اغلب با مقامات ریاست امنیت ملی افغانستان، بخصوص اداره 90/124 ارتباط دارند و بعضی از کارمندان آن از این اداره بازدید نموده اند.¹³² هرچند مقامات آمریکایی بصورت مستقیم در شکنجه دخیل نبوده اند، اما همکاریهای نزدیک میان مقامات استخباراتی افغانستان و آمریکا، بخصوص اداره 90/124 ریاست امنیت ملی افغانستان، نگرانی های جدی را بر میانگیزد که مقامات آمریکایی ممکن است در شکنجه و بدرفتاری انجام شده از سوی مقامات استخباراتی افغان، همدست باشند.

¹³⁰ دولت های عضو کنوانسیون منع شکنجه مکلف اند: "نهادهای دولتی و سایر اشخاص دارای صلاحیت رسمی را از ارتکاب مستقیم، تحریک، تشویق، رضایت یا هرگونه مشارکت یا همدستی در کارهای که مطابق کنوانسیون شکنجه شناخته شده است، منع کنند"، نظر عمومی 2 توسط کمیته منع شکنجه در مورد تطبیق توسط طرف های دولتی <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/G08/402/62/PDF/G0840262.pdf?OpenElement>.

¹³¹ مصاحبه هایی با مقامات حکومتی ایالات متحده، آلمان، دانمارک، بریتانیا، کانادا و استرالیا برگزار شد.
¹³² مصاحبه هایی با مقامات بین المللی، دسامبر 2011 (فوس 1390). همچنان نک: جوشوا پالترو و جولی تیت، "به گفته مسئولین، مقامات ایالات متحده نسبت به بدرفتاری در زندان های افغانستان هشدار قبلی دریافت کرده بودند"، واشنگتن پست، 30 اکتوبر 2011 (8 عقرب 1390)، http://www.washingtonpost.com/pacific/asia/world/com.washingtonpost.www://http-at-abuse-of-warning-advance-had-us/pacific_asia/world/com.washingtonpost.www://http.html.story_VM2Dg7g1QA/2011/10/21/say-officials-prisons-afghan.

VI. شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان که توسط نیروهای آمریکایی به ریاست امنیت ملی منتقل شده اند

دست اندرکاران این گزارش تعدادی از قضایای معتبری را مستند سازی کرده اند که در آنها افراد از سوی نیروهای آمریکایی توقیف و به مراکز توقیف افغانستان منتقل شده و مطابق گزارشها در آن مراکز مورد شکنجه به شمول لت و کوب، آویزان کردن و شوک برقی، قرار گرفته اند.

همکاران ما قضایای ده نفر را که از سوی نیروهای ایالات متحده توقیف و به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل شده بودند، مستند سازی کردند. جاییکه آنها اظهار داشتند که بین ماه های می 2010 و جنوری 2012 (ثور 1389 - جدی 1390) مورد شکنجه واقع شده بودند.¹³³ در چهار مورد ازین قضایا، افراد گزارش دادند که آنها برای يك مدتی در یک مرکز توقیف در پایگاه هوایی بگرام یا نزدیک، آن نگهداری شده بودند و در چهار مورد دیگر آنان به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل شده بودند. با وجود آنکه انتقال افراد از سوی نیروهای بین المللی کمک به امنیت و نیز نیروهای آمریکایی در افغانستان (USFOR-A) به تعلیق در آمده بود. این قضایا شواهد قوی است بر اینکه توقیف شدگان انتقالی از سوی ایالات متحده توسط کارمندان ریاست امنیت ملی مورد شکنجه قرار گرفته است. افراد توقیف شده نسبت به سیاست های ایالات متحده مبنی بر انتقال آنها به ریاست امنیت ملی، به خصوص انتقال آنها از سوی نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده، و اینکه آیا تدابیر محافظتی لازم برای محافظت از حقوق توقیف شدگان و اطمینان از عدم همدستی ایالات متحده در شکنجه وجود دارد یا خیر، ابراز نگرانی می کنند.

توقیف شدگان که توسط ایالات متحده از زندان "بگرام" و سایر مراکز توقیف آمریکا به مراکز توقیف افغانستان منتقل شده اند

در چهار مورد، افرادی که مصاحبه شدند، گفتند که آنها بین ماه های می 2010 و می 2011 (ثور 1389 - ثور 1390) از سوی نیروهای آمریکایی توقیف و در زندان بگرام نگهداری میشده اند. هر چهار فرد گفتند که آنها بعداً بی سرنوشت و بدون کدام اتهام در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی نگهداری شده و مورد انواع مختلف شکنجه قرار گرفتند.

درین مورد نیز تردید وجود دارد که توقیف شدگان، زمانی را که فکر میکنند در زندان بگرام بسر برده دقیقاً در کدام مرکز توقیف بوده اند، که این میتواند مرکز توقیف دراز مدت یعنی مرکز توقیف پروان بوده باشد یا مرکز توقیف تحقیقاتی یا "عبوری" تحت اداره قوماندانی مشترک عملیات های خاص در پایگاه هوایی بگرام که به "زندان سیاه" مشهور است. مقامات آمریکایی گفته اند که افراد توقیف شده در مرکز توقیف پروان به صورت مستقیم به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل نمی شوند که بیانگر آن است که به احتمال زیاد افراد توقیف شده در مرکز توقیف عبوری در پایگاه هوایی بگرام نگهداری شده اند.¹³⁴ در عوض، آنها یا از طریق شورا ها آزاد شده یا برای پیگردهای قانونی به بخش تحت کنترل افغان ها در مرکز توقیف پروان منتقل می شوند.¹³⁵ هیچ یک از توقیف شدگان از حضور در جلسه استماعیه هیات بررسی توقیف شدگان یا شورای آزادی زندانیان خبر ندادند. مقامات آمریکایی نخواستند در مورد اینکه آیا توقیف شدگان که در مراکز توقیف قوماندانی مشترک عملیات های خاص، از جمله مرکز توقیف موقت در بگرام، نگهداری می شوند، نهایتاً به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل خواهد شد یا خیر، اظهار نظر بکنند.¹³⁶

¹³³ با وجود اینکه توقیف شدگان سربازان بین المللی که آنها را دستگیری کرده بودند، آمریکایی عنوان کردند، این توصیف ممکن است در موارد مختلف به صورت عمومی تر برای اشاره به سربازان وابسته به نیروهای بین المللی به کار برده می شود. هرچند، عوامل متعددی این ادعاهای توقیف شدگان را اثبات می کند که نیروهای دخیل در توقیف این افراد آمریکایی بوده اند، از جمله اینکه آنها به زبان انگلیسی صحبت می کردند، که توقیف شدگان از زندانی شدن در زندان بگرام در شرایط سازگار با مرکز توقیف موقت تحت اداره قوماندانی مشترک عملیات های خاص در نزدیکی بگرام، گزارش دادند و اینکه آنها در ساحه تحت مسئولیت نیروهای ایالات متحده نگهداری می شدند.

¹³⁴ مصاحبه با مقامات ایالات متحده آمریکا، 11 جنوری 2012 (21 جدی 1390).

¹³⁵ شورا مجلسی را گویند که در ان بزرگان قومی جمع شده و برای آزادی زندانیان که در زندان بگرام بسر میبرند برای آزادی آنها تسهیلات را فراهم میکنند.

¹³⁶ مصاحبه های متعدد با مقامات آمریکایی، شهر کابل، ولایت کابل، افغانستانف نوامبر و دسامبر 2011 (عقرب - جدی 1390).

طبق تعریف توقیف شدگان از شرایط نگهداری آنها، بویژه اطاقهای کوچک یکنفری بدون کلکین، نور شدید، کمبود آب برای وضو و سروصدای که مانع خوابیدن آنها می‌شده، با شرایط توقیف در مرکز توقیف موقت تحت اداره قوماندانی مشترک عملیات های خاص یا مرکز توقیف تحقیقاتی در پایگاه هوایی بگرام یا نزدیک آن، مشابهت دارد.¹³⁷ این مرکز در نزدیکی مرکز توقیف پروان و نخستین زندان یعنی مرکز توقیف عملیات نظامی بگرام، موقعیت دارد که احتمالاً موجب سردرگمی و اشتباه می‌شود. از آنجاییکه به توقیف شدگان از محل نگهداری شان اطلاعی داده نمی‌شود، تشخیص موقعیت توقیف آنها باید بر اساس یادآوری شرایط توقیف، خصوصیات فیزیکی، نوع رفتار، تحقیقات، و سایر جزئیاتی باشد که می‌تواند به تثبیت موقعیت دقیق نگهداری آنها کمک کند. بر اساس این اطلاعات و معلومات تهیه شده درباره مراکز توقیف موقت قوماندانی مشترک عملیات های خاص در بگرام، احتمال دارد که همه چهار زندانی تحت تحقیق، مدتی را در این مرکز بسر برده باشند.¹³⁸ احتمال این امر که توقیف شدگان در مرکز توقیف پروان نیز نگهداری شده باشند، بسیار کم است.

از مجموع چهار زندانی که از مرکز توقیف تحت کنترل نیروهای ایالات متحده یا زندان سیاه به ریاست امنیت ملی منتقل شده بودند، دو نفر آن به ریاست امنیت ملی وردک، یکنفر به ریاست امنیت ملی لغمان و یکنفر به اداره 90/124 ریاست امنیت ملی کابل منتقل شده بودند. جاییکه مطابق به گزارش، آنها تحت شکنجه بشمول لت و کوب، آویزان کردن و شوک برقی قرار گرفته بودند.¹³⁹ یکی از توقیف شدگانی که به ریاست امنیت ملی ورک منتقل شده بود، در نهایت به شعبه 90/124 ریاست امنیت ملی کابل انتقال یافت، جاییکه وی ادعا می‌کند دوباره مورد شکنجه قرار گرفته است. توقیف شدگان گزارش دادند که از سوی نیروهای ایالات متحده در مرکز توقیف پروان/ زندان سیاه بین 20 روز تا شش ماه تحت توقیف بوده اند.

در دو مورد دیگر، مصاحبه شونده‌گان گفتند که آنها از سوی نیروهای ایالات متحده در مراکز توقیف موقت در ولایات محل دستگیری نگهداری و سپس به صورت مستقیم به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل شده اند، جاییکه سپس مورد شکنجه قرار گرفته اند.

دو توقیفی دیگر اظهار داشتند که آنها به صورت مستقیم از مراکز توقیف نیروهای ایالات متحده به ریاست امنیت ملی انتقال یافته اند. یکی از توقیف شدگان گفت: که وی از میدان هوایی جلال آباد مستقیماً به ریاست امنیت ملی ننگرهار انتقال داده شده و سپس به اداره 90/124 ریاست امنیت ملی کابل منتقل شده است. جاییکه به گفته خودش تحت شکنجه قرار گرفته، به شمول لت و کوب و آویزان شدن قرار گرفته است. توقیفی دیگر از مرکز توقیف نیروهای ایالات متحده در لغمان به ریاست امنیت ملی لغمان منتقل شده بود، جاییکه وی نیز تحت شکنجه هایی چون لت و کوب و شوک برقی قرار گرفته است.¹⁴⁰

هیچ یک از توقیف شدگان ادعا نکردند که در جریان توقیف در مراکز توقیف ایالات متحده مورد سوء استفاده فیزیکی قرار گرفته باشند. تعدادی از آنها یادآوری کردند که در مقایسه با رفتار مسئولین مراکز توقیف افغانستان با آنها رفتار خوبی صورت گرفته است.

در هیچ موردی، توقیف شدگان نگفتند که از سوی نیروهای ایالات متحده تفهیم اتهام شده اند و هیچ دلیل مشخصی نیز برای آزادی یا انتقال آنها از سوی نیروهای آمریکایی ارائه نشده است.

¹³⁷ توقیفی های شماره 10، 49، 57، 98، 99، 100. همچنان ر. ک. بنیاد جامعه باز، "شرایط توقیف در مراکز توقیف تحقیقاتی ایالات متحده"، یادداشت شماره 4 فوق. در مرکز توقیف پروان سلول های انفرادی نیز وجود دارد، هر چند مطابق گفته های مقامات ایالات متحده، افراد تنها به دلایل انضباطی، تهدید آنها نسبت به خودشان، یا به دلایل طبی درین سلول ها نگهداری می شوند. هیچ دلیل برای اثبات این امر وجود ندارد که یکی از این شرایط در قضایای مربوط به توقیف شدگانی که از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز با آنها مصاحبه صورت گرفت، به کار گرفته شده باشد. مصاحبه با مقامات ایالات متحده در بازدید از مرکز توقیف پروان، 11 جنوری 2012.

¹³⁸ همان

¹³⁹ مصاحبه با زندانی های شماره 98، 99، 100 و 10.

¹⁴⁰ مصاحبه با زندانی شماره 101.

یکی از توقیف شدگان که تقریباً حدود دوونیم ماه را در مرکز توقیف پروان یا مرکز توقیف موقت در پایگاه هوایی بگرام گذرانده بود، گفت: "یکی از روزها نیروهای آمریکایی آمدند و گفتند می خواهند مرا آزاد کنند، و گفتند آنها مرتکب اشتباه شده بودند. من فکر کردم که آنها مرا آزاد خواهند کرد، ولی در عوض مرا به ریاست امنیت ملی تحویل دادند. در ابتدا، خیلی خوشحال بودم، فکر کردم آزاد خواهم شد اما ندانستم که این تازه آغاز کار بود¹⁴¹". زندانی دیگری که در مرکز توقیف پروان / زندان سیاه نگهداری شده بود، بیان داشت که نیروهای ایالات متحده به وی گفتند او تبرئه شده و آزاد خواهد شد. "مترجم آمد و گفت خبر خوشی برایت دارم، تحقیقات پایان یافته و شما آزاد خواهید شد. گفتم شوخی می کنی؟ گفت نه، نیروهای آمریکایی روی این موضوعات شوخی نمیکنند." اما وی عوض اینکه رها گردد، به ریاست امنیت ملی وردک در میدان شهر تحویل داده شد. " آنها تحقیقات را دوباره آغاز کردند. گفتم: ببینید، من یک بار از سوی نیروهای آمریکایی مورد تحقیق قرار گرفته ام، من کسی نیستم که شما در جستجوی او هستید¹⁴²" اما هفته بعد، وی به طور مکرر به صورت معکوس از سقف آویزان و با کیبل های برقی، دسته چوب، و میله های فلزی مورد لت و کوب قرار گرفت.

توقیف شدگان انتقالی در معرض شکنجه

در همه موارد ششگانه فوق که افراد از مراکز توقیف ایالات متحده به صورت مستقیم به ریاست امنیت ملی منتقل شده بودند، مصاحبه شوندهگان گفتند: که هم افغانها و هم آمریکاییها هنگام حمله حضور داشتند و آنها در مراکز توقیف تحت کنترل نیروهای ایالات متحده نگهداری میشدند؛ جاییکه آنها برای دوره کوتاهی مورد تحقیق قرار گرفتند. نخستین مورد دستگیر (تقریباً) در ماه می سال 2010 (ثور 1389) و آخرین مورد در ماه می سال 2011 (ثور 1390) میلادی اتفاق افتاد. همه شش توقیفی که از سوی نیروهای آمریکایی به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منتقل شده بودند اشکالی از بد رفتاری را گزارش دادند که با گفته های سایر توقیفی هایی که در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی نگهداری شده بودند، همچون آویزان کردن، لت و کوب، شوک های برقی و محرومیت از مراقبت های طبی، همسان بود. هر شش مورد فوق در یک و نیم سال اخیر اتفاق افتاده است.

دو نفر از توقیف شدگان گفتند که هنگام که در ریاست امنیت ملی وردک تحت توقیف بودند، آویزان شدن شده بودند¹⁴³. در هر دو مورد، پاهای زندانیان با ریسمان بهم بسته شده بود و با یک پولی (چرخ) از روی سقف آویزان شده بود. توقیف شدگان با پاهایشان بصورت معکوس از سقف آویزان و مورد لت و کوب قرار گرفته بودند. توقیفی دیگر گزارش کرد که در اداره 90/124 ریاست امنیت ملی کابل آویزان شده بود. او گفت که بصورت معکوس با زنجیرهایی که به زولانه های اطراف پاهای او وصل بود، و با پیپهای پلاستیکی پی وی سی مورد لت و کوب قرار گرفته بود¹⁴⁴.

همه شش زندانی از لت و کوب چندین مرتبه ای در دوره های مختلف از یک هفته تا چندین ماه، خبر دادند. شیوه ها و ابزارهای متعدد از جمله لگد، سیلی و مشت، پیپهای لاستیکی، کیبل برقی، دسته چوبی و میله های فلزی برای لت و کوب به کار گرفته شده بود. توقیف شدگان گفتند چندین قسمت از بدنشان، از جمله پاهای، پشت، سر، و کف پاها مورد لت و کوب واقع شده است. آنها به حالت های مختلف، از جمله در حالت ایستاده، نشسته، بسته شده به چوکی، آویزان شده از سقف و خوابیده با شکم بروی اطاق یا تخت خواب، مورد لت و کوب قرار گرفته بودند. دو نفر از شش توقیفی توضیح دادند که دست هایشان بسته شده بودند و کارمندان ریاست امنیت ملی پاهای شانرا به پیش روی شان کش کرده بود. که در یکی از موارد به یک میله بسته شده بود و بر کف پاهای آنها می کوبیدند¹⁴⁵.

"آنها مرا روزدوبار، یکبار صبح و یکبار شام لت و کوب میکردند، بر بازوها، پاها و پشت من می کوبیدند. آنها از دسته چوب، کیبل برقی و میله های فلزی استفاده می کردند. اگر آثار لت و کوب و شلاق را میدیدید، حتی میتوانستید

¹⁴¹ مصاحبه با زندانی شماره 99

¹⁴² مصاحبه با زندانی شماره 98

¹⁴³ مصاحبه با زندانی های شماره 98 و 99

¹⁴⁴ مصاحبه با زندانی شماره 100

¹⁴⁵ مصاحبه با زندانی های شماره 100 و 101.

تفاوت میان آنها را ببینید، میتوانستید تشخیص دهید که کدام اثرچوب است، کدام از کیبل و کدام يك از میله فلزی.¹⁴⁶

دو نفر از توقیف شدگان خبر دادند که در معرض شوک برقی قرار گرفته بودند. "آنها دستان مرا می پیچیدند و مرا به چوکی می بستند و گیره ها را به دو انگشت بزرگ پاهایم میبستند و بعد از آن ماشین برق را فعال میکردند و ما را شوک میدادند. بسیار سخت بود و ما از شدت درد فریاد می کشیدیم."¹⁴⁷ یک زندانی دیگر با توصیف درد شوک برقی گفت: "احساس میکردم نیمه مرده ام. همه بدنم می لرزید و قلبم با تندی می تپید. اما نمیتوانستم حرکت کنم یا حرف بزنم."

پس از انتقال به ریاست امنیت ملی، هیچ یک از شش فردتوقیف شده هرگز تفهیم اتهام نشدند و نه در برابرقاضی قرار گرفتند. از آنجاییکه توقیف شده ها درحین نگهداری در مراکز توقیف نیروهای ایالات متحده با خانواده هایشان هیچ تماس نداشتند یا تماس محدود داشتند، انتقال آنها به ریاست امنیت ملی به معنی این بود که باید ماه های بیشتری را در مرکز توقیف بدون کدام ارتباط و بدون سرنوشت بسر ببرند که این یک نقض آشکار حقوق بنیادی زندانیان برای داشتن تقاضاهای قانونی میباشد که در نتیجه خطر شکنجه را نیز افزایش میدهد. خانواده های توقیف شدگان در مورد شرایط یا محل نگهداری آنها هیچ اطلاعی نداشتند. درد مورد، حتی زمانیکه اعضای خانواده توقیف شدگان توانستند موقعیت نگهداری آنها را کشف کنند، بنا به گزارش، مجبور بودند برای آزادی آنها به کارمندان ریاست امنیت ملی رشوت پرداخت کنند.

یکی از توقیف شدگان گفت وی قبل از انتقال به ریاست امنیت ملی کابل تقریباً شش ماه در مرکز توقیف در "بگرام" نگهداری میشد و سپس سه ماه دیگر در ریاست امنیت ملی کابل نگهداری شد. این حادثه قبل از آزاد شدن وی از ریاست امنیت ملی اتفاق افتاده بود. وی پس از آن کنار یکی از سرک های اصلی بیرون از مرکز توقیف رها و هزار افغانی (معادل 20 دالر) به وی داده شد تا بتواند پس از تقریباً نه ماه توقیف، با خانواده خویش تماس بگیرد و موقعیت خویش را به آنها اطلاع دهد. او همچنان گفت: "خانواده ام از من هیچ خبر و اطلاعی نداشت، نمیدانستند من کجا بودم، آیا در بگرام بودم، یا در ریاست امنیت ملی یا کابل و یا کدام جای دیگر... وقتیکه خارج شدم نمی دانستم کجا هستم. در يك قسمتی از کابل بودم اما شهر را به خوبی بلد نبودم. راه رفتن برایم بسیار مشکل بود. گنج و سردرگم بودم... مردم مرا یافتند و پس از آنکه برای آنها گفتم چه اتفاق برایم رخ داده آنان مرا به رستوران بردند، غذا و جای دادند. به برادرم تلفون کردم و گفتم تا بیاید و مرا پیدا کند... او به گریه کردن شروع کرد"¹⁴⁸

این قضایا یک عمل احتمالی را نشان میدهد که در آن نیروهای ایالات متحده افراد را توقیف کرده، آنانرا از یکدیگر جدا نموده، مورد تحقیق قرار داده و سپس تعدادی از آنها را به توقیفگاه های افغانستان انتقال میدهند که در شکنجه دست دارند. در چهار قضیه که همکاران ما تحقیق کرده اند، توقیف شدگان به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی انتقال و شکنجه شده اند، جاییکه نیروهای بین المللی کمک به امنیت انتقال توقیف شدگان را به آنجا بعد از نشر گزارش شکنجه و بدرفتاری به شمول ریاست امنیت ملی لغمان و شعبه 90/124 متوقف ساخته است.

انتقال توقیف شدگان تحت کنترل نیروهای آمریکایی به ریاست امنیت ملی قندهار علیرغم تعلیق انتقال از سوی نیروهای آیساف/نیروهای آمریکایی در افغانستان

دست اندرکاران این تحقیق یازده قضیه تازه و معتبر را مستند سازی کرده اند که در آن افراد توسط نیروهای ایالات متحده توقیف و سپس علیرغم امریه مؤرخ ماه جولای 2011 (سرطان 1390) آیساف مبنی بر تعلیق انتقال به دلیل گزارش های بدرفتاری با زندانیان، به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل شده اند. تازه ترین انتقال در ماه جدی 1390 (جنوری 2012) گزارش شده است.

¹⁴⁶ مصاحبه با زندانی شماره 98

¹⁴⁷ مصاحبه با زندانی شماره 99

¹⁴⁸ مصاحبه با زندانی شماره 98

در ماه جولای 2011 (سرطان 1390)، در پاسخ به گزارش های بدرفتاری با توقیف شدگان، قوماندانی نیروهای بین المللی کمک به امنیت و نیروهای ایالات متحده در افغانستان (USFOR-A) امریه بی را مبنی بر تعلیق همه انتقالات توقیف شدگان به ریاست امنیت ملی صادر کرد. مطابق اظهارات مقامات نیروهای آیساف و ایالات متحده، این فرمان هنوز حاکم است و همه نیروهای ایالات متحده تحت فرمان آیساف و قوماندانی نیروهای ایالات متحده در افغانستان از انتقال توقیف شدگان به ریاست امنیت ملی قندهار منع شده اند.¹⁴⁹

هرچند، دست اندرکاران این گزارش با یازده نفر از توقیف شدگان مصاحبه کرد که با وجود اعلام امریه بی تعلیق توسط نیروهای آمریکایی توقیف و سپس به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل شده بودند. همه این انتقالات از ماه سپتامبر سال 2011 (سنبله 1390) میلادی به بعد صورت گرفته است. توقیف شدگان گفتند که آنها از سوی "آمریکایی ها" یا "نیروهای ایالات متحده" یا "نیروهای خاص ایالات متحده" و گاهی هم "نیروهای خارجی" توقیف و قبل از انتقال به ریاست امنیت ملی قندهار، برای 1-2 روز نزد خودشان نگهداری شده بود. پنج نفر از توقیف شدگان گفتند که آنها در "خانه ملا عمر" نگهداری شده بودند.

پایگاه نظامی ماهولیک که با نام قبلی "کمپ گیکو" نیز یاد میشود، به "خانه ملا عمر" شهرت دارد، که این اشاره به گذشته معروف این محل به عنوان اقامتگاه ملا عمر رهبر طالبان، میباشد. این محل سالهاست که از آن به عنوان پایگاه نیروهای استخبارات مرکزی آمریکا (CIA) و نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده که در قندهار مستقر اند، استفاده میشود.¹⁵⁰ گفته میشود که نیروهای افغان به شمول واحد شبه نظامی که به "نیروی ضربتی قندهار" مشهور است، نیز در این پایگاه مستقر اند. طبق گزارشها، نیروی ضربتی قندهار از سوی نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده و مامورین سی آی ای تشکیل و آموزش داده شده و تنگاتنگ با نیروهای ویژه و مامورین استخبارات ایالات متحده در اجرای حملات و سایر عملیاتها علیه شورشیان همکاری میکنند.¹⁵¹

یکی از توقیف شدگان که از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر مصاحبه شد گزارش داد که وی از سوی امریکایی ها توقیف شده بود و در حضور نیروهای ایالات متحده توسط نیروهای افغان در پایگاه نظامی ماهولیک مورد بدرفتاری قرار گرفت. "من در خانه ملا عمر بودم. آنها چشمانم را بستند و برای چند ساعت مرا در یک چوکی نشاندهند. پس از یک لحظه سکوت، ناگهان از پشت سر شلاق ها بر سر و پشتم فرود آمدند، برای یک ساعت مرا لت و کوب کردند. آنها از من می خواستند بگویم با چه کسانی ارتباط دارم. همه کسانی که مرا مورد لت و کوب قرار دادند، افغان بودند. هرچند این لت و کوب در حضور آمریکاییها رخ داد. نیروهای افغان در حضور آمریکاییها مرا لت و کوب کردند."¹⁵² باید یاد آور شد که مصاحبه کننده گان ادعایی دیگری را مبنی بر اینکه نیروهای ایالات متحده در حین بدرفتاری با توقیف شدگان حاضر بوده باشند، دریافت نکرده اند و این ادعا به صورت مستقل تایید نشده است.

توقیفی دیگر گزارش داد که وی در جریان هجوم بر خانه اش از سوی نیروهای ایالات متحده دستگیر و به محلی که وی فکر میکند "خانه ملا عمر" بوده باشد، منتقل و از سوی افسران افغان در آنجا مورد لت و کوب قرار گرفت.

¹⁴⁹ مصاحبه با مقام نیروهای بین المللی کمک به امنیت، شهر کابل، ولایت کابل، 11 دسامبر 2011 (20 قوس 1390).

¹⁵⁰ مصاحبه با منابع معتبر، 20 دسامبر 2011 (29 قوس 1390)، تصدیق می کند که کارمندان استخبارات و نیروهای ویژه ایالات متحده برای سال ها خارج از این مرکز عملیات کرده است، آموزش نیروهای افغان و همکاری با آنها در مورد حملات شبانه و سایر عملیات ها. همچنان ر.ک. "نیروهای ویژه ایالات متحده از پایگاه سابق طالبان استفاده می کنند"، فاکس نیوز، 1 فیبروری 2007 (12 دلو 1385)، <http://www.foxnews.com/story/0,2933,249501,00.html>؛ دیکستر فیلکینس، مارک مازینی، و جیمز رایزن، "گفته می شود برادر رییس جمهور افغانستان از سوی CIA معاش می گیرد"، نیویارک تایمز، 27 اکتوبر 2009 (5 عقرب 1388)، <http://www.nytimes.com/2009/10/28/world/asia/28intel.html?pagewanted=all>؛ سازمان عفو بین الملل، مصونیت پس از آدم کشی؟ معافیت نیروهای بین المللی در افغانستان، فیبروری 2009 (دلو 1388)، http://www.es.amnesty.org/uploads/media/Kandahar.Getting_away_with_murder_01.pdf ص 7-10؛ جولوس کاوندیش، "پس از خروج نیروهای ایالات متحده، آیا CIA روی سربازان مزدور افغان تکیه خواهد کرد؟"، کریستین ساینس مانیتور، 16 نوامبر 2011 (25 عقرب 1390)، [http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2011/1116/After-the-US-pulls-out-will-CIA-rely-more-on-Afghan-mercenaries/\(page\)/2](http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2011/1116/After-the-US-pulls-out-will-CIA-rely-more-on-Afghan-mercenaries/(page)/2).

¹⁵¹ همان

¹⁵² مصاحبه با زندانی شماره 61

"آنها چشمانم را بستند و بعد جایی بردند که فکر میکنم خانه ملا عمر بود، جاییکه من به گونه وحشتناکی از سوی سربازان و مامورین افغان مورد لت و کوب قرار گرفتم و شکنجه شدم. آنها با چیزی شبیه کیبل بر پاها، ران ها و پشت من می کوبیدند... لت و کوب برای چند ساعت ادامه یافت تا زمانی که احساس کردم پشت و پاهایم بی حس شده و پاها و کف پاهایم از درد می سوزد. آنها با مشت و لگد نیز مرا لت و کوب کردند و روز بعد مرا به ریاست امنیت ملی انتقال دادند."¹⁵³ وی گفت در جریان توقیف در مرکز توقیف ریاست امنیت ملی با وی بدرفتاری نشده است. در زمان مصاحبه، آثار لت و کوب بر پشت و پاهای وی قابل دید بود. تعدادی از توقیف شدگان گفتند که قبل از انتقال به ریاست امنیت ملی قندهار، در مرکز توقیف نیروهای ایالات متحده برای 1-2 شب با آنها با خوبی رفتار شده است.

چهار توقیفی که از سوی نیروهای ایالات متحده به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل شده بودند، از شکنجه خویش توسط ماموران ریاست امنیت ملی خبر دادند. یکی از توقیف شدگان گفت: "من به شدت با کیبل بر سر و گردنم مورد لت و کوب قرار گرفتم. به من پابند زده بودند و پابند ها را به برق وصل کردند و تا زمانی که بیهوش شدم مرا شوک دادند... آنها همچنان با شدت بر پشت و کمرم کوبیدند؛ در نتیجه دست چپم هنوز درد دارد و حتی زبانم از شوک برقی به شدت آسیب دیده."¹⁵⁴ سه توقیفی دیگر از لت و کوب شان پس از انتقال از مرکز توقیف نیروهای ایالات متحده، توسط کیبل های برقی از سوی مامورین ریاست امنیت ملی خبر دادند.

در پاسخ به سوالات ما راجع به این قضایا، مقامات نظامی ایالات متحده گفتند که "هیچ فرد توقیف شده ای از سوی نیروهای بین المللی کمک به امنیت و نیروهای ایالات متحده در افغانستان، به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل نشده است" و فرمان تعلیق انتقال افراد به ریاست امنیت ملی قندهار در جمع سایر مراکز مربوط به قوماندانی محلی در جنوب، هنوز هم نافذ است.¹⁵⁵ مصاحبه با توقیف شدگان و نیز پاسخ نیروهای ایالات متحده به پرسش های دست اندرکاران این گزارش حاکی از آن است که ممکن است تعدادی از نیروها یا ماموران ایالات متحده، شاید به شمول ماموران CIA یا سایر ماموران استخباراتی ایالات متحده، خارج از چارچوب قوماندانی نیروهای آیساف و نیروهای آمریکایی در افغانستان در قندهار مصروف عملیات باشند که افراد را توقیف و به ریاست امنیت ملی قندهار انتقال میدهند.

این انتقالات علیرغم نگرانی های گسترده و دیرینه درباره شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان در ریاست امنیت ملی قندهار، انجام می شود. نیروهای آیساف و ایالات متحده انتقال توقیف شدگان به ریاست امنیت ملی را در ماه جولای 2011 (سرطان 1390) نخست در قندهار ممنوع اعلام کردند. آنها سالها قبل، گزارشهایی را در باره بدرفتاری با توقیف شدگان از ناظران مستقل دریافت کرده بودند. بریتانیا انتقال توقیف شدگان به ریاست امنیت ملی قندهار را در ماه جنوری 2011 (جدی 1389) ممنوع قرار داد. ناظرین کمیسیون حقوق بشر 10 موارد معتبر از شکنجه را در امنیت ملی قندهار به تازه گی در ماه جدی 1390 (جنوری 2012) ثبت نموده است که اشاره به مشکل جدی تداوم شکنجه میکند.

دلایل قانع کننده بی وجود دارد که با وجود تصدیق خطر آشکار شکنجه و شواهد حاکی از شکنجه توقیف شدگانی که از سوی نیروهای ایالات متحده یا کارمندانشان به ریاست امنیت ملی قندهار منتقل شده بودند، باز هم دست کم تعدادی از ماموران ایالات متحده انتقال افراد را به ریاست امنیت ملی قندهار، ادامه داده اند.

مهم این است که پالیسی انتقال از سوی همه نیروها و ادارات ایالات متحده واضح ساخته شده و آنها مکلفیت های شان را مبنی بر خودداری از انتقال توقیف شدگان به مراکزی که در آنجا خطر شکنجه موجود است، ادا نمایند. اما این امر مبهم است که آیا پالیسی ایالات متحده انتقال توقیف شدگان از مرکز توقیف قوماندانی مشترک عملیات های خاص و سایر مراکز توقیف موقت یا از نیروها و ماموران ایالات متحده که خارج از چوکات آیساف و نیروهای آمریکایی در افغانستان عمل میکنند، به ریاست امنیت ملی و اینکه این انتقال در چه شرایطی مجاز است، اجازه میدهد.

¹⁵³ مصاحبه با زندانی شماره 63

¹⁵⁴ مصاحبه با زندانی شماره 62

¹⁵⁵ مصاحبه با مقامات آیساف/ایالات متحده، شهر کابل، ولایت کابل، 11 دسامبر 2011 (20 قوس 1390)

فقدان برنامه نظارت بر توقیف شدگان تحت کنترل نیروهای ایالات متحده

علی رغم تعداد بلند توقیف شدگانی که از سوی نیروهای ایالات متحده به مراکز توقیف افغانستان منتقل شده است، ایالات متحده هنوز کدام برنامه نظارتی را برای اطمینان از مصونیت توقیف شدگان از خطر واقعی شکنجه، تطبیق نکرده است. در حالیکه ایالات متحده در برنامه پیشنهادی نیروهای بین المللی کمک به امنیت برای نظارت بر توقیف شدگان دارای موقف میباشد، این اصل برنامه نظارتی نیروهای آیساف توقیف شدگانی را که از سوی نیروهای آمریکایی خارج از چوکات آیساف انتقال داده شده است، تحت پوشش قرار نمی دهد، یک شکاف بارز میباشد. بخصوص در ارتباط با نیروهای ویژه آمریکایی تحت فرماندهی نیروهای مشترک عملیات های خاص افغانستان (CFSOCC-A) که تعداد زیادی از عملیات های دستگیری را پیش برده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همچنان از انتقال توقیفی ها که توسط ایالات متحده انتقال داده میشوند بیخبر میباشد بنا زندانیان به صورت گسترده از پوشش یک میکانیزم مشخص نظارتی بیرون باقی میمانند.

ایالات متحده تنها کشور عضو آیساف است که دارای مرکز توقیف درازمدت در پروان است. در سال های اخیر، ایالات متحده بهبود قابل ملاحظه ای را در پالیسی ها و رویه های مربوط به توقیف اعمال کرده است، خصوصاً با تامین شرایط مناسب توقیف در مرکز توقیف پروان و اطمینان از اینکه توقیف شدگان از بدرفتاری ها مصون اند.¹⁵⁶ با ایجاد هیئت بررسی توقیف شدگان، تکمیل مراحل قانونی برای توقیف شدگان اندکی بهبود یافته است، اما به دلیل اینکه توقیف شدگان هنوز از فرصت کافی برای به چالش کشیدن دلایل دستگیری شان بهره مند نیستند، نگرانی های جدی درین مورد همچنان باقی است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بنیاد جامعه باز از فرصت ایجاد شده برای بازدید از مرکز توقیف پروان و تشکیل هیئت بررسی توقیف شدگان استقبال کرده است زیرا حکومت ایالات متحده فرصت دسترسی به توقیف شدگان را فراهم ساخته و بنیاد جامعه باز به صورت مطلوب روی برخی از موضوعات مربوط به توقیف با مقامات ایالات متحده سهم گرفته است.¹⁵⁷

هرچند، میزان پیشرفت ایالات متحده در اطمینان از حفاظت حقوق توقیف شدگان انتقالی بصورت مایوس کننده، بسیار ناچیز بوده است. همچنان ایجاد برنامه نظارتی ایالات متحده برای اطمینان از اینکه توقیف شدگان انتقالی در معرض شکنجه قرار ندارند، نا امید کننده میباشد. در سال 2009، یک گروه کاری بین السازمانی در مورد پالیسی های تحقیق و انتقال سفارش کرد تا وضعیت توقیف شدگان انتقالی به صورت فیزیکی تحت نظارت قرار بگیرد.¹⁵⁸ در ماه فیبروری 2010 (دلو 1388)، وزارت خارجه ایالات متحده پیشنهاد داد تا برنامه نظارت بر توقیف شدگان که نه تنها تعداد بزرگ شان از سوی ایالات متحده به مراکز توقیف افغانستان انتقال میگردد راه اندازد بلکه گزارش های سازمان های غیر دولتی مبنی بر شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان در مراکز توقیف افغانستان را نیز یاد آوری کرد.¹⁵⁹

یکی از مقامات حکومتی ایالات متحده به دست اندرکاران این گزارش گفت که ایالات متحده هم اکنون برای ایجاد یک برنامه نظارتی تحت رهبری سفارت آن کشور جهت نظارت بر توقیف شدگان انتقالی، در حال مذاکره با

¹⁵⁶ در ده سال گذشته، بهبود چشمگیری در رفتار با توقیف شدگان در مراکز توقیف ایالات متحده به وجود آمده است. در حالیکه هنوز هم حقوق اساسی توقیف شدگان برای داشتن تشریفات قانونی نقض می شود، ادعاهای اندکی در مورد بدرفتاری در مرکز توقیف پروان دریافت شده است، خصوصاً در سال های اخیر. این امر با گزارش های مبنی بر بد رفتاری جدی و وقوع مرگ در مراکز توقیف نیروهای ایالات متحده در سال های نخست توقیف افراد از سوی نیروهای ایالات متحده در افغانستان، در تضاد است، بخصوص در مرکز توقیف نظامی بگرام (BTIF) قبل از سال 2006. ر.ک. تیم گولدن، "در گزارش ایالات متحده، جزئیات وحشتناک مرگ دو زندانی افغان"، نیویارک تایمز، 20 می

2005، <http://www.nytimes.com/2005/05/20/international/asia/20abuse.html?pagewanted=all>، هیلاری

اندرسون، "بدرفتاری با زندانی های افغان در زندان مخفی در پایگاه هوایی بگرام"، اخبار بی بی سی، 15 اپریل، 2010.

¹⁵⁷ راپور جاناتان هوارتز "قوانین جدید توقیف نشان دهنده مشکلات و امیدواری ها" 20 اپریل 2010 (31 ثور 1389).

¹⁵⁸ وزارت عدلیه ایالات متحده، "گروه کاری ویژه در مورد پالیسی های بازجویی و انتقال، پیشنهادات خویش را به رییس جمهور ارائه می کند"، 24 اگست 2009، <http://www.835.ag/09-August/2009/pr/opa/gov.justice.www://http>.

¹⁵⁹ وزارت خارجه ایالات متحده، سند محرم، "استراتژی پیشنهادی نظارت بر توقیف شدگان افغان"، یادداشت 108 فوق.

حکومت افغانستان است¹⁶⁰. طبق گفته های وی، مذاکرات در جریان است و تا حدودی پیشرفت داشته است¹⁶¹. هرچند، ایالات متحده در گذشته موافقتنامه هایی را در مورد نظارت پس از انتقال با حکومت افغانستان امضا کرده است، اما تا کنون در تطبیق آن ناکام بوده است¹⁶². در حالیکه امضای موافقت نامه میان حکومت های ایالات متحده و افغانستان در مورد پلان نظارت بر توقیف شدگان یک گام مثبت پنداشته میشود آنچه مهم است تطبیق آن است.

واضح است که ایالات متحده در تطبیق این نوع برنامه ها با چالش های زیادی مواجه است زیرا بسیاری آنها اصولاً با چالش های فراروی سایر کشورهای عضو آیساف متفاوت است. ایالات متحده بمراتب افراد بیشتری را نسبت به سایر کشورهای عضو آیساف دستگیر و به تعداد زیادی از مراکز توقیف افغانستان که در بخش های مختلف کشور موقعیت دارد، انتقال میدهد. بسیاری از توقیف شدگان متعاقباً میان نهادهای حکومتی و مراکز توقیف متعدد افغانستان تبادل می شود. با وجود این، ایالات متحده همانند هر عضو دیگر آیساف دارای مکلفیت قطعی و تام حقوقی است که نباید هیچ توقیفی بی را تحت شرایطی که در آن در معرض خطر واقعی شکنجه قرار میگیرد، انتقال دهد.

اینکه پیشرفت ایالات متحده در طرح تطبیق برخی از اشکال نظارت، همانند سهم گیری آن کشور در ایجاد برنامه آیساف برای نظارت بر توقیف شدگان، یک گام مثبت است، اما با وجود آن، نگرانی ها هنوز هم وجود دارد که آیا برنامه نظارت ایالات متحده، خواه یک برنامه ویژه از سوی آن کشور یا به عنوان بخشی از برنامه کشورهای عضو آیساف، خواهد توانست مکلفیت های حقوقی آن کشور را برآورده سازد. برنامه پیشنهادی ایالات متحده مانند برنامه سایر کشورها، افراد را که به مراکز توقیف انتقال یافته اند، تک تک تحت نظارت قرار نخواهد داد. در عوض، این برنامه پیشنهادی خواستار انجام مصاحبه با گروهی از توقیف شدگان به عنوان نمونه میباشد. تشویش وجود دارد که این طور نظارت ها باعث ایجاد سیستم دو گانه شود که با توقیف شده گان که توسط ایالات متحده انتقال یافته اند برخورد امتیازی صورت گیرد - خطر مشابهی که در پروگرام نظارت آیساف و دیگر پروگرامهای نظارتی که فقط متمرکز به نظارت از توقیف شده گان انتقالی میباشد. با در نظر داشت تعداد توقیف شدگان و مراکز توقیف که باید تحت نظارت قرار بگیرد و نیز تعداد دفعات (*Frequency*) بازدید، لازم به منابع عمده و اصلی، به شمول تعداد کافی ناظران با تجربه و نیز منابع ترانسپورتی و امنیت لازم برای انجام بازدیدهای منظم، برای نظارت بر توقیف شدگان اختصاص داده شده است.

با در نظر داشت گزارش های گسترده در مورد شکنجه و بدرفتاری و نیز ضعف و ناتوانی مستند سایر برنامه های نظارت بر توقیف شدگان، این هنوز هم مبهم است که آیا برنامه نظارت ایالات متحده که از پشتیبانی قوی و منابع کافی برخوردار است برای اطمینان از مصونیت توقیف شدگان انتقالی در برابر شکنجه کافی خواهد بود. به علاوه، ایالات متحده با تعهد به ایفای نقش قوی در همکاری با حکومت افغانستان جهت بهبود حاکمیت قانون، مکلفیت گسترده تری به عهده دارد تا اطمینان یابد که زندانی ها در معرض شکنجه قرار ندارند. سر انجام ایالات متحده اقدامات برای مطمئن شدن از اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که در قانون اساسی دارای صلاحیت نظارت از تمامی توقیف شدگان میباشد و برخوردار از دسترسی عام و تام بدون قید به محلات سلب آزادی باشد، بردارد.

قضایای سوء رفتار و شکنجه که در این گزارش مستند سازی شده است مشخص میسازد که لازم به چنین تلاشهای عاجل میباشد تا که ایالات متحده برای رعایت تعهدات حقوقی اش هیچگاه توقیف شدگان را مواجه به خطر شکنجه واقعی نسازد

¹⁶⁰ مصاحبه با یکی از مقامات وزارت خارجه آمریکا، شهر کابل، ولایت کابل، 11 دسامبر 2011.

¹⁶¹ همان

¹⁶² همان

VII. نقض حق داشتن مراحل قانونی (Due Process)

تحقیقات انجام شده نشان میدهد که کارمندان ریاست امنیت ملی به صورت منظم حق داشتن مراحل قانونی توقیف شدگان منازعه را نقض می کنند، که در آن افراد را بدون اتهام و دسترسی به وکیل مدافع و بدون ارتباط با بیرون در معرض توقیف طولانی مدت قرار میدهند.¹⁶³ نقض حقوق بنیادی و طی مراحل قانونی خطر شکنجه را به گونه قابل ملاحظه افزایش میدهد. رسیدگی به موارد نقض طی مراحل قانونی، خصوصاً فقدان دسترسی به وکیل مدافع و اعضای خانواده، می تواند آسیب پذیری توقیف شدگان را در برابر شکنجه تا حد زیادی کاهش دهد، و باید به عنوان یک اولویت برای حکومت افغانستان و نیروهای بین المللی محسوب شود.

ریاست امنیت ملی افغانستان به اساس يك فرمان ریاست جمهوری (باوجود درخواست های مکرر نهاد های ملی و بین المللی حقوق بشر، نه به دسترس مردم قرار گرفته و نه نشر شده است) فعالیت میکند.¹⁶⁴ این حالت ابهام، نظارت و حسابدهی مؤثر را تضعیف و احتمال بدرفتاری را افزایش می دهد. با وجود ماهیت مرموز برخی از قوانین حاکم بر فعالیت های ریاست امنیت ملی، در قوانین نافذ افغانستان چون قانون اساسی، قانون جزای افغانستان، اصول محاکمات جزایی موقت (ICPC) و نیز کنوانسیون های بین المللی که افغانستان عضو آن است، مجموعه ای از حقوق بنیادی برای توقیف شدگان تضمین شده است.¹⁶⁵

کمیسیون مستقل حقوق بشر و جامعه باز نسخه منتشر نشده قانون امنیت ملی را که بنا به گزارش، صلاحیت های ریاست امنیت ملی را تعیین میکند، بررسی نموده است.¹⁶⁶ اگرچه قانون امنیت ملی، صلاحیت "سازماندهی، دستگیری و توقیف را مطابق با مفاد قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به ریاست امنیت ملی اعطا میکند"، ولی هیچ گونه احکامی در قانون وجود ندارد که بر اساس آن ریاست امنیت ملی بتواند افراد را بیشتر از 72 ساعت در توقیف قرار داده و آنها را بدون ارتباط نگهدارد و یا مانع دسترسی آنها به وکیل مدافع شود، و یا هر یک از حقوق مربوط به طی مراحل حقوقی آنها که تحت قانون اجراء جزایی و قانون اساسی به آنها اعطا شده است را نقض کند.

مصاحبه های انجام شده با توقیف شدگان و وکلای مدافع و نیز یافته های یوناما تایید می کند که کارمندان ریاست امنیت ملی به طور منظم توقیف شدگان را بیش از 72 ساعت محدودیت زمانی که در اصول محاکمات جزایی موقت تعیین شده در توقیف نگه داشته، افراد را از اطلاع دهی به اعضای خانواده های شان و دسترسی به وکیل مدافع منع می دارند.¹⁶⁷ وکلای مدافع دایما از شرکت در جلسات تحقیق منع و گاهی مورد تهدید قرار میگیرند.

¹⁶³ مصاحبه با توقیف شدگان در قندهار نشان می دهد که پلیس ملی افغانستان نیز در قبال نقض حقوق تشریفات قانونی توقیف شدگان منازعه در آن ولایت، مسئول است. توقیف در مراکز بدون وسایل ارتباطی به معنی این است که فرد توقیف شده نمی تواند با هیچ کسی بجز دستگیرکنندگان یا شاید هم سلولی های خویش ارتباط بگیرد و اجازه داده نمی شود با جهان خارج از محل توقیف یا حبس خویش تماس بگیرد. ر.ک. نیگل رودلی، رفتار با زندانیان در قوانین بین المللی، ویرایش دوم، اکسفورد: مطبوعه کلاریندون (ویرایش 1999)، ص 334.

¹⁶⁴ قانون امنیت ملی، نشر مؤرخ 4 نوامبر 2001 (13 عقرب 1380) توسط یک فرمان منتشر نشده ریاست جمهوری (فرمان شماره 89، 13/12/1380) ماده 6. همچنان نک. یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 41. همچنان ر.ک. سازمان عفو بین الملل، افغانستان: انتقال توقیف شدگان به شکنجه گاه، یادداشت 102 فوق.

¹⁶⁵ همچنان نک. میثاق بین المللی حقوق مدنی - سیاسی (ICCPR)، که دولت افغانستان در ماه اپریل 1983 (12 حمل 1362) به عضویت آن درآمد، <http://www2.ohchr.org/english/law/ccpr.htm>.

¹⁶⁶ قانون امنیت ملی، صادر شده توسط فرمان منتشر نشده ریاست جمهوری (فرمان شماره 89، 13/12/1380)، ماده 6. همچنین به "توقیف شدگان مربوط به منازعه در زندان افغانستان، یوناما" نظر اندازید. یادداشت 3، ص 41. همچنین سازمان عفو بین الملل، افغانستان: توقیف شدگان منتقل شده به شکنجه، یادداشت 102.

¹⁶⁷ اصول محاکمات جزایی موقت، جریده رسمی شماره 820 (25 فبروی 2004) [درین سند، به نام "اصول محاکمات جزایی موقت (ICPC)" یاد می شود]، ماده 31، 34 و 36. موضوع عمده دیگر عدم توانایی توقیف شدگان برای به چالش کشیدن غیر قانونی بودن توقیف شان در حضور قاضی، و دلایل نامشخص حقوقی برای توقیف پیش از اتهام و پیش از محاکمه است. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2.

ریاست امنیت ملی هم در هنگام توقیف و هم در هنگام تحقیق از زور استفاده میکند، در محیطی که اساساً حاکمیت قانون و ظرفیت در آن ضعیف است، و این میزان خطر بدرفتاری را افزایش می دهد. انجام تحقیقات، مسئولیتی است که مطابق به قوانین افغانستان به طور عادی در اختیار سارنوالان قرار دارد. به صورت عموم، داشتن همزمان صلاحیت توقیف و تحقیق از سوی عین مقامات دولتی، خطر نقض حقوق توقیف شدگان و شکنجه آنها در مراکز توقیف را افزایش می دهد¹⁶⁸.

توقیف قبل از محاکمه ناقض محدودیت زمانی قانونی است

علاوه بر مصاحبه با توقیف شدگان و وکلای مدافع، مستند سازی از سوی سایر سازمان ها، به صورت واضح نشان می دهد که ریاست امنیت ملی به طور منظم توقیف شدگان را به منظور تحقیق با گذشت 72 ساعت زمان قانونی تعیین شده توسط قوانین افغانستان، در توقیف نگه می دارد¹⁶⁹. تعداد زیادی از توقیف شدگانی که تهیه برای این گذارش مصاحبه شدند، اظهار داشتند که بیشتر از 72 ساعت، حتی بسیاری از آنها برای چندین هفته و یا ماه ها توسط ریاست امنیت ملی تحت توقیف قرار داده شده اند. چنین دوره های طولانی یا توقیف قبل از محاکمه نه تنها نقض آشکار قوانین افغانستان است بلکه توقیف شدگان را در معرض خطر شکنجه بیشتر قرار می دهد¹⁷⁰.

مطابق اصول محاکمات جزایی موقت، مژنونین میتواند برای حد اکثر 72 ساعت قبل از اینکه باید به ثارنوالی سپرده شوند، توسط پلیس نگهداری گردد¹⁷¹. آنان باید در ظرف مدت 24 ساعت از دلیل دستگیری شان آگاهی یابند. تنها ثارنوالان و محاکم می تواند مدت توقیف را بیش از 72 ساعت تمدید کند. در همه موارد قضایای

¹⁶⁸ توصیه های عمومی گزارشگر ویژه ملل متحده در باره شکنجه، <http://pdf.recommendations/SRTorture/Issues/Documents/org.ohchr.www://http> یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق. همچنان نک. رفتار با توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یوناما (اکتوبر 2011)، [درین سند، به عنوان یوناما، "توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان" یاد می شود]،

[http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/October10 %202011 UNAMA Dete](http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/October10%202011%20UNAMA%20Detention%20Full-Report%20ENG.pdf) tion Full-Report ENG.pdf؛ همچنان، نک. ابتکار عدلی جامعه باز، توقیف شدگان پیش از محاکمه و شکنجه: چرا توقیف شدگان پیش از محاکمه با بزرگترین خطرات مواجه اند، ابتکار عدلی جامعه باز، http://www.soros.org/initiatives/justice/articles_publications/publications/pretrial-detention-and-torture-20110624/pretrial-detention-and-torture-06222011.pdf [درین سند، به نام "ابتکار عدلی جامعه باز، توقیف شدگان پیش از محاکمه و شکنجه" یاد می شود]..

¹⁶⁹ اصول محاکمات جزایی موقت، ماده 15، 25؛ اصول محاکمات جزایی موقت، جریده رسمی، شماره 820 (25 فبروری 2004-6 حوت 1382)، ماده 31، 34، [درین سند، به نام "اصول محاکمات جزایی موقت" یاد می شود]، <http://www.asianlii.org/af/legis/laws/icocpcfogn820p2004022513821206a675/>؛ همچنان نک. یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت ... فوق.

¹⁷⁰ یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق. همچنان نک. ابتکار عدلی جامعه باز، توقیف شدگان قبل از محاکمه و شکنجه، یادداشت ... فوق؛ مارتین شونتیک، "مقیاس و پیامدهای توقیف قبل از محاکمه در سطح جهان"، در ابتکاری عدلی: توقیف قبل از محاکمه (نیویارک: انستیتوت جامعه باز، 2008).

¹⁷¹ قانون پلیس، جریده رسمی، شماره 862 (2005)، <http://www.rolafghanistan.esteri.it/NR/rdonlyres/94667686-6B09-4E6E-9972-905E21EEC1E4/0/PoliceLaw.pdf>؛ ماده های 15، 25؛ اصول محاکمات جزایی موقت ماده های 31، 34، 15، 25؛ اصول محاکمات جزایی موقت، جریده رسمی، شماره 820 (25 فبروری 2004-6 حوت 1382)، ماده 31، 34، [درین سند، به نام "اصول محاکمات جزایی موقت" یاد می شود]، <http://www.asianlii.org/af/legis/laws/icocpcfogn820p2004022513821206a675/>؛

مظنونین باید از ریاست امنیت ملی یا مرکز توقیف پلیس پس از 72 ساعت به مرکز توقیف وزارت داخله انتقال یابد.¹⁷²

توقیف مظنونین بیش از 72 ساعت یک مشکل گسترده و ثبت شده در سیستم عدالت جزایی افغانستان است.¹⁷³ در حالیکه فقدان ظرفیت و تاخیر در اداره سارنوالی، شایع ترین عوامل توقیف دراز مدت مظنونین جنایی عادی نزد پلیس به شمار می رود. در حالیکه ریاست امنیت ملی از قدرت خویش برای نگهداری مظنونین مرتبط به منازعه جهت انجام تحقیقات، به صورت عمدی استفاده می کند و سارنوالان در چنین موارد مسئولیت های تحقیق را به ریاست امنیت ملی واگذار می کنند.¹⁷⁴

یکی از توقیف شدگان در ماه دسامبر 2010 (فوس 1389) ابتدا از سوی نیروهای بین المللی دستگیر و بعداً به زودی به ریاست امنیت ملی کابل انتقال یافت، گفت: "من 30 روز را در اداره 90 سپری کردم و برای 21 روز همان ماه مورد شکنجه قرار گرفتم. آنها به من گفتند: اگر شکنجه نشوی، هرگز حقیقت را به ما نخواهی گفت". وی قبل از انتقال به مرکز توقیف وزارت عدلیه جمعاً برای سه ماه در توقیف ریاست امنیت ملی قرار داشت. در جریان توقیف در ریاست امنیت ملی، وی مورد لت و کوب و سوء استفاده جنسی نیز قرار گرفت. او پس از آن یک اعتراف نامه را امضا کرد.¹⁷⁵ چنین توقیف های طولانی قبل از محاکمه از سوی ریاست امنیت ملی که ظاهراً به هدف ادامه تحقیق ها صورت می گیرد، به صورت منظم از سوی توقیف شدگان گزارش شده است.

وکلا مدافع نیز در باره دوره توقیف از سوی ریاست امنیت ملی شاکی اند و می گویند وقتی کارمندان ریاست امنیت ملی به چالش کشیده میشوند، میگویند آنها صلاحیت قانونی نگهداری افراد را برای بیش از 72 ساعت دارند. یکی از وکلای مدافع چنین گفت: "قانون میگوید 72 ساعت، اما آنها افراد را برای چندین ماه نگه میدارند. اتهام مظنونین باید پس از 72 ساعت بیان و به ثارنوالان سپرده شوند. اما اگر بگویید این کار غیر قانونی است، ریاست امنیت ملی می گوید آنها مطابق قانون این حق را دارد. ما از آنها می خواهیم این قانون را به ما نشان دهند اما آنها نشان نمیدهند. مطابق با معلومات ما، آنها چنین صلاحیتی را ندارند."¹⁷⁶ زیرا هیچ گواه عمومی، فرمان اجرایی یا قانونی وجود ندارد که به ریاست امنیت ملی صلاحیت قانونی توقیف افراد را پس از محدودیت زمانی معین شده در قانون، اعطا کند. اگر حکومت افغانستان یا مقامات ریاست امنیت ملی از این رویه ها به عنوان رویه های قانونی دفاع می کنند، پس باید این قوانین یا فرمان های ریاست جمهوری را که چنین صلاحیت را به آنها داده است، برای اطلاع عموم نشر کنند.

قطع نظر از صلاحیت قانونی ریاست امنیت ملی، چندین وکیل مدافع ادعا کردند که ریاست امنیت ملی افراد را به این دلیل تحت توقیف نگه می دارند که مطمئن شوند هیچ اثری از بدرفتاری فیزیکی یا شکنجه در بدن آنان باقی نماند و زخم های چون داغ، بریدگی و کبودی ناشی از بدرفتاری فیزیکی بهبود یابد. یکی از وکلای مدافع در مصاحبه گفت: "ریاست امنیت ملی نیاز دارند آنها را برای زمان طولانی تر در زندان نگه دارند تا زخم آنها التیام و بهبود یابد. در صورتی که زخم قابل دید نباشد، محکمه احتمالاً ادعاهای فرد توقیفی را باور نمی کند."¹⁷⁷

¹⁷² اصول محاکمات جزایی موقت، ماده 36. ثارنوالان باید ظرف 15 روز پس از دستگیری، اتهام نامه تشکیل دهد. این مدت می تواند به درخواست ثارنوال برای 15 روز دیگر از سوی محکمه تمدید شود. برای جزئیات بیشتر محدودیت زمانی طرز العملی تحت قوانین افغانستان، نک. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2، یادداشت 44 فوق.

¹⁷³ هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان، توقیف خودسرانه در افغانستان: درخواست عمل، جلد 1، یوناما، جنوری 2009 (جدی 1387) [درین سند، به نام "یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 1" یاد می شود]، http://www.ohchr.org/Documents/Countries/ADVC_Vol_I_UNAMA.pdf. همچنان نک. یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق.

¹⁷⁴ یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2، یادداشت 44 فوق، ص. 55.

¹⁷⁵ مصاحبه با زندانی شماره 6

¹⁷⁶ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 1

¹⁷⁷ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 16. همچنان نک. مصاحبه با وکیل مدافع شماره 18

توقیف بدون ارتباط با (خانواده و وکیل مدافع)

نگهداری توقیف شدگان بدون ارتباط با بیرون، عمدتاً با ممانعت از آگاهی دهی به خانواده، مطابق قوانین افغانستان یکی از موارد نقض حقوق توقیف شدگان است و با معیارهای حقوق بشر بین المللی در تضاد است.¹⁷⁸ همچنان، بسیاری از توقیف شدگان نمی توانند با وکیل مدافع، که در ذیل مورد بحث قرار می گیرد، ارتباط برقرار کنند.

بر اساس مصاحبه با توقیف شدگان، تماس توقیف شدگان با اعضای خانواده شان در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی، بخصوص در روزهای نخست توقیف شان، بیشتر به یک استثنا شبیه است تا یک قاعده. رویه ای که میزان خطر بدرفتاری و شکنجه را افزایش میدهد¹⁷⁹. در برخی موارد، به نظر میرسد که کارمندان ریاست امنیت ملی افراد را در توقیف بدون داشتن ارتباط با بیرون نگه میگردند و تنها آنها را پس از کسب اعتراف از طریق شکنجه، به مراکز توقیف مربوط به وزارت داخله انتقال میدادند، جاییکه به آنان اجازه داده میشد تا با خانواده های شان تماس بگیرند.

یکی از توقیف شدگان از توقیف سه هفته ای خویش در مرکز توقیف قندهار خبر داد، جاییکه وی در معرض شکنجه هایی چون آویزان شدن، لت و کوب و شوک برقی مواجه بوده است. "آنها به من گفت: اعتراف کن، اعتراف. پس از آن، ما را بیشتر میزدند؛ هرچه آنها از ما می خواست بگوئیم، گفتیم. انسان بسیار ضعیف است، به همین خاطر ما اعتراف کردیم، هیچ راهی نداشتیم... لت و کوب زمانی متوقف شد که ما اعتراف کردیم. همه ما بعداً اینجا به سرپوزه [زندان مرکزی قندهار] منتقل شدیم." خانواده وی تلاش کرد تا موقعیت او را زمانی که در توقیف ریاست امنیت ملی بسر می برد، بدانند. "20 روز پس از دستگیری من، خانواده ام مرا یافتند. آنها به مراجع مختلفی رفتند، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ریاست امنیت ملی، پلیس ملی افغانستان و از همه آنها در مورد موقعیت نگهداری من پرسیدند اما هیچ کسی به آنان معلومات نداد. زمانی که در زندان مرکزی رسیدم، آنها نتوانستند مرا پیداکنند."¹⁸⁰

یکی دیگر از توقیف شدگان در مصاحبه با دست اندرکاران این گزارش گفت وی برای تقریباً دو هفته در ریاست امنیت ملی ننگرهار بوده است، که در آن مدت وی نتوانسته است با خانواده اش ارتباط بگیرد. او به آنان گفته بود "لطفاً، مرا به زندان عادی ببرید... در زندان عادی حد اقل می توانم با فامیل ام تماس بگیرم. آنجا یک محل باز است."¹⁸¹

تعدادی از توقیف شدگان نتوانستند موضوع توقیف شدن شان را به اعضای خانواده خویش اطلاع دهند، بنا براین، مجبور بودند برای رساندن پیام شان به وابستگان، روی زندانیان آزاد شده تکیه کنند. "آنها به خانواده ام اجازه ندادند با من ملاقات کنند، یا برابم غذا یا هر چیز دیگر بفرستند. فامیل ام درباره وضعیت من یا محل نگهداریم چیزی نمی دانست. من برای 37 روز آنجا بودم تا آنکه یکی از زندانیان آزاد شده توانست موقعیت مرا به خانواده ام اطلاع دهد." وی ادعا کرد در جریان هفته نخست توقیف وی در ریاست امنیت ملی قندهار، به طور منظم از

¹⁷⁸ مطابق قانون توقیف ها و مراکز توقیف، توقیف شدگان از حق تماس و بازدید از خانواده برخوردار است، جریده رسمی، شماره 923 (1) جولای 2007، ماده 31.

http://www.unodc.org/documents/afghanistan/government/AND_PRISONS_ON_LAW_Afghanistan_of_Government//afghanistan/documents/org.unodc.www://http.pdf.2010.CENTERS_DETENTION. همچنان، نک. میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی، ماده 7 و 10 (1). سایر معیارهای بین المللی شامل قاعده های 37، 38 (1) و 92 قواعد حداقلی معیاری ملل متحد در باره رفتار با زندانیان (1955) است؛ اصول 15، 16 (1)، 16 (4) و 19، مجموعه اصول محافظت از افراد تحت هر نوع توقیف (1988). برای دیدن یافته کمیته حقوق بشر مبنی بر اینکه محرومیت از حق تماس با اعضای خانواده با معیارهای رفتار انسانی ناسازگار است، به ابلاغیه شماره 577/1994 قضیه اسپینوزا دی پولی علیه پیرو (نظریات در 6 نوامبر 1997 بیان شد)، در اسناد ملل متحد، مراجعه کنید. CCPR/C/61/D/577/1994، پاراگراف 8.6، http://www.worldcourts.com/hrc/eng/decisions/1997.11.06_Espinoza_de_Polay_v_Peru.htm. کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه 1997/38، پاراگراف 2. گزارش گزارشگر ویژه در مورد شکنجه، اسناد ملل متحد، A/56/156، جولای 2001 (سرطان 1380)، پاراگراف 39 (ف). همچنان، نک. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2، یادداشت 44 فوق، ص 60.

¹⁷⁹ جولای 2001، پاراگراف 39 (ف). همچنان، نک. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2، یادداشت 44 فوق، ص 60.

¹⁸⁰ مصاحبه با زندانی شماره 55

¹⁸¹ مصاحبه با زندانی شماره 22

سوی ماموران ریاست امنیت ملی مورد لت وکوب قرار گرفته است. "زمانی که من به سارپوزه / زندان مرکزی قندهار / منتقل شدم، خانواده ام در باره من اطلاع یافتند و توانستند مرا ببینند."¹⁸²

نیروهای بین المللی نیز افراد را اغلباً در توقیف بدون ارتباط با خانواده و یا بدون معلومات دادن به فامیل که توقیفی به کجا بسر میبرد نگه میدارند، حالتی که ممکن است پس از انتقال به ریاست امنیت ملی زمان آن طولانی تر گردد. یکی از توقیف شدگان به مصاحبه کنندگان اظهار داشت که وی تقریباً شش ماه بدون تماس با خانواده خویش در مرکز توقیف بگرام تحت کنترل نیروهای ایالات متحده بسر برده است. مطابق گفته های این زندانی، وی بعداً به ریاست امنیت ملی کابل منتقل شد، جاییکه وی قبل از آزاد شدن، برای مدت سه ماه دیگر بدون ارتباط با خانواده اش تحت توقیف و شکنجه قرار داشته است. خانواده ام خبر نداشتند، هیچ اطلاعی نداشتند، نمی دانستند من کجا هستم، در بگرام، در ریاست امنیت ملی، یا کابل و یا جای دیگر. " زمانی که وی در نهایت پس از نه ماه اسارت آزاد شد، کنار سرکی در کابل رها گردید و 1000 افغانی (تقریباً معادل 20 دالر) به وی داده شد تا به خانه اش بر گردد. " به برادرم زنگ زدم و گفتم بیاید و مرا پیدا کند... وی شروع کرد به گریستن. کل خانواده ام از شنیدن صدای من خوشحال شده بودند. زنم، کودکانم همگی از خوشحالی گریه می کردند."¹⁸³ هرچند، نیروهای ایالات متحده در مرکز توقیف پروان به افراد اجازه میدهند از طریق کمیته بین المللی صلیب سرخ با خانواده های شان به شمول ارتباط از طریق کانفرانس ویدیویی تماس بگیرند.

مسئولیت یافتن موقعیت توقیف شدگان اغلب به دوش اعضای خانواده ها است، کسانیکه ممکن با عصبانیت به جستجوی موقعیت عزیزان شان پس از دستگیری بپردازند. یکی از توقیف شدگان گفت: "به محض دستگیری من، پدرم به جستجو آغاز کرد. او به قوماندانی امنیه مراجعه کرد، سپس به لغمان، جلال آباد، کابل و سپس به دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بعداً به بگرام. در بگرام، آنها به پدرم فهرست زندانیانی را که به ریاست امنیت ملی منتقل شده بود، داد... پس از یک و نیم ماه، پدرم مرا یافت و به دیدنم به ریاست امنیت ملی آمد." این فرد ادعا کرد در جریان توقیف در ریاست امنیت ملی کابل، وی مورد لت وکوب شدید و در معرض شوک برقی قرار گرفته است. "پدرم 80,000 افغانی (حدود 1600 دالر) به سارنوال داد. ما دو گاو فروختیم و مبلغی را از دیگران قرض گرفتیم تا این پول را به سارنوال پرداخت کنیم. پدرم همچنان برای مسافرت و یافتن من، مبلغ زیادی را مصرف کرد."¹⁸⁴

مصاحبه با وکلای مدافع تایید می کند که احتمال دارد توقیف شدگان (خصوصاً توقیف شدگان مربوط به نماز عه) به توقیف های بدون داشتن ارتباط بابیرون (*incommunicado*) فرستاده شوند. چنانچه رییس سازمان مساعدت های حقوقی افغانستان گفت: "نه، هیچ اطلاعی داده نمیشود، اما باید در ابتدای توقیف افراد، به خانواده های شان اطلاع داده شود. زمانی که ریاست امنیت ملی احساس کنند فرصت مناسب فرا رسیده است، به خانواده ها اجازه میدهند با توقیف شدگان ملاقات کنند. اما اگر خانواده ها قدرتمند نباشند و ارتباطات نداشته باشند، نمی توانند در مورد توقیف شدگان شان اطلاعی کسب کنند. آنها حتی نمی توانند بدانند که آیا این افراد در توقیف اند یا خیر، نمی توانند در باره سرنوشت آنها اطلاع یابند."¹⁸⁵

امتناع از حق داشتن وکیل مدافع

حق داشتن وکیل در ماده 31 قانون اساسی افغانستان و نیز در اصول محاکمات جزایی موقت تضمین شده است. داشتن وکیل یک طرز العمل بنیادی محافظوی است که میزان خطر بدرفتاری و سایر موارد نقض حقوق توقیف شدگان را کاهش میدهد. اکثر توقیف شدگانی که مصاحبه شدند، نتوانسته بودند در زمان نگهداری در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی با وکیل مدافع ارتباط بگیرند یا ملاقات کنند.

¹⁸² مصاحبه با زندانی شماره 52

¹⁸³ مصاحبه با زندانی شماره 98

¹⁸⁴ مصاحبه با زندانی شماره 10

¹⁸⁵ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 2

طبیعتاً، مقامات مسؤل توقیف شدگان را از حق داشتن وکیل آگاه نمی سازند، و توقیف شدگان اغلباً از این حق شان نا آگاه اند¹⁸⁶. چنانچه یکی از توقیف شدگان در ریاست امنیت ملی قندهار گفت: "هیچگاهی در باره داشتن وکیل مدافع چیزی به من گفته نشد و هیچ وکیلی برای من گرفته نشد. اما این امر به دلیل این است که من هنوز تحت تحقیق قرار دارم و هنوز زود است که وکیل مدافع داشته باشم."¹⁸⁷

اکثراً این اعضای خانواده هاست که باید به نیابت توقیف شدگان با وکلای مدافع تماس بگیرند. هرچند، حتی زمانی که خانواده ها موفق به استخدام وکیل مدافع میشوند، وکلا اغلباً نمیتوانند با توقیف شدگان ملاقات کنند. یکی از وکلای مدافع به خانواده های توقیف شدگان در قندهار گفته بود که وی نمیتواند زمانی که فردی در ریاست امنیت ملی تحت توقیف قرار دارد، از وی نمایندگی کند. او گفت: "ما باید منتظر باشیم تا آنها به زندان مرکزی منتقل شوند"¹⁸⁸. فرد توقیف شده در مرکز توقیف پلیس ملی افغانستان تحت شکنجه قرار گرفته و سپس به ریاست امنیت ملی منتقل شده بود، جاییکه وی در نهایت به دلیل زخم هایش مرد.

بعضاً به خاطری اینکه این خانواده ها است که میتوانند با وکلای مدافع ارتباط بگیرند، نه توقیف شدگان، وکلای مدافع باید زمانی زیادی را مصرف کند تا موقعیت موکلین شان را یافته و با آنان ملاقات کنند. رییس سازمان مساعدت های حقوقی افغانستان گفت: "ما موکلین را از طریق خانواده های شان پیدا میکنیم اما وقتی به ریاست امنیت ملی مراجعه می کنیم، آنها می گویند: "ما هیچکسی را به این نام نداریم." ما باید برای جستجوی آنها رفت و آمد کنیم. این کار گاهی نزدیک به یک ماه وقت را در برمیگیرد تا بتوانیم نهایتاً معلومات لازم را بدست آوریم."¹⁸⁹

در حالیکه عدم دسترسی به وکیل مدافع در کل سیستم عدلی افغانستان یک مشکل به حساب می آید، مصاحبه با وکلای مدافع نشان میدهد که این مشکل بخصوص برای توقیف شدگان مربوط به منازعه قابل محسوس است و مقامات ریاست امنیت ملی به صورت عمدی و سیستماتیک حق دسترسی به وکیل مدافع را انکار می کنند. وکلای مدافع و سازمانهای مساعدت های حقوقی اظهار میدارند که از این حق استفاده نمی شود تا آنکه ریاست امنیت ملی تحقیق خویشرا تکمیل کرده باشد یا توقیف شدگان را به مراکز توقیف وزارت امور داخله انتقال داده باشند، جاییکه وکلای مدافع میتوانند به توقیف شدگان دسترسی داشته باشند.

در نتیجه، وقتیکه کارمندان در حال تحقیق و پرسش سوالات استند زمانی است که در آن توقیف شدگان در معرض خطر بیشتر بدرفتاری قرار دارند. دسترسی به توقیف شدگان در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی به صورت عمومی ممکن نیست. به گفته رییس سازمان مساعدت های حقوقی افغانستان، "وکلای مدافع برای مصاحبه با موکلین شان با دشواری زیادی روبرو استند". وی گفت: "ریاست امنیت ملی به وکلا اجازه نمیدهد به صورت آزاد با موکلین صحبت کنند. تا زمانی که ریاست امنیت ملی تحقیقات خویش را تکمیل نکرده باشد، به وکلای مدافع اجازه نمیدهند در قضیه سهم بگیرند. ما می توانیم با موکلین ملاقات کنیم اما زمانی که تحقیقات کامل شده باشد."¹⁹⁰ ظاهراً گفته های یکی از مسئولین ریاست امنیت ملی این موضوع را که ریاست امنیت ملی به عنوان بخشی از پالیسی های خویش، از دسترسی به وکلای مدافع جلوگیری میکنند، تأیید می کند: "وقتیکه تحقیق از توقیف شدگان تکمیل شود و زمانی که قضیه به سارنوال محول شود، آنگاه مظنون می تواند وکیل مدافع داشته باشد. ورنه، برای وکیل مدافع روشن نخواهد شد که آیا فرد مظنون مجرم است یا بیگناه."¹⁹¹

تقریباً همه وکلای مدافع در مصاحبه ها ادعا کردند که ریاست امنیت ملی در جریان تحقیق ها از حق دسترسی به موکلین انکار میکند. یکی از وکلای مدافع از جلال آباد گفت: "توقیف شدگان هیچ شانسی برای دیدن وکیل مدافع در زمان تحقیقات ابتدایی ندارند؛ در مرحله اولیه، ریاست امنیت ملی به آنها اجازه نمیدهد با وکیل مدافع تماس بگیرد." یکی از وکلای مدافع در قندهار گفت: "هیچ وکیل مدافعی در قندهار نتوانسته است که با توقیف شدگان در ریاست

¹⁸⁶ همچنان، نک. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 2، یادداشت 44 فوق.

¹⁸⁷ مصاحبه با زندانی شماره 41

¹⁸⁸ مصاحبه با عضو خانواده زندانی شماره 58

¹⁸⁹ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 20

¹⁹⁰ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 2

¹⁹¹ مصاحبه با رییس امنیت ملی هرات، شهر هرات، ولایت هرات، 31 جولای 2011 (9 اسد 1390)

امنیت ملی در قندهار ملاقات کرده باشد...مسئولین ریاست امنیت ملی چیزی های شبیه این جملات را می گویند که "شما مخالف ریاست امنیت ملی هستید، بنا بر این، شما مخالف قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان میباشید و شبیه دوستان توقیف شدگانید."¹⁹²

یافته های این گزارش با گفته های مقامات ریاست امنیت ملی در تضاد است.¹⁹³ ریاست امنیت ملی در پاسخ به گزارش ملل متحد گفت: "ریاست امنیت ملی تقرر وکلای مدافع را منحصرنکرده است. چالش اصلی تعداد ناکافی وکلای مدافع است که رسیدگی به همه قضایا را دشوار میسازد. وکلای مدافع به قضایای جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی علاقه نشان نمیدهند... و به ولایات نا امن خدمات ارائه نمی کنند."¹⁹⁴

کمبود وکیل مدافع در افغانستان یکی از چالش های جدی است، اما این امر نمیتواند وضعیت توقیف شدگان را که عدم دسترسی آنها به وکیل مدافع به صورت مستقیم ناشی از عملکرد عمدی مقامات ریاست امنیت ملی است، توجیه کند. مصاحبه های انجام شده با وکلای مدافع تایید میکند که کارهای زیادی که در ولایات نا امن به شمول قندهار، کنر، لغمان، و ننگرهار انجام شده است، ادعای مقامات ریاست امنیت ملی مبنی بر اینکه عدم ارائه خدمات وکلای مدافع در ولایات نا امن سبب عدم دسترسی توقیف شدگان به وکلای مدافع بوده است، را رد می کند.

وکلای مدافع همچنان تمایل خویش برای به عهده گرفتن قضایای مربوط به توقیف شدگان منازعه را اظهار کرده و بسیاری از آنها این کار را انجام داده است. اما اغلباً رویه ها و سیاست های ریاست امنیت ملی مانع نمایندگی وکلا از توقیف شدگان منازعه می گردد. چنانچه در ذیل مورد بحث قرار خواهد گرفت. اعمال چون کنار زدن وکلای مدافع از جریان تحقیقات، ممانعت از ملاقات آنها با موکلین شان و تهدید آنها، وکلای مدافع را از به عهده گرفتن قضایای امنیت ملی باز میدارد و حق توقیف شدگان مبنی بر داشتن وکیل مدافع را تا حد زیادی زیر سوال می برد.

تحقیق از سوی مستنطقین ریاست امنیت ملی، بجای سارنوالان

در سیستم عدلی افغانستان، سارنوالان مسئول اصلی اجرای تحقیقات میباشد.¹⁹⁵ مصاحبه های انجام شده با توقیف شدگان منازعه و وکلای مدافع تایید میکند که در قضایای سیاسی یا امنیت ملی، بجای سارنوالان، مستنطقین ریاست امنیت ملی غالباً مسئولیت تحقیق و بازجویی را به عهده میگیرند.¹⁹⁶ فرضیه صلاحیت تحقیق از سوی ماموران ریاست امنیت ملی و تفویض این صلاحیت از سوی سارنوالان به آنها یکی از دلایل کلیدی نقض سیستماتیک طی مراحل قانونی بوده و خطر بیشتر شدن بدرفتاری با زندانیان و شکنجه آنها را افزایش میدهد.¹⁹⁷

چنانچه یکی از وکلای مدافع در قندهار اظهار داشت: "بزرگترین مشکل ما این است که پلیس یا ریاست امنیت ملی حق تحقیق از توقیف شدگان را ندارد. این تنها حق سارنوال یا قاضی است، اما بدبختانه آنها این کار را به صورت غیر قانونی انجام میدهد و یافته های شان را به محکمه می فرستند. آنها یک فرد توقیفی را بدون دلیل برای مدت

¹⁹² مصاحبه با وکیل مدافع شماره 16

¹⁹³ یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 63

¹⁹⁴ همان

¹⁹⁵ اصول محاکمات جزایی موقت، ماده های 23، 34، 35 و 37

¹⁹⁶ یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 46

¹⁹⁷ در صورتی که افراد تحت توقیف همان مقامات دولتی باشد که مسئولیت تحقیق و بازجویی آنها را به عهده دارد، این افراد در معرض خطر بیشتر شکنجه قرار می گیرند. "افرادی که به صورت قانونی دستگیر شده اند، نباید بیش از زمانی مصرح در قانون در مراکز توقیف تحت کنترل کسانی باشند که مسئولیت بازجویی و تحقیق آنها را به عهده دارند، تا ضمانت قضایی توقیف قبل از محاکمه حاصل گردد که در هیچ صورتی نباید از مدت 48 ساعت فراتر رود. بر این اساس، این افراد باید به یک مرکز توقیف قبل از محاکمه تحت کنترل مستقیم یک اداره متفاوت باشد، که پس از آن هیچ تماس بدون نظارت با بازجویان یا تحقیق کنندگان اجازه داده نشود." توصیه های عمومی گزارشگر ویژه ملل متحد در باره شکنجه، <http://www.pdf.recommendations/SRTorture/Issues/Documents/org.ohchr.www://http> همچنان، نک. ابتکار عدلی جامعه باز، توقیف شدگان قبل از محاکمه و شکنجه: چرا توقیف شدگان قبل از محاکمه در معرض بیشترین خطر قرار دارد، ابتکار عدلی جامعه باز، http://www.soros.org/initiatives/justice/articles_publications/publications/pretrial-detention-and-torture-20110624/pretrial-detention-and-torture-06222011.pdf [کشف بیشترین خطر شکنجه برای توقیف شدگان در مراحل قبل از محاکمه زمانی که در توقیف پلیس قرار دارد و پلیس خواستار کسب معلومات و اعترافات از توقیف شدگان است].

طولانی نگه می دارند؛ آنها اجازه دارند افراد را تنها برای 15 روز نگه دارند، نه بیشتر از آن. اما آنها افراد را برای ماه ها در توقیف نگه می دارند.¹⁹⁸

تعداد زیادی از وکلای مدافعی که در مصاحبه شرکت کرده بودند ادعا کردند که بد رفتاری با توقیف شدگان و شکنجه آنها در دوره نخست تحقیق اتفاق می افتد، ادعایی که با گفته های توقیف شدگان سازگاری دارد.¹⁹⁹

در حقیقت، ریاست امنیت ملی به "ایستگاه یک مرحله ای" تبدیل شده است که در آن موردستگیری، توقیف، و تحقیق همه تحت صلاحیت ماموران ریاست امنیت ملی بدون نظارت سارنوالی یا بررسی قضایی صورت می گیرد.²⁰⁰ ریاست امنیت ملی طبیعتاً تنها پس از تکمیل شدن تحقیق قضایا را برای اعلام جرم رسمی به سارنوالان می فرستد که اغلباً تنها بر اساس یافته های مستنطقین ریاست امنیت ملی استوار است. انحصار صلاحیت همزمان با تحقیق و توقیف در اختیار ریاست امنیت ملی، خصوصاً بدون بررسی یا نظارت مستقل قضایی، تا حد زیادی آسیب پذیری توقیف شدگان را در برابر بد رفتاری و شکنجه افزایش می دهد.

امتناع از حق حضور و مشارکت وکلای مدافع در تحقیقات

مهم ترین چالشهایی که از سوی سازمانهای مساعدت حقوقی و وکلای مدافع برای نمایندگی از توقیف شدگان منازعه شناسایی شده است، عدم شمولیت وکلای مدافع در تحقیقات و عدم توانایی آنها برای بررسی یافته ها و دوسیه ها قبل از محاکمه است. با کنار نهادن وکلای مدافع از جریان تحقیقات، مقامات ریاست امنیت ملی نه تنها حق توقیف شدگان برای داشتن وکیل و محاکمه عادلانه را نادیده می گیرند، بلکه یک طرز العمل کلیدی محافظوی را که موجب اطمینان از عدم اجباری بودن اعترافات و مصونیت توقیف شدگان در برابر شکنجه می گردد، نفی میکند.

در سیستم عدلی افغانستان، حضور و مشارکت وکلای مدافع در جریان تحقیق از مظنونین نقش مهمی را در پروسه قضایی ایفا میکند. مطابق اصول محاکمات جزایی موقت، وکیل مدافع حق دارد در جریان تحقیق از مظنونین، جستجوها، بررسی کارشناسان و شاهدان و آماده سازی مظنونین، حاضر باشند. وکیل مدافع همچنان حق دارد قبل از محاکمه به نتایج تحقیق و دوسیه های ترتیب شده از سوی سارنوالان دسترسی داشته باشد.²⁰¹ حضور و همکاری وکلای مدافع با سارنوالان در جریان تحقیقات، آنها را قادر می سازد تا اطمینان یابند که حقوق توقیف شدگان رعایت شده، میتوانند در مورد شواهد موجود علیه موکلین شان بدانند، و در تهیه دفاعیه به موکلین شان کمک کنند. توقیف شدگان نیز حق دارند که دلایل دستگیری خویش را بدانند و از فرصت مناسب برای به چالش کشیدن توقیف خویش برخوردار باشند. امری که هم مستلزم دسترسی به مشاور قانونی و هم به شواهد موجود بر خلاف آنان است.

چنانچه در فوق گفته شد، تحقیق قضایای سیاسی یا امنیت ملی از سوی سارنوالان، که به طور عموم، مطابق قوانین افغانستان اداره مناسب برای تحقیق است صورت نمیگیرد، بلکه توسط ماموران ریاست امنیت ملی انجام میشود.²⁰² تقریباً همه وکلای مدافعی که مصاحبه شدند، عدم توانایی شرکت در تحقیقات را به عنوان اصلی ترین چالش به نمایندگی از توقیف شدگان منازعه ذکر کردند، خصوصاً امتناع ریاست امنیت ملی از دسترسی وکلا به

¹⁹⁸ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 10

¹⁹⁹ مصاحبه با وکلای مدافع در کابل، ننگرهار، قندهار، لغمان، کنر. یوناما نیز دریافته است که اکثریت مطلق شکایات شکنجه و بد رفتاری زمانی اتفاق افتاده است که توقیف شدگان در توقیف ریاست امنیت ملی یا پلیس ملی افغانستان بوده است، قبل از انتقال به مراکز توقیف رسمی وزارت داخله. نک. یوناما، توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 44

²⁰⁰ هیچ حکمی در قوانین افغانستان وجود ندارد که مستلزم بررسی قضایی فوری و دوره ای توقیف شدگان باشد و نه هیچ توقیفی حق به چالش کشیدن قانونی بودن توقیف خویش را ندارد. نک. یوناما، توقیف خودسرانه در افغانستان، جلد 1، یادداشت 176 فوق، ص

http://www.ohchr.org/Documents/Countries/ADVC_Vol_I_UNAMA.pdf. 4

²⁰¹ اصول محاکمات جزایی موقت، ماده 38

²⁰² با توجه با ماهیت سری قانون نافذ درین زمینه، اینکه آیا صلاحیت بازجویی توسط فرمان ریاست جمهوری به ریاست امنیت ملی داده شده است یا خیر، نا مشخص است. خودداری حکومت افغانستان از علنی سازی قانون حاکم بر ریاست امنیت ملی، توانایی بررسی قانون بودن عملکرد ریاست امنیت ملی، محافظت از حقوق توقیف شدگان، و تامین حسابدگی در برابر تخلفات را تا حد زیادی با مشکل مواجه می سازد.

موکلین شان در مراحل پرسش و تحقیقات، وانکار این ریاست از شریک ساختن یافته های تحقیق یا معلومات مندرج در دوسیه ها²⁰³. یکی از وکلای مدافع گفت: "در قضایای عادی، پولیس و سارنوالان همکاری میکنند، اما در قضایای تحت کنترل ریاست امنیت ملی، ممکن است بتوانیم ما با موکلین خویش ملاقات کنیم، تنها ملاقات. نه مشارکت در تحقیق."²⁰⁴

یکی دیگر از وکلای مدافع بیان داشت: "اگر قضیه یک قضیه عادی مربوط به پلیس باشد، مثلاً یک قضیه قتل، سارنوالان به ما اجازه میدهند در تحقیق شرکت کنیم. بعضاً آنها با ما تماس میگیرند و میگویند قرار است ما امروز این قضیه را بررسی کنیم و شخص مورد نظر موکل شما است. اما در ریاست امنیت ملی، تنها چیزی که ما اجازه داریم این است که با موکلین خویش به توافق ابتدایی برسیم. آنها اینکار را میکنند تا از آن در برابر محکمه به عنوان یک سند استفاده کنند. اما پس از آن ما هیچ گاهی موکلین خویش را دوباره نمی بینیم. آنها حتی اجازه مطالعه دوسیه را به ما نمیدهند. ما تنها زمانی میتوانیم دوسیه را بخوانیم که به محکمه برای دفاع از آنها برسیم. قانون می گوید وکل باید حق شرکت در تحقیق را داشته باشد اما آنها به ما این اجازه را نمی دهند."²⁰⁵

تهدید وکلای مدافع

تعدادی از وکلای مدافع گزارش دادند آنها یا همکاران شان به خاطر تصمیم شان جهت نمایندگی از توقیف شدگان منازعه، از سوی ماموران ریاست امنیت ملی با تهدید یا فشار مواجه شده اند. این نوع تهدیدات حق توقیف شدگان برای داشتن وکیل را نادیده میگیرد و ممکن است توانایی و اراده وکلای مدافع برای تهیه سند و گزارش بدرفتاری با موکلین را تضعیف کند.

رییس سازمان مساعدت های حقوقی افغانستان تشریح کرد: "ریاست امنیت ملی قدرت دارند و گاهی از آن قدرت برای تهدید وکلای مدافع استفاده میکنند. این یک چالش بزرگ است. وکلا هراس دارند دستگیر شوند. برخی از آنها فقط به دلیل تماس گرفتن با شماره تلفن های خاص یا موجودیت شماره تلفن آنها در فهرست تماس های افراد توقیف شده، دستگیر شده اند، آنگاه ریاست امنیت ملی ادعا خواهد کرد که آنها به تروریست ها کمک میکنند تا با یکدیگر ارتباط بگیرند و طرح های شان را تطبیق کنند"²⁰⁶

یکی از وکلای مدافع در کابل توضیح داد که وی چگونه فقط به دلیل صحبت با افرادی که در جستجوی مساعدت حقوقی برای توقیف شدگان در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی بوده اند، از سوی ماموران این ریاست دستگیر شده است: "سال گذشته، برای مدت دو شب توسط ریاست امنیت ملی توقیف شدم. در آن زمان با [یک سازمان مساعدت های حقوقی] کار میکردم. دو نفر نزد من آمدند و از من خواستند دوسیه های افرادی را که در ولایات زابل و هلمند تحت توقیف ریاست امنیت ملی بودند به عهده بگیرم... روز بعد زمانیکه از خانه خارج میشدم دیدم ماموران ریاست امنیت ملی در انتظار من ایستاده اند، مرا دستگیر کردند و بردند."²⁰⁷ مقامات امنیت ملی وکیل مذکور را مورد تحقیق قرار داده از وی پرسیده بود که چرا می خواهد از توقیف شدگان نمایندگی کند، و بر وی فشار وارد کرده بود تا وکالت چنین قضایا را به عهده نگیرد. وی افزود: "در نهایت، به اثر دخالت یکی از وزرای دولت من از زندان آزاد شدم، خدا را شکر. اما ماموران تصمیم داشتند مرا به جایی ببرند و شکنجه کنند. آنها از من خواستند تا کاغذی را امضا کنم که در آن نوشته بود: هرگز از هیچ شورشی یا طالب دفاع نخواهم کرد."²⁰⁸

چنین فشارها نیز وکلای مدافع را از به عهده گرفتن وکالت قضایای توقیف شدگان مرتبط به منازعه باز می دارند. "مشکل دیگری که ما با ریاست امنیت ملی داریم این است که آنها وکلای مدافع را در جریان محاکمه تهدید می

²⁰³ وکلای مدافع مشارکت در بازجویی ها را چنین تعریف کرد: دسترسی به دوسیه ها، شواهد بدست آمده توسط ریاست امنیت ملی یا سایر ادارات، و حضور در جریان پرسش از توقیف شدگان، آماده سازی مضمونین و سایر مراحل بازجویی های ریاست امنیت ملی

²⁰⁴ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 20

²⁰⁵ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 8

²⁰⁶ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 2

²⁰⁷ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 19

²⁰⁸ همان

کنند. بطور نمونه، اگر موکل ما از سوی آنها مورد لت و کوب قرار گرفته باشد، آنها به طور غیر مستقیم بر وکلای حمله میکنند... چرا یک وکیل باید از یک مامور امنیت ملی شکایت کند؟ چطور جرأت می‌کند؟ زمانی که وکلای /سازمان مساعدت های حقوقی ما/ با قضایای مربوط به ریاست امنیت ملی کار میکنند، این اتفاقات اغلب رخ میدهد. به همین دلیل، وکلای ما گاهی وکالت همچو قضایا را بر عهده نمیگیرند. این کار در افغانستان یک کار خطرناک است"²⁰⁹

²⁰⁹ مصاحبه با وکیل مدافع شماره 8

VIII. حسابدگی و شفافیت

تلاش های دولت افغانستان برای جلوگیری از شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان

در سال های اخیر، حکومت افغانستان گام های مثبتی را برای رسیدگی به نقاط ضعف در سکتور عدلی که همواره از سکتور امنیتی از لحاظ تلاش ها و منابع اختصاص یافته برای اجرای اصلاحات عقب قرار داشته، برداشته است.²¹⁰ حکومت افغانستان همچنان اقداماتی را روی دست گرفته است که امیدوار است به منع شکنجه و بدرفتاری در مراکز توقیف کمک نماید، از جمله، آموزش بهتر برای مقامات زندان ها، و برنامه چند ساله که تا کنون 4600 مسئول، کارمند و محافظین زندان را در مورد بهترین شیوه رفتار با زندانیان و افراد تحت توقیف آموزش داده است.²¹¹

اقدامات متعددی برای بهبود وضع رفتار با توقیف شدگان بخصوص در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی برداشته شده است. ریاست امنیت ملی در ماه دسامبر 2010 (قوس 1389) یک کمیسیون نظارتی را تشکیل و موظف ساخت تا از مراکز توقیف نظارت و به شکایات و ادعاهای مربوط به بدرفتاری رسیدگی کند.²¹² در پاسخ به گزارش یوناما در مورد مراکز توقیف، حکومت افغانستان نیز یک کمیته دولتی را برای بررسی شکایات و یک دفتر حقوق بشر را در بخش امور حقوقی ریاست امنیت ملی ایجاد نمود که به توقیف شدگان دسترسی داشته و مسئولیت محافظت از حقوق توقیف شدگان را بر عهده دارد.

حکومت افغانستان نیز تعهد خویش برای حمایت از توقیف شدگان منازعه در برابر شکنجه و بدرفتاری را تجدید کرد.²¹³ حکومت تعهد خویش مبنی بر "رعایت احکام قوانین نافذ کشور، خصوصاً ماده 29، فصل دو قانون اساسی که در مورد منع شکنجه است"، را اعلام کرد.²¹⁴ ریاست امنیت ملی تعهد کرده است سمیناری را برای بخش های تحقیق و کشف برگزار کند و چند برنامه آموزشی را با حمایت حکومت بریتانیا در باره تحقیق برای 80 نفر از مقامات ریاست امنیت ملی برگزار نماید.²¹⁵ ریاست امنیت ملی اذعان داشت که "اصلاح امکان پذیر است" و متعهد شده است تا با اجرای تحقیق در مورد شکایات مربوط به بدرفتاری، تعلیق مقامات مسئول و به محاکمه کشاندن مرتکبین، حسابدگی و پاسخگویی برای اعمال شکنجه را تامین کند.²¹⁶

رییس جمهور حامد کرزی در نشست با داکتر سیما سمر رئیسه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، رحمت الله نبیل رییس ریاست امنیت ملی در ماه جنوری 2012 (جدی 1390)، تعهد کرد که ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دسترسی نامحدود به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی برخوردار خواهد بود.

²¹⁰ خدمات تحقیقاتی کنگره، "افغانستان: کمک های ایالات متحده به حاکمیت قانون و سکتور عدلی"، 9 نوامبر 2010، <http://www.fas.org/sgp/crs/row/R41484.pdf>

²¹¹ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وضعیت مراکز توقیف و زندان ها در افغانستان، 25 جون 2010 (3 اسد 1389)، http://www.aihrc.org.af/media/files/Reports/Thematic%20reports/rep_25_jun_2010.pdf، ص 15

²¹² یوناما، بدرفتاری با توقیف شدگان در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 42. در مورد مؤثریت کمیسیون نظارت بر مراکز توقیف، نگرانی های جدی وجود دارد، زیرا این کمیسیون نتوانسته است شکنجه و بدرفتاری های مستند شده از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، بنیاد جامعه باز و یوناما را تحت پوشش قرار دهد.

²¹³ حکومت افغانستان طی یک اعلامیه مطبوعاتی گفت: "شیوه های شکنجه همچون شوک برقی، تهدید به تجاوز جنسی، پیچیدن ارگان های جنسی و غیره شیوه هایی اند که هرگز در ریاست امنیت ملی وجود ندارد." نک. مارتین پیتی، "شیوع شکنجه در مراکز توقیف افغانستان: ملل متحد"، رویترز، 10 اکتوبر 2011 (18 میزان 1390)،

http://www.realcworld.com/news/reuters/international/2011/Oct/10/torture_rife_in_afghan_detention_facilities_u_n.html

http://articles.cnn.com/2011-10-10/asia/world_asia_afghanistan-torture-prisons_1_afghan-prisons-torture-methods-torturing-detainees?_s=PM:ASIA، همچنان نک. یوناما، برخورد با توقیف شدگان منازعه در مراکز

توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، ص 61

²¹⁴ همان، ص 58

²¹⁵ همان، ص 68

²¹⁶ همان، ص 70

در حالیکه از تعهد حکومت افغانستان در مورد اصلاحات استقبال می شود و حکومت گام های مثبتی را برای پایان دادن به شکنجه برداشته است، در برداشتن برخی از گام های اساسی برای رسیدگی به بدرفتاری با توقیف شدگان، از جمله حسابرسی از افراد مسئول شکنجه و تامین شفافیت از طریق عمومی سازی یافته های تحقیق، انتشار همه قوانین مرتبط با صلاحیت قانونی ریاست امنیت ملی و تامین دسترسی ناظران مستقل به همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی، ناکام مانده است.

ناکامی در حسابرسی از مقامات ریاست امنیت ملی به خاطر شکنجه

گام های نخست برای تامین حسابدگی به خاطر شکنجه عبارتند از تعلیق، تحقیق و در صورت توجیه پذیری، برکناری مقامات مسئول شکنجه. حکومت افغانستان در حسابرسی از آن عده مقامات ریاست امنیت ملی که در بدرفتاری با توقیف شدگان دست داشته اند، به شدت ناکام بوده است. هرچند، چندین کارمند مقام ریاست امنیت ملی از موقوف های شان برکنار شده است، بسیاری از آنها به سادگی به مراکز توقیف دیگر تبدیل شده اند، که در انجا نیز مسئولیت برخورد با توقیف شدگان را همچنان حفظ کرده است.

حکومت افغانستان چندین مقام دخیل در شکنجه را برکنار کرده است²¹⁷. هرچند، در بسیاری ازین موارد، مقامات از وظایف شان در ریاست امنیت ملی برکنار نشده بلکه در عوض از یک مرکز به مرکز دیگر منتقل شده یا توظیف شده اند. رییس ریاست امنیت ملی خوست، جاییکه یوناما شواهد حاکی از شکنجه های سیستماتیک را یافت، به عنوان رییس ریاست امنیت ملی گردیز منصوب گردید. رییس ریاست امنیت ملی گردیز در عوض ریاست امنیت ملی را در خوست به عهده گرفت. به همین ترتیب، رییس ریاست امنیت ملی لغمان، جاییکه شواهد مهم حاکی از شکنجه در آن وجود دارد، به عنوان معاون ریاست امنیت ملی ننگرهار تعیین شد، در حالیکه رییس ریاست امنیت ملی ننگرهار با حفظ موقف خویش به ولایت لغمان منتقل شد. درین موارد، افراد دخیل در ادعاهای جدی مبنی بر شکنجه حتی با تنزیل رتبه یا سایر تنبیه های انضباطی مواجه نشدند. در عوض، آنها به سادگی به مواضع جدید رهبری در ریاست امنیت ملی گماشته شدند.

اقدامات انجام شده علیه مقامات حکومتی دخیل در بدرفتاری با توقیف شدگان²¹⁸

رییس ریاست امنیت ملی قندهار، جنرال محمد نعیم	در سپتامبر 2011 (سنبله 1390) از موقف خویش برکنار شد، در ریاست امنیت ملی باقی مانده است
معاون ریاست امنیت ملی قندهار، دگروال عبدالوهاب	در سپتامبر 2011 (سنبله 1390) از موقف خویش برکنار شد، در ریاست امنیت ملی باقی مانده است
رییس ریاست امنیت ملی خوست، اختر محمد ابراهیمی	تقرر مجدد، فعلا رییس ریاست امنیت ملی گردیز
رییس ریاست امنیت ملی لغمان، نور حیدر	تقرر مجدد، فعلا معاون رییس ریاست امنیت ملی ننگرهار
رییس ریاست امنیت ننگرهار	تقرر مجدد، فعلا رییس ریاست امنیت ملی لغمان
رییس ریاست امنیت فراه	تعلیق شد
رییس مرکز تادیب اطفال، هلمند، عبدالله خرم	به صفت رئیس مرکز تادیب اطفال در ارزگان مقرر و از همان وقت وظیفه را ترک کرد.

بنا به گفته مقامات ریاست امنیت ملی، تحقیق از افراد ادامه می یابد و زمانی که تحقیق ها تکمیل شد، ریاست امنیت ملی تصمیم خواهند گرفت که آیا مقامات مربوط را تنبیه یا برکنار کنند²¹⁹. هرچند، با وجود درخواست ها از سوی دست اندرکاران این گزارش، مقامات ریاست امنیت ملی هیچگونه معلومات بیشتری را در مورد اینکه در

²¹⁷ یوناما، برخورد با توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، صص 62، 69
²¹⁸ همان، همچنان نک. [مصاحبه با مقامات ریاست امنیت ملی، شهر کابل، ولایت کابل، xx]؛ فیروزی 2012 (دلو 1390)؛ ؛ مصاحبه با مقامات یوناما، شهر کابل، ولایت کابل، 12 دسامبر 2011 (21 قوس 1390). همچنان نک. نظرات و پاسخ های ریاست امنیت ملی به گزارش دفتر معاونت ملل متحد در افغانستان (UNAMA)، گزارش توقیف یوناما، صص 62، 69.
²¹⁹ ملاقات با مقامات ریاست امنیت ملی، شهر کابل، ولایت کابل، 11 دسامبر 2011

نتیجه ادعاهای مربوط به بدرفتاری با توقیف شدگان آیا در حال حاضر کسی تحت تحقیق قرار دارد یا خیر، یا کسی از وظیفه برکنار، انتقال یا تنبیه شده است یا خیر، ارائه کرده است²²⁰.

در پاسخ به انتقادهای مربوط به ناکامی در حسابرسی از افراد مسئول، مقامات ریاست امنیت ملی اینگونه به مخالفت برخاست که آنها نمی توانند بر اساس ادعاهای محض "زندگی شغلی کسی را تخریب کند" و لازم است تحقیق ها مشخص سازد که آیا برکناری یا تنبیه آنان موجه است یا خیر²²¹. البته تحقیق زمانی لازم و مناسب است که ادعاهایی مبنی بر بدرفتاری وجود داشته باشد. اما تحقیق ها باید واقعی و درست باشد، نتایج آن عمومی ساخته شود، و اقدامات مناسب علیه افراد مسئول اتخاذ گردد. تا کنون، شواهد اندکی وجود دارد که ریاست امنیت ملی چنین گام هایی برداشته باشد. هیچ کدام از نتایج تحقیق های ریاست امنیت ملی برای مردم اعلان نشده و با وجود شواهد معتبر شکنجه که از سوی یوناما به ریاست امنیت ملی ارائه شده است، به شمول شواهد شکنجه در 16 مرکز توقیف، به نظر نمی رسد هیچ مقامی به صورت دایمی از ریاست امنیت ملی برکنار شده باشد یا مقاماتی به خاطر بدرفتاری با توقیف شدگان تحت پیگرد قانونی قرار گرفته باشد.

انتقال افراد به موافق جدید به معنای حسابدگی واقعی نیست. حسابدگی مستلزم اعمال اقدامات مناسب تنبیهی بر افراد است، از جمله برکناری دایمی از موقف شان در صورتی که مسئولیت بدرفتاری با توقیف شدگان را به عهده داشته باشند. ناکامی در حسابرسی از افراد به خاطر شکنجه نه تنها جفا بر قربانیان عدالت است بلکه به مرتکبین اجازه می دهد بدرفتاری با توقیف شدگان را ادامه دهد و به سایر مقامات این پیام را می رساند که شکنجه کنندگان از مجازات مصون خواهند بود.

امتناع دسترسی به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی

امتناع از دسترسی به مراکز توقیف یکی دیگر از چالش ها می است که فرا روی ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قرار دارد. این چنین ممنوعیت ها اکثراً مستقیم و صریح نیستند، کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با اشکال متعدد محدودیت و موانع دسترسی را که مؤثریت نظارت را زیر سوال می برد، مواجه شده است. این محدودیت ها بر دسترسی به مراکز توقیف با اظهارات قبلی ریاست امنیت ملی که گفته بود "همه مراکز توقیف و شعبات تحقیق ریاست امنیت ملی برای تلاشی /از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و گروهی از سایر نهادها/ آزاد است و آنها به [مراکز توقیف] دسترسی کامل دارند"، در تناقض قرار دارد²²².

در جریان تحقیق برای این گزارش، ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به صورت آشکار از دسترسی به دو مرکز مربوط به ریاست امنیت ملی منع شدند: ریاست امنیت ملی کنز و شعبه 90/124 ریاست امنیت ملی کابل. در ماه فیبروری سال 2011 (دلو 1389)، رییس ریاست امنیت ملی کنز با بیان اینکه ریاست امنیت ملی کابل اجازه دسترسی ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به مرکز توقیف را نداده اند، مانع دسترسی ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به آن مرکز شدند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همچنان به صورت مکرر دسترسی به شعبه 90/124 ریاست امنیت ملی کابل را درخواست کرده است، که تازه ترین مورد آن در 19 دسامبر 2011 بوده است، ولی هنوز اجازه دسترسی داده نشده است²²³.

مهم تر اینکه، ریاست امنیت ملی به صورت عموم به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه نمی دهد از مراکز توقیف این ریاست بدون آگاهی قبلی بازدید کند، که این امر توانایی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را برای اجرای مأموریت قانونی و نظارت مؤثر تضعیف میکند. قبل از بازدید از مراکز توقیف، مقامات ریاست

²²⁰ همان

²²¹ همان

²²² یوناما، برخورد با توقیف شدگان منازعه در مراکز توقیف افغانستان، یادداشت 3 فوق، صص 59-60

²²³ در پاسخ کتبی رسمی به درخواست کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای بازدید از شعبه 19/124، ریاست امنیت ملی به تاریخ 31 دسامبر 2011 (10 جدی 1390) نوشت که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می تواند جایی که با افراد توقیف شده در شعبه 19/124 مصاحبه می کند، از این شعبه بازدید کند.

امنیت ملی معمولاً کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را ملزم می‌کند تا یک نامه رسمی مبنی بر درخواست دسترسی به مراکز را حد اقل 1-2 روز قبل از بازدید به آن ریاست ارائه کند. مقامات ریاست امنیت ملی همچنان ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را از آوردن کمره عکسبرداری در داخل مراکز توقیف ریاست امنیت ملی منع می‌کند که این مسئله ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را از مستند سازی دقیق شواهد فیزیکی برفتاری همچون کبودی، اثر زخم و سایر صدمات باز می‌دارد.²²⁴

ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در دسترسی کامل و نامحدود شان به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی با یک سلسله دشواری های اضافی مواجه شده است. مقامات ریاست امنیت ملی در موارد متعدد به طور ناگهانی بازدیدهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را لغو کرده است - گاهی حتی زمانی که ناظران در مسیر راه به سوی مراکز توقیف بوده اند - و اصرار کرده است که بازدید به تاخیر انداخته شود زیرا ناظران دیگری در حال بازدید از مرکز توقیف اند. ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان چندین بار از بازدید از مراکز توقیف تحت چنین شرایطی منع شده است، حتی زمانی که بازدیدها از قبل ترتیب و تصویب شده است. در موارد دیگر، مقامات مراکز توقیف ترتیب هر نوع بازدید را به بسیار سادگی انکار کرده است، در حالی که ناظران اسناد و تصویب لازم را به همراه داشته اند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در جریان چندین بازدید از مراکز توقیف مشاهده کردند که برخی از پروتکل ها و رویه های مقامات ریاست امنیت ملی همانند جلسات رسمی و سیر طولانی در مراکز منجر به تاخیر و محدودیت زیاد زمانی شده است که کمیت و کیفیت مصاحبه ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توقیف شدگان را تحت تاثیر قرار داده است.

به صورت عموم، عدم وضاحت ممتد که ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای دسترسی کامل و آزاد به مراکز توقیف ریاست امنیت ملی با آن مواجه اند، و احتیاط آشکار مقامات محلی ریاست امنیت ملی برای اعطای مجوز دسترسی، توانایی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای برآورده سازی دستور کار خویش جهت نظارت جدی و مؤثر بر وضعیت و رفتار با توقیف شدگان را تضعیف می‌کند.

IX. توصیه ها

ریاست امنیت ملی

- در مورد همه ادعاهای معتبر در باره شکنجه، از جمله گزارش های شکنجه در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی که درین گزارش شناسایی شده است تحقیق نماید
- از همه کسانی که مسئول شکنجه اند، به شمول افسران دستور دهنده تحقیق و حسابرسی نماید. به رویه جابجایی و تبدیلی به عوض برکناری مقامات مسئول اعمال شکنجه پایان داده شود نتایج تحقیقات و اقدامات انجام شده به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان علنی و ارایه نماید.
- از اینکه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دسترسی کامل، آزاد و محرم به توقیف شدگان و مراکز توقیف ریاست امنیت ملی، از جمله شعبه 90/124 ریاست امنیت ملی کابل، برخوردار است اطمینان دهد، زیرا این طرز العمل در قانون اساسی افغانستان برای این نهاد تعریف شده است. اطمینان از اینکه مقامات ریاست امنیت ملی به ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه می‌دهد تا بدون کدام آگاهی قبلی از همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی بازدید نماید ضروری است.

²²⁴ استفاده از دوربین و سایر وسایل مستندسازی شرایط و برخورد با توقیف شدگان شیوه های معیاری بازجویی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان است. اگر نگرانی های امنیتی در مورد داشتن و استفاده از این نوع تجهیزات از سوی ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مراکز توقیف ریاست امنیت ملی وجود داشته باشد، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از فرصت رسیدگی به این نوع نگرانی ها، بخصوص از طریق تدوین پروتکل و رویه های که به این نگرانی ها پاسخ دهد و در عین حال به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان اجازه دهد شواهد برفتاری با توقیف شدگان را به صورت درست مستند سازی کند، استقبال می‌کند.

- اطمینان از اینکه بخش حقوق بشر ریاست امنیت ملی مراکز توقیف ریاست امنیت ملی جایگاه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نسبت به عدم دسترسی به آن به حکومت هشدار می دهد را بلافاصله بازرسی و بررسی میکند.
- بررسی همه ادعاهای معتبر راجع به مراکز "مخفی" یا افشا نشده که از سوی مستنطقین ریاست امنیت ملی مورد استفاده قرار می گیرد، و پایان دادن به استفاده از مراکز یا محلات تحقیق و استنتاج که ناظران مستقل به آن دسترسی ندارند.
- اعطای صلاحیت و منابع ضروری به بخش حقوق بشر ریاست امنیت ملی جهت اجرای تحقیق مؤثر در مورد ادعای مربوط به بدرفتاری و اطمینان از اینکه افراد مسئول بدرفتاری مورد حسابرسی قرار می گیرد.
- توقف نگهداری توقیف شدگان در مراکز توقیف بدون ارتباط با خانواده و وکیل مدافع. اطلاع دهی از دستگیری توقیف شدگان به اعضای خانواده آنها بلافاصله و یا اسرع وقت، اطمینان از دسترسی به وکیل قانونی و اعطای اجازه به اعضای خانواده جهت بازدید از توقیف شدگان. انتقال همه توقیف شدگان به مراکز توقیف وزارت داخله طی 72 ساعت، آگاهی دهی به توقیف شدگان نسبت به علت دستگیری شان در ظرف 24 ساعت، و اطمینان از اینکه توقیف ها یی که بیشتر از 72 ساعت طول میکشد با مجوز ثارنوال یا قاضی انجام می شود.
- اطمینان از اینکه تحقیقات مطابق قوانین افغانستان از سوی ادارات صالح انجام می شود؛ اجازه به ثارنوالان جهت انجام تحقیق از مظنونین.
- اطمینان از اینکه وکلای مدافع در همه مراحل توقیف به توقیف شدگان و همه مراکز توقیف ریاست امنیت ملی و نیز به یافت های تحقیقات و شواهد موجود علیه موکلین خویش دسترسی دارند.
- فراهم نمودن آموزش های اجباری برای مستنطقین ریاست امنیت ملی و آمرین آنها در مورد شیوه های قانونمند تحقیق، رویکردهای بدیل تحقیق مانند طب عدلی (forensics)، و مکلفیت های قانونی آنها مطابق قوانین افغانستان و قوانین بین المللی که شکنجه و بدرفتاری با توقیف شدگان را منع می کند، در هماهنگی با همکاران بین المللی.

حکومت افغانستان

- همه قوانین و فرمان های ریاست جمهوری حاکم بر اختیارات قانونی ریاست امنیت ملی باید به آگاهی عامه رسانیده شود.

برای استره محکمه

- اطمینان از اینکه قضات به پذیرش اعترافات بدست آمده از طریق شکنجه در محکمه اجازه نمیدهند، چنانچه در قانون اساسی افغانستان و اصول محاکمات جزایی موقت بیان شده است.
- صدور رهنمود برای قضات جهت استلزام آنها برای تحقیق در مورد همه ادعاهای که از سوی توقیف شدگان راجع به اعتراف تحت فشار مطرح شده است.
- اطمینان از اینکه ناظران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می تواند در محکمه شهادت دهند و شواهد مربوط به ادعای توقیف شدگان مبنی بر شکنجه، بدرفتاری و سایر انواع سوء استفاده را در دسترس قرار دهد.

برای پارلمان افغانستان

- اصلاح اصول محاکمات جزایی موقت، مطابق با مکلفیت های افغانستان تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی- سیاسی، تا قضایای توقیف شدگان به عنوان حقوق مسلم شان به صورت فوری و دوره ای از سوی محکمه بررسی شود، و بتوانند در مورد قانونی بودن توقیف شدن خویش در محکمه استدلال نمایند.
- ایجاد یک میکانیزم برای اطمینان از اینکه رنج و آلام قربانیان بدرفتاری و شکنجه ناشی از عملکرد مقامات دولتی به صورت مناسب جبران شود.

قوماندانی آیساف و کشورهای دارای حضور نظامی در افغانستان

- حمایت از ریاست امنیت ملی و حکومت افغانستان جهت تامین رهایی زندانیان از شکنجه. کار با ریاست امنیت ملی به منظور تشخیص کمبودی های شدید منابع، و فراهم آوری مساعدت های مناسب فنی و مالی جهت حصول اطمینان از رفتار بهتر با توقیف شدگان و تامین مطابقت تحقیقات با قوانین ملی و بین المللی.
- ارتقای ظرفیت کاری کارمندان افغانی در اجرای تحقیقات مؤثر و قانونی، بازرسی و پیگرد قانونی مبتنی بر شواهد، تقویه نظارت مؤثر داخلی و میکانیزم های حسابدگی.
- با استفاده از سیاست های تعلیق و جبران آیساف، کار با حکومت افغانستان صورت گیرد تا تدابیری جهت حفاظت زندانیان از بدرفتاری اتخاذ گردیده و دسترسی کامل و غیر محدود کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به مراکز توقیف تامین گردد، زندانیان به وکیل مدافع دسترسی داشته باشند و در برابر بدرفتاری با زندانیان پاسخگوئی موجود باشد.
- اطمینان از اینکه هیچ زندانی به محلاتی که در آنجا خطر واقعی شکنجه وجود دارد انتقال نمی شود. جایکه انتقال زندانیان بنا بر اتهامات معتبر راجع به شکنجه از سوی آیساف به تعلیق درآمده است. اطمینان از اینکه تنها آن عده از مراکز برای شروع دوباره انتقال توقیف شدگان تصدیق می شود که در آن اطلاعات کافی مبنی بر نبود خطر واقعی شکنجه وجود دارد.
- اطمینان از اینکه برنامه نظارت از زندانیان از منابع، تخصص مدنی و صلاحیت لازم برای نظارت مؤثر از همه توقیف شدگانی که به زندان افغانستان منتقل شده اند برخوردار می باشد.

ایالات متحده امریکا

- همکاری سازنده با ریاست امنیت ملی به منظور تامین برخورد قانونی با زندانیان و حسابرسی از کارمندان در برابر بدرفتاری ها.
- حمایت از ریاست امنیت ملی و حکومت افغانستان جهت تامین رهایی زندانیان از شکنجه. کار با ریاست امنیت ملی به منظور تشخیص کمبودی های شدید منابع، و فراهم آوری مساعدت های مناسب فنی و مالی جهت حصول اطمینان از رفتار بهتر با توقیف شدگان و تامین مطابقت تحقیقات با قوانین ملی و بین المللی.
- ارتقای ظرفیت کاری کارمندان افغانی در اجرای تحقیقات مؤثر و قانونی، بازرسی و پیگرد قانونی مبتنی بر شواهد، تقویه نظارت مؤثر داخلی و میکانیزم های حسابدگی.
- اطمینان از اینکه تمام نیروهای ایالات متحده، از جمله نیروهای عملیات ویژه و پرسنل اطلاعاتی، با سیاست های انتقال توقیف شدگان و قانون بین المللی مطابقت داشته و تحت پوشش برنامه کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در مورد نظارت از توقیف شدگان قرار گیرد.